



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com  
www.ghaemiyeh.org  
www.ghaemiyeh.net  
www.ghaemiyeh.ir

مکتبہ اعلیٰ عربیہ اسلامیہ، لاہور

# گلزارِ گلشن

احادیث، انٹرنیٹ، توصیہ نامہ علمی

تالیف:

حادی بنی

ترجمہ:

علی اصغر حبیبی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# گنجنامه: احادیث، اندرزها، توصیه های علمی

نویسنده:

هادی نجفی

ناشر چاپی:

کانون پژوهش

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۱۰	گنجنامه: احادیث، اندرزها، توصیه های علمی
۱۰	مشخصات کتاب
۱۰	اشاره
۱۴	فهرست مطالب
۱۸	اشاره
۱۹	پیشگفتار
۲۵	کنز الوحيد: هو الله تعالى
۳۳	الکنز الثانی: محمد رسول الله صلى الله عليه و آله
۳۵	الکنز الثالث: أمير المؤمنين علي بن أبي طالب عليه السلام
۳۵	اشاره
۳۹	فاطمه الزهراء سلام الله عليها
۴۳	الإمام الحسن المجتبی عليه السلام
۴۵	الإمام الحسين الشهيد عليه السلام
۴۹	الإمام علي بن الحسين السجاد عليه السلام
۴۹	الإمام محمد بن علي باقر العلوم عليه السلام
۵۱	الإمام جعفر بن محمد الصادق عليه السلام
۵۱	الإمام موسى بن جعفر الكاظم عليه السلام
۵۱	الإمام علي بن موسى الرضا عليه السلام
۵۳	الإمام محمد بن علي الجواد عليه السلام
۵۵	الإمام علي بن محمد الهادي عليه السلام
۵۵	الإمام الحسن بن علي العسكري عليه السلام
۵۷	الإمام الحجّة بن الحسن صاحب الزمان عجل الله تعالى فرجه الشريف
۵۷	کتابه سطور في مدينة النبي صلى الله عليه و آله

٥٩	أنفق و لا تخف من ذى العرش إقلاً
٦١	الشفاعة عامة تجرى في العوالم الثلاثة
٦١	نحن ببركتهم عليهم السلام فى الجنة دائماً
٦٥	النجاة غداً قطعى إن شاء الله تعالى
٦٥	كتابة سطور فى حال الإحرام قبل الذهاب إلى عرفات
٦٧	أباؤك من العلماء و الفقهاء
٦٩	العلم الكنز
٦٩	كيفية دراسة العلوم الحوزوية
٧١	الكنوز التى أنت تملكها
٧١	اشاره
٧٣	الإيمان بالله تعالى و بنبيه صلى الله عليه و آله و بوصيه عليه السلام و الأئمة من ولده عليهم السلام
٧٣	الطاعة لله تعالى
٧٣	الصلاة
٧٣	التوكل على الله
٧٥	أشعار أبى المجد فى التوكل
٧٥	حبك لأمير المؤمنين عليه السلام
٧٧	التوسل
٧٧	الدعاء
٧٧	التهجد
٧٧	التوبة
٧٩	قراءة القرآن
٧٩	الصدقة
٧٩	الإنفاق
٧٩	الوالدة
٨١	الإعتبار و ماء الوجه
٨١	الرزق على الله تعالى

٨١	القناعة
٨٣	الخلق الحسن
٨٣	الصبر
٨٣	الأيام
٨٣	لا تظهر الشيء قبل أن يستحكم
٨٣	لاتثق قبل الاختبار
٨٥	الصمت
٨٥	الانتظار للصلاة
٨٥	سورة الحمد
٨٥	آية الكرسي
٨٧	آيتان من آخر سورة البقرة
٨٩	سورة القدر
٨٩	سورة المؤمنين
٨٩	الصلاة على محمد و آله
٨٩	كلمة التوحيد
٩١	المعروف
٩١	محبة القلوب إليك
٩١	إياك و معادة الرجال
٩١	العمل
٩٣	التقوى
٩٣	الصلاة في أول يوم من رجب
٩٣	دعاء لأبي عبدالله عليه السلام
٩٣	الجوشن الكبير
٩٣	كلمات من كنوز العرش
٩٥	الوسائل إلى المسائل
٩٧	الكنز في الروايات يطلق على أشياء و امور

- ٩٧ ..... اشارة
- ٩٧ ..... كان تحته كنز لهما
- ٩٧ ..... لا حول و لا قوة إلا بالله
- ١٠١ ..... العجب لمن فرع من أربع كيف لا يفرع إلى أربع
- ١٠٣ ..... أربعة من كنوز البر
- ١٠٣ ..... أربعة من كنوز الجنة
- ١٠٣ ..... الكوفة كنز الإيمان
- ١٠٣ ..... كنوز الله في الطالقان
- ١٠٥ ..... الكنز لابد أن يودع عند الأمين
- ١٠٥ ..... إن هدى الله بك أحداً فهو كنزك
- ١٠٧ ..... خاتمة:
- ١٠٧ ..... اشارة
- ١٠٧ ..... منها: دعاء الإمام الصادق عليه السلام في مجلس المنصور للنجاة منه
- ١١١ ..... ومنها: وصية الإمام الصادق عليه السلام لولده الإمام الكاظم عليه السلام
- ١١٣ ..... وصية رسول الله صلى الله عليه و آله إلى أمير المؤمنين عليه السلام
- ١١٣ ..... وصية أمير المؤمنين لولده الإمام الحسن عليه السلام
- ١١٣ ..... وصية أمير المؤمنين عليه السلام لولده محمد بن الحنفية
- ١١٣ ..... وصية أخرى لرسول الله صلى الله عليه و آله إلى أمير المؤمنين عليه السلام
- ١١٥ ..... وصايا لقمان لابنه
- ١١٥ ..... وصايا العلامة الحلي لولده قدس سرهما
- ١١٧ ..... لا تنساني من صالح دعواتك و طلب المغفرة
- ١١٧ ..... سر تفوق الوحيد البهبهاني قدس سره
- ١١٩ ..... الزراعة
- ١١٩ ..... الروايات كلها كنوز
- ١٢١ ..... الإجازة للولد
- ١٢١ ..... إن تريد المال و الثروة



١٢٤ ..... ضمائم

١٢٩ ..... مصادر الكتاب

١٣٧ ..... الفهرس

١٤١ ..... درباره مركز

## گنجنامه: احادیث، اندرزها، توصیه های علمی

### مشخصات کتاب

سرشناسه: نجفی، هادی، 1342 -

عنوان قراردادی: الكنز الجلی لولدی علی. فارسی - عربی

عنوان و نام پدیدآور: گنجنامه: احادیث، اندرزها، توصیه های علمی / تالیف هادی نجفی؛ ترجمه علی اصغر حبیبی.

مشخصات نشر: اصفهان: کانون پژوهش، 1388.

مشخصات ظاهری: 128 ص.

شابک: 30000 ریال: 3-07-5287-600-978

وضعیت فهرست نویسی: فاپا

یادداشت: فارسی - عربی .

یادداشت: کتابنامه: ص. [118] - 124؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع: اسلام -- مسائل متفرقه

موضوع: احادیث شیعه -- قرن 14

شناسه افزوده: حبیبی، علی اصغر، 1350 -، مترجم

رده بندی کنگره: 1388 9041 ک26/ BP11

رده بندی دیویی: 297/02

شماره کتابشناسی ملی: 1669448

ص: 1

اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم

هست کلید در گنج حکیم

[اولین بیت مخزن الاسرار نظامی]

ص: 2





## فهرست مطالب

تصویر

□

ص: 5

تصوير

□

ص: 6

تصوير

□

ص: 7



تصوير

□

ص: 8

علیُّ قد قفا لِحُطیٰ أبیه أقرَّ اللهُ عین أبیه فیهِ

تورث مجده و علاه طراً لأباء فقیهه عن فقیهه (1)

(همانا علی پیر و خط و مشی پدرش می باشد، خداوند او را مایه چشم روشنی و افتخار پدرش قرار دهد.

او وارث بزرگی و عظمت مقام پدران فقیهش یکی پس از دیگری می باشد.)

ص: 9

---

1-1. قد شارک فی إنشاء البیتین العلامتان السید محمدرضا الجلالی و السید عبدالستار الحسنی البغدادی، و هو فی صبیحة یوم الجمعة الحادی و العشرین من ثانی الجمادین عام 1428 فی بیتنا یا صبهان صانها الله تعالی عن الحدیثان. (در سرودن این دو بیت دو علامه بزرگوار: آقایان سید محمدرضا جلالی و سید عبدالستار حسنی بغدادی در صبح روز جمعه بیست و یکم جمادی الثانی سال 1428 در منزل ما در شهر اصفهان مشارکت کردند. خداوند این شهر را از حوادث نگه دارد.)

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطّیّبین و اللّٰعن الدائم علی اعدائهم اجمعین.

گنج از واژه هایی است که در فکر و ذهن مردم جایگاه ویژه ای داشته و دارد بطوری که حتی اگر کسی در خواب ببیند گنجی پیدا کرده است شاد می شود، چه رسد به اینکه در بیداری گنجی پیدا کند و در ضرب المثل ها و مطالب و حقایق بزرگ از این واژه استفاده می کنند. در تعالیم حیاتبخش اسلام، اولیاء ارجمند دین ما برای روشنگری و هدایت مردم از همین لغات و اصطلاحاتی که مورد توجه خاص مردم می باشد، جهت تفهیم مطالب و مفاهیم بلند اعتقادی، اخلاقی، عرفانی و غیره استفاده نموده اند و در کلمات نورانی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه طاهرین علیهم السلام از اموری تعبیر به گنج شده است، لکن فهم این جواهر کلمات بلکه شناخت معادن آن کار هرکس نیست و به عبارت روشن تر این مهم از عهده عالمان وارسته دین و فقهای مکتب اهل بیت علیهم السلام بر می آید که سالها در تحصیل علوم و فنون دین و دانش هایی که مقدمه فهم آن است با تلاش و جدیت شبانه روزی قدم برداشته اند، استاد بزرگوار ما و یادگار عالمان فرهیخته از دودمان رفیع نجفی یعنی حضرت آیت الله حاج شیخ هادی نجفی (حفظه الله تعالی) در زمره این فقها و عالمان ارزشمند است.

از آثار وجودی ایشان همین رساله ایست که در پیش رو دارید که با شیوه بسیار جالبی جمع آوری و تدوین شده است و در این کتاب به خوانندگان گنجهایی معرفی شده است که دارای ویژگیهای ذیل است:

1- گنجی که بهتر از دنیا و آنچه که در دنیاست.

2- گنجهایی از عرش الهی

3- گنجهایی از بهشت

ص: 10

5- گنجی که از بین نمی رود.

6- گنجی که انسان را از نابودی و ذلت و خواری و از حوادث تلخی مثل سوختن و غرق شدن و... حفظ می کند.

7- گنجی که بهترین و سودمندترین و بالاترین گنجهاست.

8- گنجی که نه مورد دستبرد دزدی قرار می گیرد و نه آفتی آن را تهدید می کند و خلاصه گنجی و گنجهایی که اگر کسی واجد آنها شد سعادت دنیا و آخرت او تضمین است.

نکته قابل توجه در این نوشتار این است که استاد معظّم در مرحله اول این گنجها را به فرزند عزیزش می سپارد و او را توصیه به بهره برداری از چنین گنجهایی می کند برخلاف روشی که در بین مردم عادی جاری است که بر مبنای همان علاقه خدادادی که به فرزندان خود دارند خانه یا زمین و یا سرمایه های مادی دیگر را برای آنها به یادگار می گذارند لکن باتوجه به اینکه این موارد نیز تا اندازه ای مورد نیاز انسان است ولی همه آنچه که رنگ و تعلق مادی داشته باشد، روزی از بین می رود ولیکن این گنجهایی که حضرت استاد به فرزندش می دهد گنج خدایی است که هرگز در آن زوال و نابودی راه ندارد و در واقع گنجهای حقیقی همین گنجهاست که در این رساله آمده است.

و از آنجا که متن رساله به زبان عربی نوشته شده است و همه اقشار جامعه نیاز به خواندن و عمل نمودن به آن دارند خداوند به این کمترین توفیق ترجمه آن را به زبان فارسی عنایت فرمود. امیدوارم این قدم ناچیز در پیشگاه و منظر کریمانه خداوند مورد پذیرش واقع شود و طالبان این گنجها از آن بهره مند شوند، و متذکر می گردم که مصادر و منابع احادیث شریفه در ذیل صفحات متن عربی کتاب آمده است.

از صاحبان قلم و اندیشه و اساتید و دوستان تقاضا مندم چنانچه نقصی در ترجمه این رساله مشاهده فرمودند با دیده اغماض به آن نظر کرده و بزرگواران به حقیر انتقال دهند.

و همچنین از محقق گرانمایه آیت الله زاده محترم استاد آقای علی زاهدپور -حفظه الله تعالی- به خاطر تصحیح ایشان بر متن و ترجمه تشکر و قدردانی می کنم.

علی اصغر حبیبی

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على رسول الله محمد المصطفى وآله الأئمة الهداة ولا سيما على الحجة الثاني عشر بقية الله الأعظم صاحب العصر والزمان (عجل الله تعالى فرجه الشريف).

كلّ انسان يورث لولده من مال أو عقار أو ماء أو شىء من حطام الدنيا قليلاً كان أو كثيراً، ولكن لم تكن هذه الأمور وجهة نظرى وغاية همّتى ومدار عملى ورأس أملى فأنا أرتحل من هذه الدنيا الدنية إلى جوار موالىّ عليهم السلام وليس عندى ما يعتنى بها منها وأفوض أمرهم إلى الله تعالى. فهو خليفتى عليهم وهو نعم المولى ونعم النصير.

هذا وقد أرى أنّ عندى كنزاً بل كنوزاً لا بدّ من أن أكتب لهم عناوينها حتّى يصلوا إليها إن شاء الله تعالى.

وهذه الرسالة هي خريطة الكنوز. فقد استخرتُ الله تعالى فى تدوينها وأنا كنتُ من وفده فى العمرة المفردة عام 1426 بمكة المكرمة فجاءت آية «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» فى أوّل سورة لقمان، من ثمّ عزمت على ترسيمها، ولكن لم يتيسر لى

ستایش مخصوص خدایی است که پروردگار جهانیان است و درود و سلام بر پیامبر اعظم حضرت محمد مصطفی و خاندانش، امامانی که راهنمایان انسانهاست بویژه بر دوازدهمین حجّت خدا حضرت بقیّة الله الاعظم امام زمان، که خدای متعال در ظهور آن حضرت تعجیل فرماید.

هر انسانی برای فرزندان خود چیزی به ارث می گذارد از اموال دنیا، زمین یا ملک و یا آب و غیره، کم باشد یا زیاد. ولی این موارد موردنظر و توجه من و وجهه همت من و معیار عمل من و سرلوحه آرزوی من نیست. بنابراین از این دنیای پست به سوی پیشوایانم که درود خدا بر آنان باد کوچ می کنم. در حالی که در نزد من هیچکدام از این اموری که ذکر شد نیست، و من کار فرزندانم را به خدای متعال واگذار می کنم و سرپرستی آنان را به او می سپارم و او بهترین سرپرست و یاور است.

ولی با این حال که دست من از دنیا و متاع آن خالی است لکن در نزد من گنجی بلکه گنجهایی است که ناچارم عناوین و فهرست آنها را بنویسم تا به دست فرزندانم برسد. (إن شاء الله تعالی)

و این رساله نمودار و نقشه گنجهاست، و من از خداوند متعال در این باره طلب خیر نمودم به کلام نورانیش در سفر عمره مفرده در سال 1426 هجری قمری در مکه مکرمه و آیه شریفه «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» آمد که در اوّل سوره مبارکه لقمان واقع شده است، لذا تصمیم گرفتم بر این کار، ولی فرصت مناسب برای این کار پیدا نمی کردم.

مجال و فرصة، حتّى منّ الله تعالى علىّ و وقّنى لزيارة مولاي و سيّدى و إمامى الحجّة الثامن، ضامن الجنّة، الإمام الرّؤوف علىّ بن موسى الرّضا -عليه آلاف التحية و الثناء- فى آخر يوم من رجب المرجّب عام 1427 و ببركة وجوده الشريف ابتدأت بتأليف هذه الرسالة فى جوار مضجعه الطاهر بمدينة المشهد المقدس فى الأسبوع الذى كنت بجواره، و قد وقّنى الله تعالى إتمامها و كتابة ما يليق أن يسطر فيها ببركة وجوده الشريف و بحقّه سلام الله عليه.

و قد خاطبت فيها ولدى «محمد على» و لكن ليس هو المخاطب الوحيد، بل يتوجه خطابى إلى جميع وُلدى و نسلى و كلّ من يريد أن يستفيد منها و لا سيّما أولادى الروحانيين الذين قضيت شطرا من عمرى فيما بينهم تعليما و تعلّما فى مجالى الفقه و الأصول و غيرهما.

و كلّ أملى أن يقرأ و يقرؤوا الخريطة، و يسعى و يسعوا فيها حتّى يصل و يصلوا إلى الكنز بل الكنوز إن شاء الله تعالى.

و المرجوّ عنه و عنهم أن لا- ينسونى من صالح دعواتهم و طلب المغفرة و الرّحمة لى فى حياتى و مماتى. إنّه هو الغفور الرّحيم و الموفّق المعين.

غرّة شعبان المعظّم 1427

هادى التّجفى

ص: 14

تا اینکه خداوند متعال بر من منت نهاد و توفیق زیارت مولا و آقاایم امام هشتم ضمانت کننده بهشت، امام مهربان حضرت علی بن موسی الرضا (که بر او هزاران درود و تحیّت باد) به من ارزانی فرمود در آخرین روز ماه رجب سال 1427 هجری قمری، و به برکت وجود ارزشمند امام رضا علیه السلام این رساله را شروع به نوشتن کردم، در کنار مرقد پاک آن امام در شهر مقدّس مشهد در یک هفته ای که در جوار امام رضا علیه السلام بودم، و آرزومندم که خدای متعال توفیق تمام کردن این رساله و نوشتن آن چه که سزاوار است در این رساله درج شود را به برکت وجود شریف آن حضرت و به حق آن امام که سلام خدا بر او باد به من عنایت کند.

در این نوشتار من طرف خطایم را فرزندم محمّد علی قرار دادم ولی او تنها مخاطب من نیست بلکه طرف خطاب من تمام فرزندانم و نسلم و هرکسی که اراده استفاده از این رساله را دارد مخصوصاً فرزندان روحانیم که بخشی از عمرم را به خاطر تعلیم و تعلّم در دو درس فقه و اصول و غیر آن دو در خدمت آنان بوده ام، می باشند.

و تمام آرزوی من این است که فرزندم و همه مخاطبان من در این رساله این مجموعه را بخوانند و سعی و تلاش کنند تا به آن گنجها دست یابند، إن شاء الله تعالی.

و از فرزندم و همه خوانندگان این کتاب درخواست دارم که مرا از دعاهای خیر خود و طلب آمرزش و رحمت از درگاه خدا در زمان حیات و بعد از آن فراموش نکنند، همانا اوست آمرزنده، مهربان و توفیق دهنده و یاور.

اول شعبان المعظم 1427 هـ.ق

هادی نجفی

ص: 15



## كنز الوحيد: هو الله تعالى

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يا بنى: كنزى الوحيد الذى منه تنشأ بقية الكنوز هو الله تعالى رب العالمين وخالق السموات والأرضين والقادر المطلق الذى أنت فى حضرتة دائما و هو يراك.

وُنُسِبَ إليه، أنه قال سبحانه: «كُنْتُ كَنْزًا مَخْفِيًّا. فَأَحْبَبْتُ أَنْ أَعْرِفَ، فَخَلَقْتُ الْخَلْقَ لِكَيْ أَعْرِفَ وَبَسَطْتُ». (1)

وقد ورد فى دعاء المشلول بالنسبة إليه تعالى: «يا كنز من لا كنز له». (2)

ونقل الكفعمى فى البلد الأمين (3) دعاءً عن أمير المؤمنين عليه السلام وفيه: «يا كنز من لا كنز له» وفيه أيضا: «يا كنز الفقراء».

ص: 16

---

1-1. مشارق أنوار اليقين /39، رسائل المحقق الكركى 3/159 و 162، شرح نهج البلاغة 5/163 لابن أبى الحديد المعتزلى، شرح أصول الكافى 1/92 للمولى صالح المازندراني، بحار الأنوار، 84/199 و 344 من طبع بيروت وإحقاق الحق، 1/431، للشهيد السيد نورالله التستري مع اختلاف فى اللفظ.

2-2. المصباح /262 للكفعمى - دعاء المشلول.

3-3. البلد الأمين /332 ونقل عنه فى مفاتيح الجنان بعد دعاء آخر للتوسل وقبل ذكر «حرز الصديقة الطاهرة(عليها السلام)».

ای فرزندم: یگانه گنج من که تمام گنجها از او سرچشمه می گیرد همانا خداوند متعال است که پروردگار جهانیان و آفریننده آسمان ها و زمین و آن یگانه قدرتمند واقعی است که تو همیشه در معرض دید او هستی و او تو را می بیند.

به خداوند سبحان نسبت داده شده که فرمود: «من گنج پنهانی بودم، دوست داشتم که شناخته شوم. پس آفرینش را آفریدم که بدان شناخته شوم و هستی را به همین منظور توسعه دادم».

و در دعای مشلول نسبت به خدای متعال این عبارت آمده است «ای گنج کسی که گنجی ندارد».

و شیخ کفعمی در بلدالأمین دعایی را نقل نموده است که در آن دعا می خوانیم: «ای گنج کسی که گنجی ندارد»؛ و همچنین در این دعا نسبت به خداوند می گویی: «ای گنج مستمندان».

وكذا ورد «يا كنز من لا- كنز له» في دعاء أول يوم من المحرم في الإقبال 3/42 وعنه في بحار الأنوار 95/334 وفي موسوعتي الحديثية 1/269، ومهج الدعوات 115/ ونقل عنه في بحار الأنوار 92/282.

وقد ورد في دعاء الجوشن الكبير بالنسبة إلى الله تعالى: «يا كنز الفقراء».(1)

وقد ورد في المناجاة الرابعة عشرة المسماة بمناجاة المعتصمين الملحقة بالصحيفة المباركة السجادية: «يا كنز المفتقرين».(2)

فاعلم بأن الله تعالى خالقك وخالق كل شيء، وهو ربك ورب كل شيء، وهو عالم بمصلحتك. ففوض أمورك إليه تعالى واعلم بأنه لا يقدر لعبده المؤمن إلا خيراً له في الدنيا والعقبى.

وكن أنت عبده تطيعه ولا تعصيه في أمر. فاعمل بواجباته تماماً من الأول إلى الآخر، وترك معاصيه ونواهيه تماماً من الصدر إلى الذيل. فإن شئت أكثر من ذلك، فاعمل بالمستحبات بقدر طاقتك وما تريد، وهذا هو جميع سيرى وسلوكى. فإن شئت فاعمل عليه ولا يغرّك الوسواسون الخناسون بغير هذه المشى والسير؛ فإنهم قطاع الطريق وليس عندهم غير الضلالة والظلمات.

فإذا أنت عملت بواجباته وترك معاصيه، فتصير عبده «و العبودية جوهره كنهها الربوبية»(3). بمعنى: أنت تصير خليفته في أرضه.(4)

ص: 18

1-1. دعاء الجوشن الكبير / الفقرة 92.

2-2. الصحيفة السجادية.

3-3. مصباح الشريعة / 7 طبع الأعلمى.

4-4. وقد ذكر العلامة محمد اسماعيل الخواجوى الإصفهانى المتوفى عام 1173 معنى آخر فى ذيل الحديث؛ فراجع كتابه جامع الشتات / 132 إن شئت.

و جمله اول در دعای روز اول محرم در کتاب اقبال، ج 3، ص 42 و به نقل از آن در بحار الانوار، ج 95، ص 334 و در کتاب موسوعه حدیثی من، ج 1، ص 269 و در کتاب مهج الدعوات، ص 115 و به نقل از آن در بحار الانوار، ج 92، ص 282 نیز آمده است.

و در دعای جوشن کبیر درباره خداوند متعال آمده است: «ای گنج تهیدستان».

و در مناجات چهاردهم که مناجات معتصمین نامیده شده است که ملحق به صحیفه مبارکه سجادیّه شده این عبارت درباره خداوند آمده است: «ای گنج نیازمندان».

پس بدان که خداوند متعال آفریننده تو و هر موجودی است و او پروردگار تو و هر شیئی است؛ و اوست که به مصلحت تو داناست. پس امور خود را به او واگذار کن و بدان که آنچه را او برای بنده مؤمنش مقدر می کند به خیر او و به صلاح دنیا و آخرت اوست.

و بنده او باش که همواره از او اطاعت می کند و در هیچ کاری معصیت او نکن؛ از این رو به تمام واجبات شرعیّه از اول تا به آخر آن عمل کن و آنچه را که خدا نهد از ابتدا تا انتهایش ترک کن، بلکه اگر خواستی قدم از این هم فراتر بگذار و به مستحبات هم به اندازه توانائیت عمل کن؛ و از کارهای مکروه هم به مقدار توانت پرهیز کن. این تمام برنامه سیر و سلوک من است. اگر خواستی به این شیوه عمل کن و مواظب باش که شیطان صفت های وسوسه گر تو را فریب ندهند و به روش دیگری رهنمون نشوند؛ چرا که آنها دزدهای راه هدایت مردمند و در نزد آنان جز تاریکی و گمراهی چیز دیگری یافت نشود.

پس زمانی که تو به واجبات الهی عمل نمودی و معاصی او را ترک کردی، بنده او می شوی که «بندگی گوهری است که انسان را به مقام ربوبی می رساند». به این معنی که تو جانشین خدا در روی زمین خواهی شد.

وقد ورد في الحديث القدسي: يا ابن آدم، أنا غني لا أفقر، أتعني فيما أمرتك، أجعلك غنياً لا تفتقر. يا ابن آدم، أنا حي لا أموت، أتعني فيما أمرتك، أجعلك حياً لا تموت. يا ابن آدم، أنا أقول للشئ كـ فيكون. أتعني فيما أمرتك، أجعلك تقول للشئ كـ فيكون. (1)

وعن أبي حمزة قال: إن الله أوحى إلى داود عليه السلام: يا داود، إنه ليس عبد من عبادي يطيعني فيما أمره إلا أعطيته قبل أن يسألني، و أستجيب له قبل أن يدعوني. (2)

وعن أبي جعفر عليه السلام قال: إن الله تعالى أوحى إلى داود عليه السلام أن أبلغ قومك أنه ليس من عبد منهم أمره بطاعتي فيطيعني إلا كان حقاً على أن أطيعه وأعينه على طاعتي، وإن سألتني أعطيته وإن دعاني أجبتة وإن اعتصم بي عصمته وإن استكفاني كفيته وإن توكلت علي حفظته من وراء عورته، وإن كاده جميع خلقي كنت دونه. (3)

وقد ورد في صحيحة أبان بن تغلب عن أبي جعفر عليه السلام قال: لما أسرى بالنبي صلى الله عليه وآله قال: يا رب، ما حال المؤمن عندك؟ قال: يا محمد، من أهان لي ولياً فقد بارزني بالمحاربة وأنا أسرع شئ إلى نصرته أوليائي، و ما ترددت عن شئ أنا فاعله كترددى عن وفاة المؤمن، يكره الموت وأكره مساءته. وإن من عبادي المؤمنين من

ص: 20

- 
- 1-1. بحار الأنوار، 90/376 (37/503 و 502) كلاهما من طبع بيروت.
  - 2-2. بحار الأنوار، 90/376 (37/503 و 502) كلاهما من طبع بيروت.
  - 3-3. بحار الأنوار، 90/376 (37/503 و 502) كلاهما من طبع بيروت.

لذا در حدیث قدسی آمده است که: «ای پسر آدم من (خدای) بی نیاز هستم که هرگز نیازمند نمی شوم اطاعت کن مرا در آن چه به تو دستور داده ام تا تو را هم به چنین مرتبه ای برسانم که بی نیاز شوی و هرگز فقیر نگردی، ای پسر آدم من زنده ای هستم که نمی میرم اطاعت کن مرا در آنچه به تو امر کرده ام تا تو را هم به جایی برسانم که زنده باشی و هرگز نمیری، ای پسر آدم من اگر به چیزی بگویم باش موجود می شود تو هم به دستوراتی که من به تو داده ام عمل کن و مطیع من باش تا تو را به مرتبه ای برسانم که به محض این که به چیزی بگویی باش موجود گردد.»

و از ابوحزمه نقل شده است که خداوند به حضرت داوود علیه السلام وحی نمود: ای داوود بنده ای از بندگان من نیست که مرا اطاعت کند در آنچه به او امر کرده ام مگر این که به او عطا کنم قبل از این که از من بخواهد و در حق او اجابت کنم قبل از این که مرا به دعا بخواند.

و از ابوجعفر (امام باقر) علیه السلام روایت شده است که فرموده: خداوند متعال به حضرت داوود علیه السلام وحی نمود که به قوم خود این مطلب را برسان: بنده ای از بندگان من نیست که او را بر انجام فرمانی دستور داده باشم و او مرا اطاعت کند مگر این که بر من لازم است که مطیع او باشم و او را بر انجام اطاعتم یاری کنم و اگر از من درخواستی کرد به او ببخشم و اگر دعایی نمود اجابتش کنم و اگر به من پناهنده شد او را حفظ می کنم و اگر کفایت امور مهم خود را از من خواست من او را کفایت می کنم و اگر به من توکل کند پشتیبان او می گردم و اگر تمام خلق من در حق او مکر و حيله کنند من با او هستم.

و در روایت صحیحه ابان بن تغلب از امام ابی جعفر (باقرالعلوم) علیه السلام روایت شده است که: آن حضرت فرمود: وقتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به معراج رفت به خدا عرضه داشت: خدایا جایگاه مؤمن در نزد تو چگونه است؟ خدا فرمود: هرکس به یکی از اولیای من اهانت کند در واقع آشکارا به جنگ من آمده است و من کسی هستم که از همه زودتر به یاری دوستانم می شتابم، و در هر کاری که می کنم تردید به خود راه نمی دهم جز تردیدی که در قبض روح و میراندن بنده مؤمن خود دارم. [چرا که] او مرگ را ناخوشایند می پندارد و من از ناراحتی او ناراحتم و همانا بعضی از بندگان باایمان

لا يصلحه إلا الغنى ولو صرفته إلى غير ذلك لهلك، وإن من عبادى المؤمنين من لا يصلحه إلا الفقر ولو صرفته إلى غير ذلك لهلك، و ما يتقرَّب إلى عبد من عبادى بشيء أحبَّ إلىَّ ممَّا افترضتُ عليه، وإنَّه ليتقرَّب إلىَّ بالنافلة حتَّى أُحِبَّه. فإذا أُحِبِبته كنتُ إذا سمعته الذى يسمع به وبصره الذى يبصر به ولسانه الذى ينطق به ويده الذى يبسط بها، إن دعانى أُحِبِبته وإن سألتنى أعطيتَه. (1)

وقد ورد ذيلها أيضا فى خبر حماد بن بشير عن أبى عبد الله عليه السلام المروى فى الكافى الشريف. (2) فراجعه إن شئت.

وقد روى ابن فهد الحلبي مرفوعة عن النبى صلى الله عليه وآله أنه قال: أوحى الله إليَّ: أن يا أخا المرسلين ويا أخا المنذرين، أنذر قومك لا يدخلوا بيتا من بيوتى ولأحد من عبادى عند أحد منهم مظلمة؛ فإني ألعنه مادام قائما يصلّى بين يديَّ حتَّى يردَّ تلك المظلمة، فأكون سمعه الذى يسمع به وأكون بصره الذى يبصر به، ويكون من أوليائي وأصفيائي، ويكون جارى مع النبيين والصدّيقين والشهداء [و الصالحين] فى الجنة. (3)

ولا تكن فى هذا المجال أقل من أياز الذى كان عبدا للسلطان محمود الغزنوى وله قصة معروفة معه فى شأن الجوهرة الثمينة، وقد تعرّض لها الحاج المولى هادى السبزوارى قدس سره فى منظومته الفقهية المسماة بـ «النبراس» حيث قال:

ص: 22

1-1. الكافى، 2/352، ح 8.

2-2. الكافى، 2/352، ح 7.

3-3. عدّة الداعي/173.

من امورشان اصلاح نمی شود، مگر در صورتی که بی نیاز شوند و اگر غیر از این حالت درباره آنان انجام گیرد هلاک می شوند و گروهی دیگر صلاح آنان در فقر و نیازمندی است که اگر غیر از این باشد هلاک می شوند. و هیچ کدام از بندگان من به من نزدیک نمی شود به چیزی در نزد من، بهتر از انجام کارهایی که بر او واجب کرده ام. و همانا او به درگاه من تقرّب می جوید به وسیله انجام نافله (نمازهای مستحبّی) به طوری که من او را دوست می دارم پس اگر دوستدار او شوم همان گوش او می شوم که با آن می شنود و چشم او می شوم که با آن می بیند و زبانش می شوم که با آن سخن می گوید و دستش می شوم که با آن کارهای مهمّ انجام می دهد و اگر مرا بخواند او را اجابت می کنم و چنان چه چیزی از من بخواهد به او می بخشم.

و قسمت پایانی این حدیث در روایت حمّاد بن بشیر از امام صادق علیه السلام در کتاب کافی نقل شده است، اگر خواستی می توانی مراجعه کنی.

ابن فهد حلّی رحمه الله حدیث مرفوعه ای را از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت نموده که آن حضرت فرمود: خداوند به من وحی کرد: ای برادر پیامبران و ای برادر بیم دهندگان، قوم خود را هشدار ده وارد خانه ای از خانه های من نشوند در حالی که ستمی بر بندگان من بر ذمه آنها باشد. و اگر با این حال به درگاه من به نماز ایستند، تازمانی که در پیشگاه من به نماز ایستاده اند، من آنها را لعنت می کنم مگر وقتی که آن ستم را از صاحبش برطرف کنند. پس اگر کسی این کار را بکند، چنین شخصی را من گوش وی می شوم که با آن می شنود و چشم او می شوم که با آن می بیند و او از دوستان و برگزیدگان من می گردد و در جوار من با پیامبران و صدیقان و شهیدان [و بندگان شایسته من] در بهشت قرار می گیرد.

در این دنیا و در مسیر بندگی خدا از ایاز کمتر نباش. وی غلام سلطان محمود غزنوی بود و داستان معروفی با سلطان محمود درباره یک گوهر گرانبها دارد.\* که حاج ملا هادی سبزواری قدس سره در منظومه فقهیش «التّبراس» در بیتی بدان اشاره می کند:



كسر الأياض للفريضة اشتهر\*\*\* وأمر مأمور أمير ما كسر (1)

## الكنز الثاني: محمد رسول الله صلى الله عليه وآله

يا بنى، الكنز الثاني: هو صاحب الخلق العظيم ورحمة للعالمين ورسول ربّه خاتم الأنبياء والمرسلين نبينا محمد رسول الله المصطفى صلى الله عليه وآله (المولود 17 ربيع الأول في عام الفيل و المتوفى مسموما 28 صفر عام 11)، صاحب رسالة ربّه و الداعي إليه. و هو الذى قد جاء بخير الأديان و أحسن الشرايع و «حلاله حلال أبدا إلى يوم القيامة و حرامه حرام أبدا إلى يوم القيامة» (2). كما أتى بمعجز كثيرة لا يمكننى عدّها فى هذه الوجيزة، و عليك بمراجعة الكتب المفصّلة فى هذا المجال.

و من معجزه الباقية هى عملية المباهلة التى لها ترتيب خاص (3).

و منها: القرآن الكريم و هو المعجزة الخالدة على مرّ الدهور و الأيام.

و منها: أمير المؤمنين على بن أبيطالب عليه السلام و أحد عشر من أولاده الأئمة المعصومين عليهم السلام .

بنى، فاعلم أن ماجاء به محمد رسول الله صلى الله عليه وآله حقّ لا ريب فيه. فإن كان من العقائد فاعتقد بها و اجعل عقد قلبك عليها، و إن كان من واجب الأعمال فاعمل به، و إن كان من المناهى فانتبه عنه؛ فإنّه رسول ربّ العالمين و لا ينطق عن الهوى إن هو إلا وحي يوحى.

ص: 24

1-1. النبراس /7.

2-2. كما ورد فى صحيحة زرارة المروية فى الكافى 1/58، ح 19.

3-3. فراجع لترتيبها: عدة الداعى /248 لابن فهد الحلّى من طبعة مؤسسة المعارف الإسلامية عام 1420.

شکستن آن گوهر گرانبها به دست ایاز مشهور است، ولی وی مأموری بود که دستور امیر خود را نشکست.

ای فرزندم: دوّمین گنج، صاحب اخلاق بزرگ و رحمت برای جهانیان و فرستاده پروردگارش آخرین پیامبر الهی پیامبر ما حضرت محمّد بن عبدالله صلی الله علیه و آله است که در سال واقعه اصحاب فیل در 17 ربیع الاوّل به دنیا آمد. و در 28 صفر سال 11 هجری در حالی که آن حضرت را مسموم نموده بودند از دنیا رحلت فرمود. آن حضرت دارای رسالت از جانب پروردگارش و دعوت کننده مردم به سوی خدا بود که با بهترین شریعت و دین به سوی مردم آمد و حلال آن حضرت تا روز قیامت حلال و حرامش نیز تا روز قیامت حرام می باشد. پیامبر صلی الله علیه و آله با معجزات فراوانی به رسالت برانگیخته شد که مرا توانایی شمارش آنها در این رساله مختصر نیست و تو می توانی به کتاب های مفصّلی که در این باره نوشته شده است مراجعه کنی.

از معجزات باقی آن حضرت همان مباحثه ایست که با ترتیب و کیفیت خاصی انجام می گیرد.

و از دیگر معجزاتش قرآن کریم است که در واقع معجزه همیشگی و جاویدان پیامبر اسلام می باشد که با گذشت روزگاران و مرور ایّام همچنان باقی است.

و از دیگر معجزات آن حضرت وجود مقدّس امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السلام و یازده نفر از فرزندان معصوم وی علیهم السلام می باشند.

فرزندم: بدان که آن چه حضرت محمّد رسول خدا صلی الله علیه و آله آورده است مطابق با واقع می باشد بدون ذره ای تردید و شک، پس آنچه از معارف آن حضرت مربوط به اعتقادات می باشد به آن معتقد باش و ایمان قلبیت را بر آن قرار بده، و آنچه از واجبات و احکام عملی است آنها را انجام ده و از آنچه آن حضرت نهی نموده است پرهیز نما، و بدان که آن حضرت فرستاده خداوند است و از روی هوی و هوس سخنی نمی گوید بلکه آنچه بر زبان می راند در واقع به جز وحی الهی چیز دیگری نیست.

يابنّي، الكنز الثالث: هو أمير المؤمنين علي بن أبي طالب -عليه الصلاة والسلام- (المولود 13 رجب ثلاثون عاما بعد عام الفيل و المتوفى شهيدا 21 شهر رمضان عام 40) وهو الخليفة (1) -بلا فصل- بعد رسول الله صلى الله عليه وآله وأخيه وصيّه وصهره لبنته فاطمة الزهراء سيّدة العالمين عليها السلام، وله الولاية في التكوين والتشريع وهو نفس رسول الله صلى الله عليه وآله بدلالة آية المباهلة، إلا أن رسول الله صلى الله عليه وآله وآخر الأنبياء وخاتمهم وهو أول الأئمة ومبتدئهم وأبيهم.

وقد ورد في الرواية عن رسول الله صلى الله عليه وآله أنه قال عند قرب وفاته: «أيّها الناس، هذا عليّ بن أبي طالب كنز الله اليوم وما بعد اليوم، من أحبّه وتولّاه اليوم وما بعد اليوم فقد أوفى بما عاهد عليه الله وأدى ما وجب عليه، ومن عاداه اليوم وما بعد اليوم، جاء يوم القيامة أعمى وأصمّ لا حجّة له عند الله». (2)

وقد ذكر الصدوق بإسناده عن عليّ بن أبي طالب عليه السلام أنّ رسول الله صلى الله عليه وآله قال له: «يا عليّ، إنّ لك كنزا في الجنة وأنت ذو قرينها» الحديث. (3)

وزاد في أماليه: «و شيعتك تُعرّف بحزب الله عز وجل» (4)

ثم قال الصدوق في تفسير «الكنز في الجنة» وجهان:

ص: 26

1- 1. قد كتبت في سالف الزمان في إثبات خلافته كتابي المطبوع «ولايّة و امامت» باللغة الفارسية.

2- 2. بحار الأنوار 22/486، ح 31.

3- 3. معاني الأخبار 205/ ونقل عنه في بحار الأنوار، 39/41، ح 13.

4- 4. أمالي الصدوق، المجلس الثالث والثمانون، ح 2/656، الرقم 89.

ای فرزندانم؛ گنج سوّم امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب (سلام الله علیه) می باشد (که در 13 رجب در حالی که سی سال از واقعه عام الفیل گذشته بود به دنیا آمد و در 21 ماه رمضان سال 40 هجری به شهادت رسید) آن حضرت جانشین بلافصل پیامبر صلی الله علیه و آله و برادر و وصّی و داماد وی و شوهر دختر رسول خدا فاطمه زهرا علیها السلام سرور زنان عالم می باشد. و دارای ولایت تکوینی و تشریحی است و او به منزله نفس رسول خدا صلی الله علیه و آله است به دلالت آیه شریفه مباحله با این فرق که حضرت محمّد صلی الله علیه و آله آخرین نفر از پیامبران الهی است ولی حضرت علی اولین امام از امامان معصوم و پدر آن بزرگواران می باشد.

و در روایتی آمده است که پیامبر خدا در حالی که نزدیک وفاتشان بود فرمودند: ای مردم این علی بن ابیطالب گنج خدا در این روزگار و آینده است کسی که امروز و آینده او را دوست بدارد و ولایت وی را برگزیند. پس به عهد و پیمانی که از جانب خدا بر عهده اوست وفا نموده است و آنچه را که خدا بر او واجب کرده ادا نموده است و کسی که با او امروز و بعد از این دشمنی نماید روز قیامت در حالی که عذری برای او نیست در نزد پروردگارش محشور می شود در حالی که کور و لال است و در نزد خداوند دلیل و حجتی ندارد.

شیخ صدوق - رحمت و رضوان الهی بر او باد- با سندهای خود از حضرت علی بن ابیطالب علیه السلام روایت نموده است که پیامبر صلی الله علیه و آله به او فرمود:

ای علی برای تو در بهشت گنجی است و تو صاحب دو مهم آن هستی.

در امالی شیخ صدوق اضافه به این جملات عبارت دیگری را در ادامه حدیث آورده است و آن این است: و پیروان تو به عنوان حزب خدای عزوجل شناخته می شوند.

شیخ صدوق در ذیل این حدیث در تفسیر «گنج در بهشت» که در این روایت آمده است دو وجه ذکر می کند:

الأول: إنّه عليه السلام مفتاح نعيمها.

الثانى: قال: وقد سمعت بعض المشايخ يذكر أنّ هذا الكنز هو ولده المحسن عليه السلام وهو السَّقَط الذى ألقته فاطمة عليها السلام لَمَّا ضغطت بين البابين.

وقال فى تفسير «ذوقنيها»: إنّ قرنين هما الحسن والحسين عليهما السلام، أو المراد بهما قرنيالدينيا؛ أى: شرقها وغربها وأنك الحجة عليها.

راجع لتفصيل كلامه إلى كتابه معانيالأخبار/ 206 و 207.

وقال على عليه السلام: أنا كنزُ الغنى. (1) وقال أيضا: أنا كنز ملهوف. (2)

بنى، عليك بالتمسك بحبل ولايته وإمامته، وهو حبل الله المتين وصراطه المستقيم و باب مدينة علم النبي صلى الله عليه وآله، وهو الحق كما قال النبي صلى الله عليه وآله: «الحق مع عليّ وعليّ مع الحق لا يفترقان حتّى يردا علىّ الحوض». (3)

وهو الجنة كما قال النبي صلى الله عليه وآله: «عليّ قسيم النار». (4)

بنى، عليك بحبّ مَنْ تولاه من شيعته ومواليه (5) والبراءة ممّن عاداه من مخالفيه وغاصبي حقوقه. فاعلم أنّك إن نصرت عليّا فالله هو ناصرك، وإن خذلته فالله هو خاذلك -أعيذك بالله من ذلك- . والوجه فى ذلك هو دعاء النبي المستجاب قطعاً فى

ص: 28

- 
- 1-1. الفضائل 1/80 لشاذان بن جبرئيل القمى، ونقل عنه فى كتاب «فاطمة الزهراء آية عظمة الله» /170.
  - 2-2. نوادر المعجزات/ 112 ح 12 للطبرى الإمامى، الطبعة الحديثة.
  - 3-3. الخصال، 559/، المناقب، 2/260، كشف الغمة 1/144، بحار الأنوار، 29/16، 31/324، 38/28.
  - 4-4. المناقب 2/9، بحار الأنوار، 39/204، 40/176.
  - 5-5. فى هذا المجال راجع كتابيالمطبوع «ألف حديث فى المؤمن».

اول: این که حضرت علی صلی الله علیه و آله کلید نعمت های بهشت است.

دوم: همان طوری که من از بزرگان شنیده ام آن گنج فرزندش محسن می باشد که او همان جنینی بوده که از حضرت فاطمه (سلام الله علیها) سقط شد آن زمان که حضرت فاطمه (سلام الله علیها) در فشار بین دو در (در و دیوار) قرار گرفت.

و شیخ صدوق در تفسیر «صاحب دو مهم» گفته است که مراد امام حسن و امام حسین علیهما السلام می باشند و یا این که منظور دو طرف دنیا یعنی مشرق و مغرب می باشد و این که تو حجت بر عالم دنیا می باشی، که مفصل کلام شیخ صدوق را می توانی در کتابش معانی الاخبار ص 207 و ص 206 ببینی.

در حدیث دیگری از حضرت علی علیه السلام نقل شده است که آن حضرت فرمودند: من گنج بی نیازی هستم. و همچنین آن حضرت فرموده است: من گنج آن کسَم که فریاد خواهد و او را اندوه رسیده باشد.

فرزندم بر تو باد به ولایت و امامت این بزرگوار چنگ زنی که او ریسمان محکم خدا و راه مستقیم الهی و درب شهر علم و دانش پیامبر صلی الله علیه و آله می باشد؛ و اوست حق همان طوری که پیامبر فرموده است: «حق با علی است و علی با حق است و این دو از هم جدا نمی شوند تا روز رستاخیز در حوض کوثر بر من وارد شوند».

و در حقیقت بهشت خود حضرت علی علیه السلام است؛ همان طوری که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «علی علیه السلام قسیم (نقطه مقابل) آتش جهنم است».

فرزندم بر تو باد به دوستی کسانی که آن حضرت را دوست دارند که همان شیعیان و پیروان آن حضرت می باشند. و بر تو باد به برائت از دشمنان آن حضرت که همان مخالفان آن امام و غصب کنندگان حقوقش می باشند. پس بدان که اگر یاور حضرت علی علیه السلام باشی همانا خدا یاور توست و اگر آن حضرت را رها کنی در حقیقت خدا ترا رها می کند؛ و دلیل این مطلب دعای مستجاب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در روز

يوم غدیر خم حيث قال بعد نصب أميرالمؤمنين عليه السلام بالولاية والخلافة: «من كنتُ مولاه فعلىّ مولاه. اللهمّ وال من والاه و عاد من عاداه و انصر من نصره و اخذل من خذله...» إلى آخره.

و اعلم أنّ مذهب أميرالمؤمنين عليه السلام هو مذهب الشيعة الإماميّة الاثنا عشرية، و هو المذهب الحقّ الوحيد الفريد الذى قامت لحقانيته أدلة و حجج و أمارات لا تعدّ و لا تحصى.

و أمّا السند القطعى لمذهبنا مذهب أهل البيت عليهم السلام الذى لا يمكن لأحدٍ أن يناقش فيه و فى دلالته هى مولانا فاطمة الزهراء بنت رسول الله و قرّة عينه و ثمرة فؤاده، سيدة نساء العالمين من الأوّلين و الآخرين سلام الله عليها (المولودة 20 جمادىالثانية خمسة أعوام بعد البعثة - المتوفاة شهيدة فى 13 إلى 15 جمادىالأولى أو 3 جمادىالثانية عام 11)؛ فإنه قال رسول الله صلى الله عليه و آله فى حقّها غير مرة: «فاطمة بضعةٌ متّى. فمن أغضبها أغضبني»<sup>(1)</sup>.

### فاطمة الزهراء سلام الله عليها

و من المعلوم عند الجميع بأنّ فاطمة الزهراء سلام الله عليها استشهدت بعد أبيها رسول الله صلى الله عليه و آله بشهور لأجل مصائب و محن وردت عليها من قبل الخلافة و السلطة الموجودة فى زمانها و التى كانت غاضبة عليها، و لذا وصّت بأن يدفنها أميرالمؤمنين عليه السلام سرّاً و لا يحضر أحد من غاصبى حقوقها فى تشييعها و دفنها كما

ص: 30

---

1-1. قد ذكرت مصادر هذه الرواية من بعض طرق العامة فى كتابى: موسوعة أحاديث أهل البيت عليهم السلام 8/254 فراجع ما حررته هناك.

عید غدیر خم است پیامبر صلی الله علیه و آله در حالی که حضرت علی علیه السلام را به عنوان جانشین خود نصب نمودند دعا کردند که هرکس تاکنون من پیشوای او بودم از این به بعد علی پیشوای اوست، خدایا اهل ولایت او را در کنف ولایت خود گیر، و با دشمنان وی دشمن باش. خدایا یاور یارانش باش و به خودشان واگذار کسانی که علی علیه السلام را یاری نکردند... تا آخر حدیث.

و بدان که مذهب حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام همان مذهب شیعه دوازده امامی است. مذهبی که تنها و یگانه مذهب حق می باشد و برای حقانیتش دلائل و براهین و نشانه های بی شماری اقامه شده است.

و اما سند قطعی مذهب ما که همان مذهب اهل بیت علیهم السلام است و سندی که برای کسی امکان ایراد و اشکال بر آن نیست در واقع یک نفر است و آن حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله و نور چشم آن حضرت و میوه دلش، سرور زنان عالمیان از اولین و آخرین می باشد (که آن حضرت در بیستم جمادی الثانی سال پنجم بعثت به دنیا آمد و در 13 الی 15 جمادی الاول و یا سوم جمادی الثانی سال یازدهم هجری به شهادت رسید).

پیامبر صلی الله علیه و آله در شأن حضرت فاطمه (سلام الله علیها) بارها فرمودند: فاطمه پاره تن من است هر که او را به خشم آورد مرا به خشم آورده است.

و نزد همه معلوم و آشکار است که آن حضرت به شهادت رسید بعد از پدرش پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به فاصله چند ماه به دلیل مصیبت ها و آزارهایی که بر آن بزرگوار وارد شد از جانب حکومت وقت و حق آن حضرت غصب شد و به همین خاطر هم وصیت نمود که حضرت علی او را در پنهانی دفن کند و در تشییع جنازه اش و هنگام دفنش یکی از آنهایی که حقوق وی را غصب نمودند حاضر نشوند



حدثنا التاريخ، ولم ترص عنهم، و معلوم أنّ غضبها من غضب الله ورضاها من رضا الله.

واعلم يا بنى، أنّ لفاطمة سلام الله عليها حرمة عند الله تعالى وجاه عظيم فى الدنيا والآخرة، ولها حرمة عند أبيها رسول الله صلى الله عليه وآله بحيث يقبلها كلما دخلت هي عليه كما ورد فى الرواية،<sup>(1)</sup> ولها حرمة عند بعلمها أمير المؤمنين عليه السلام وعند أولاده الأئمة المعصومين عليهم السلام فإذا أردت حاجة فاطلبها من الله تعالى واجعل واسطتك بينك وبين الله عزوجل وبين من له الولاية فاطمة الزهراء سلام الله عليها، وكذلك شفيعتك بينك وبين الله، و واسطتك بينك وبين بعلمها وأولادها؛ فإنهم يبجلونها ويقدسونها ولها مقام الشفاعة فى الدنيا والآخرة.

وقد ثبت عندى بطرق مختلفة أنّها مدفونة فى بيتها وهذا من أسرار آل محمد عليهم السلام.

وإن وفقك الله لزيارتها عليها السلام وزيارة أبيها صلى الله عليه وآله، فافرا زيارتها بعد زيارة أبيها صلى الله عليه وآله وأنت قائم فى حضرة بيتها المعلوم حاليا أنه فى خلف قبر رسول الله صلى الله عليه وآله وأله بأقدام. و اسأل الله الرحمة والمغفرة لى فى ذاك المكان الذى يعادل الجنة بل هو الجنة حقًا.

ص: 32

---

1-1. سنن الترمذى 5/361، مستدرک الصحیحین 3/154 و 159 من الطبعة القديمة، جامع الأصول 9/127، ح 6677، ذخائر العقبى 41/، الأدب المفرد 141/، للبخارى من الطبعة القديمة، سنن البيهقى 7/101، بحار الأنوار 37/71 (15/605)، فضائل الخمسة 3/158، للفيروز آبادى، التاج الجامع للأصول 5/254.

همانطوری که تاریخ این حقیقت را گزارش کرده است و آن حضرت از آنان راضی نبود. و روشن است که خشم او خشم خدا و رضایتش رضایت خدا است.

و بدان ای فرزندانم؛ فاطمه زهرا (سلام الله علیها) در نزد خداوند متعال احترام ویژه و جایگاه بلندی در دنیا و آخرت دارد و در نزد پدرش رسول خدا صلی الله علیه و آله . به طوری که پیامبر هر زمان دخترش بر او وارد می شد او را می بوسید چنانچه در روایت آمده است. و در نزد حضرت امیرالمؤمنین صلی الله علیه و آله و فرزندان معصوم آن حضرت علیهم السلام هم این احترام و جایگاه مخصوص وجود دارد. پس هرگاه از درگاه خدا حاجتی داشتی آن را از خداوند بخواه و واسطه بین خود و خدای خود و ائمه معصومین علیهم السلام را فاطمه زهرا (سلام الله علیها) قرار بده و به وی متوسل شو، و او را شفیع بین خود و خدایت و واسطه بین خودت و امیرالمؤمنین علیه السلام همسر گرامیش و فرزندان معصومش علیهم السلام قرار ده. چون ایشان او را گرامی می دارند و بزرگ می شمارند و مقام شفاعت در دنیا و آخرت از آن اوست.

و برای من از راه های گوناگون ثابت شده است که آن حضرت در خانه خودش دفن شده است، و این از اسرار آل محمد علیهم السلام می باشد.

و اگر خدا به تو توفیق زیارت آن حضرت علیها السلام و زیارت پدرش صلی الله علیه و آله را عطا فرمود، زیارت آن حضرت را بعد از زیارت پدرش در حال ایستاده در کنار خانه اش که فعلاً مشخص است و در چند قدمی پشت قبر پیامبر صلی الله علیه و آله واقع شده بخوان. و از خدا در آن مکان که معادل بهشت بلکه بهشت واقعی است برای من رحمت و آمرزش بخواه.

ثم اخرج إلى البقيع العرقد وُزِرَ أولادها الأئمة الهداة الأربع المدفونين فيه.

وفى شأن أولادها -وهم الأئمة المعصومون من أهل البيت عليهم السلام- قال أمير المؤمنين عليه السلام: فيهم كرائم القرآن وهم كنوز الرحمن. إن نطقوا صدقوا وإن صمتوا لم يُسبَقوا، الخطبة. (1)

### الإمام الحسن المجتبي عليه السلام

يا بني، و اعلم أنّ الإمام بعد أمير المؤمنين عليه السلام هو نجله الإمام الحسن المجتبي عليه السلام السبط الأكبر (المولود في النصف من شهر رمضان عام 3 و المستشهد مسموما في 7 أو 28 صفر عام 50 هجرية) الذي سمّه معاوية - عليه الهاوية - على يد جَعْدَةَ بنت أشعث بن قيس و هي زوجة الإمام ممّا أدى إلى لفظ كبده الشريف في الطشت، كما أفصحت بذلك الروايات التاريخية (2) و استشهد عليه السلام و ذهب إلى جوار ربّه و لئلاّ يتحاق بجده و أمّه و أبيه.

و اعلم أنّ والده أمير المؤمنين عليه السلام أول مظلوم ظلم في الإسلام و ظلامته هي اغتصاب الخلافة منه و من ولده عليه و عليهم السّلام التي هي ميراثهم الشّرعيّ الذي يرثه الأئمة عليهم السلام كابرا عن كابر، و قد ورثه الحسن عليه السلام من أبيه؛ و هو أيضا من المظلومين. فعليك بالدفاع عنه و عن والده و التذكير بما وقع عليهما بأي مناسبة

ص: 34

1-1. نهج البلاغة، الخطبة 154، و رواها الأمدى في غرر الحكم، ح 10062.

2-2. راجع في هذا المجال إلى الرّسالة التي كتبها بالفارسية المحقق الجليل جويا جهانبخش باستدعاء منّي. و قد سماها «حكايت اخگر الماس ريزه ها» و طبعتها عام 1384 ش دارالنشر «دليل ما» بقم المقدسة. فالمؤلف جمع فيها النصوص الروائية و التاريخية و أثبت فيها أنّه عليه السلام رأى كبده في الطشت.

سپس از مسجدالنّبی به سوی بقیع نورانی بیرون رو و چهار امام هدایتگر مدفون در آنجا را که فرزندان حضرت فاطمه (سلام الله علیها) هستند زیارت کن.

و در شأن فرزندان حضرت زهرا (سلام الله علیها) که همان پیشوایان معصوم از اهل بیت پیامبرند، حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید: «در باره آنان آیات ویژه قرآن نازل شده است و آنان گنجهای خداوند رحمان می باشند که اگر سخن بگویند راست بگویند و اگر سکوت کنند کسی در سخن گفتن به آنها پیشی نمی گیرد...»

ای فرزندم، بدان که امام بعد از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرزند آن بزرگوار سبط اکبر امام حسن مجتبی علیه السلام می باشد (که آن حضرت در نیمه ماه رمضان سال سوم هجری در مدینه به دنیا آمد و در هفتم یا 28 صفر سال 50 هجری مسموم و شهید شد). امام حسن علیه السلام سبط اکبر پیامبر اسلام را معاویه (که جایگاهش دوزخ باد) به دست زن آن حضرت جَعْدَة دختر أشعث بن قیس به شهادت رساند؛ و به حدّی سمّ در بدن امام اثر نمود که آن حضرت پاره های جگر خود را داخل طشتی ریخت و مشاهده کرد و این واقعتی است که روایات تاریخی به آن اعتراف دارند. و امام با این حال از دنیا رحلت کرد و به جوار رحمت پروردگارش و زیارت جدّش و مادر و پدرش شتافت.

و بدان که پدرش امیرالمؤمنین علیه السلام اولین مظلوم در اسلام است؛ و مظلومیت در واقع ارثی است که امامان معصوم علیهم السلام از همدیگر می برند و این موضوع را امام حسن علیه السلام از پدرش علیه السلام به ارث بُرد. آن حضرت در نهایت مظلومیت قرار داشت؛ لذا توصیه می کنم که از مقام و مظلومیت او و پدرش و آن چه برایت نوشتم که امام حسن علیه السلام جگرش را در داخل طشت دید در هر مناسبتی یاد کنی و دفاع نمایی.

كانت. ولا سيما التذکر بما كتبت لك من أنه عليه السلام رأى كبده فى الطشت.

والتحق الإمام الحسن المجتبی علیه السلام بالرفیق الأعلى مظلوماً وشهيدا ودفن فى البقیع بعد منعهم من دفنه فى حجرة رسول الله صلى الله علیه وآله التى ورثها من أمه فاطمة الزهراء علیها السلام و هى ترثها من أبيها رسول الله صلى الله علیه وآله .

واعلم أن له كرما يختص به وهو كريم أهل البيت عليهم السلام . فإن كانت لك حاجة، فاسأل الله تعالى من طريقه وبشفاعته، تصل إليها إن شاء الله تعالى؛ فهو يكافئ ويجازى كل من ذكره وخدمه وعظمه جزاءً سريعاً عاجلاً. وأنا جرّبت ذلك مرارا فى حياتى يا ولدى و حظيت بالمكافئة.

### الإمام الحسين الشهيد علیه السلام

يا بنى، واعلم أن الإمام بعده هو أخوه الإمام الحسين بن على سيد الشهداء علیه السلام (المولود 3 أو 5 شعبان عام 4 والمقتول (1) شهيدا فى اليوم العاشر من محرم الحرام عام 61). وله من بين الأئمة خصائص وفضائل:

منها: أن كلهم سفن النجاة ولكن سفينة الحسين مجراها على اللجج الغامرة أسرع (2).

ومنها: أن تربته أمان من كل خوف وشفاء من كل داء - وأنا قد جرّبت هذا الأمر مرارا فى حياتى - فلا تشك فيه أبدا.

ومنها: أن تحت قبته استجابة الدعاء وقد جرّبت هذا الأمر أيضا مرارا فى

ص: 36

---

1-1. قد كتبت فى مقتله كتابى المطبوع «يوم الطفّ».

2-2. الخصائص الحسينية /5.

و امام حسن مجتبی علیه السلام در این حالت به لقاء الله پیوست و در قبرستان بقیع دفن شد.

و این بعد از آن بود که نگذاشتند آن حضرت را در کنار قبر پیامبر صلی الله علیه و آله و در آن حجره و جایگاهی که از طریق مادرش فاطمه زهرا علیها السلام از پیامبر به او ارث می رسید دفن کنند.

بدان که برای امام حسن علیه السلام کرم و بخشش خاصی است و آن حضرت کریم اهل بیت پیامبر علیهم السلام می باشد. اگر حاجتی به درگاه خدا داشته باشی، از طریق او و با شفاعتش از خدا بخواه و چنانچه خواست خدا باشد به خواسته ات می رسی؛ که خداوند متعال هرکسی را که به یاد امام حسن علیه السلام باشد و خدمتگزار وی باشد و آن حضرت را بزرگ شمارد، پاداش سریع و اجر جزیل عطا فرماید. فرزندم، این موضوع را من بارها تجربه کرده ام و از آثار و برکاتش بهره مند شده ام.

فرزندم، بدان که امام بعد از آن حضرت برادرش امام حسین علیه السلام فرزند حضرت علی علیه السلام سیدالشهداء می باشد (که در سوّم یا پنجم شعبان سال چهارم هجری متولد شد و در روز دهم محرم سال 61 هجری به شهادت رسید).

امام حسین علیه السلام در بین امامان معصوم علیهم السلام دارای ویژگی های منحصر به فردی است و همین طور فضائل مخصوصی را داراست که از جمله آنها این است که:

با این که همه آن بزرگواران کشتی های نجات انسان هایند، ولی کشتی امام حسین علیه السلام بر موجهای بلند و خطرناک سریع تر حرکت می کند.

و دیگر این که خاک مرقد آن حضرت ایمنی بخش از هر ترس و شفاء برای هر درد است - و این حقیقت را من بارها در زندگی تجربه کرده ام - پس هرگز در این باره شک به خود راه مده.

و این که در زیر گنبد حرم آن حضرت دعا مستجاب است، و این موضوع را نیز بارها در زندگی تجربه کرده ام،

حياتي، فلا تشك فيه أبداً فإن وفقك الله زيارته في مدينة كربلاء المقدسة، فلا تسألني أن تطلب المغفرة والرحمة لي.

ومنها: أن الأئمة عليهم السلام من بعده كلهم من ذريته عليه وعليهم السلام.

واعلم يا بني، أن الحسين عليه السلام سريع الإجابة. فإن كان لك حاجة إلى الله تعالى فتوسل بالحسين عليه السلام، يقض الله حاجتك سريعاً عاجلاً قريباً إن شاء الله تعالى.

وأن الله تعالى يحب أن يقيم مجلس عزاء الحسين إلى يوم القيامة. فعليك أن تقيم مجلس عزائه مادمت حياً؛ لأنه تقيدك في الدنيا والآخرة. واجعل سعيك في هذه الإقامة من أفضل وأعظم ما عبدت الله به.

واعلم أن زيارته عليه السلام من أفضل العبادات بحيث لم تثبت لدى عبادة أفضل منها. فإن شئت أن تزوره في كل يوم فزره، وإن كنت نائياً عن مزاره، فزره بزيارة عاشوراء المعروفة، فإنها تكفي لزيارته من قريب وبعيد في كل يوم، كما هو ديدني.

واعلم أن من أعظم الكنوز هو البكاء عليه عليه السلام، ودمعة التي جرت من أجله تطفى نار الجحيم، وهي عند الله تعادل التوبة المقبولة، وحين جريان الدمعة وبعدها يكون دعائك مستجاباً ببركتها، فلا تغفل عن البكاء عليه.

وإن ترد أفضل من ذلك، فاذا ذكر مصائبه حتى يبكي الناس، وأبك أنت أيضاً معهم؛ فإن ذكر مصائبه كذلك من أفضل الأعمال. فاسع لتسجل اسمك في قائمة الذاكرين لمصائبه عليه السلام، وكتب اسمك في قائمة المقيمين لتعزيته عليه السلام حتى تقيدك في الآجلة والعاجلة.

لذا در این باره تردید به خود راه مده، پس اگر خداوند توفیق زیارت آن حضرت را در شهر مقدس کربلا به تو عنایت کرد برای من طلب رحمت و آمرزش کن.

از دیگر ویژگی های آن حضرت این است که امامان معصوم علیهم السلام که بعد از او هستند همه از فرزندان و نسل آن امام می باشند.

بدان فرزندم که امام حسین علیه السلام زود اجابت می کند کسانی را که به آن حضرت توسل پیدا کنند. پس اگر حاجتی به درگاه خدای متعال داری، متوسل به آن حضرت شو که خداوند به زودی حاجت تو را برآورده می کند. ان شاء الله تعالی.

و خداوند برپا داشتن مجالس ماتم و عزای امام حسین علیه السلام را دوست دارد که تا روز قیامت اقامه شود؛ لذا بر تو باد به برپائی مجلس عزای آن حضرت تا زمانی که زنده هستی به خاطر این که این موضوع تو را در دنیا و آخرت فایده می بخشد؛ و سعی و تلاش خود را در اقامه عزای آن حضرت از بهترین و بالاترین عبادات محسوب کن.

و بدان که زیارت مرقد امام حسین علیه السلام از بهترین عبادت ها محسوب می شود، به طوری که در نزد من عبادتی بالاتر از آن ثابت نشده است. پس اگر خواستی آن حضرت را هر روز زیارت کنی؛ و اگر از مزار آن امام دور باشی، با زیارت عاشورای معروفه زیارت نما و این زیارت نامه ای است که می توان با آن امام حسین علیه السلام را از دور و نزدیک و در هر روز زیارت نمود، همان طوری که سیره و روش من است.

و بدان که از بزرگ ترین گنجها گریه بر امام حسین علیه السلام است که گریه و اشک جاری بر او می تواند آتش سوزان جهنم را خاموش کند، و اشک برای آن حضرت در نزد خداوند معادل توبه مقبول می باشد، و در زمان جاری شدن اشک و بعد از آن دعایت به برکت اشک و گریه بر آن حضرت مستجاب است. پس از گریه بر آن حضرت غفلت نکن.

و اگر بالاتر و بهتر از این را می خواهی مصائب آن حضرت را برای مردم بخوان تا گریه کنند و تو نیز با آنان گریه کن که ذکر مصائب آن حضرت نیز از بهترین اعمال به شمار می آید. پس سعی کن نام خودت را در زمره ذاکران مصائب آن حضرت ثبت کنی و همین طور در گروه برپا کنندگان عزای آن حضرت قرار دهی، تا در آینده دور و نزدیک به آثار و برکات و فوائد آن بررسی.



## الإمام علي بن الحسين السجاد عليه السلام

و الإمام من بعده هو ولده علي بن الحسين عليه السلام سيّد الساجدين وزين العابدين و تاج البكّائين (المولود 15 جمادى الثانية أو 9 شعبان عام 38 و المستشهد مسموماً في 12 أو 25 محرم الحرام عام 95) الذي بكى علي أبيه أكثر من ثلاثين عاماً و أحيى المذهب بعد استشهاد أبيه عليه السلام .

و قد ورّث لنا كنزاً خفياً من كثرة ظهوره و اشتهاه و هو أدعيته المجموعة تحت عنوان «الصحيفة السجادية»، و هو زبور آل محمد و أخت القرآن. و فيها أدعية كثيرة قد جرّبت بعضها فنجحت و وقّقت. فلا تغفل من هذا الكنز الذي بجوارك و ادع الله به. و اشتهاه هذه الصحيفة يغنيها عن أسنادها، و لكن مع ذلك لها أسناد صحاح و وصلت إلينا بواسطة أعلام الطائفة الحقّة.

كما أنّه قد ورّث لنا كنزاً آخرًا يسمى بـ «رسالة الحقوق»، و فيه أيضاً منافع و دررٌ و جواهر جمّة. فعليك بمطالعتها و استخراجها.

## الإمام محمد بن علي باقر العلوم عليه السلام

و الإمام من بعده هو ولده الإمام محمّد بن علي عليه السلام باقر علم الأوّلين و الآخرين (المولود في غرة رجب أو 3 صفر عام 57 و المستشهد مسموماً في السابع من ذي الحجة عام 114 هجرية) الذي أسّس لنا هو و ولده الفقه و أصوله و قواعد الإستنباط، و كلّنا نعدّ من تلامذته و نجلس على موائد علومه، و كلُّ يستفيدون منها بقدر وسعهم و طاقتهم، و كلّنا عياله و عيال ولده.

بل أخذ العامة منه عليه السلام قدراً كبيراً من مسائلهم في باب الحج، كما رووا عنه عليه السلام في أبواب فقهية أخرى.

و امام بعد از او فرزندش علی بن الحسین علیه السلام سرور سجده کنان و زینت عبادت کنندگان و تاج افتخار گریه کنان است (در 15 جمادی الثانی یا 9 ماه شعبان سال 38 به دنیا آمد و در 12 یا 25 محرم الحرام سال 95 به زهر جفا مسموم و شهید شد). آن حضرت در عزای پدر گرامیش بیش از سی سال گریه کرد و زنده کننده مذهب بعد از شهادت پدرش بود.

آن امام بزرگوار برای ما گنجی را به ارث گذاشت که از فرط آشکاری و شهرت، پنهان است. آن همان دعاهای گردآوری شده حضرت است که «صحیفه سجّادیه» نام دارد و زبور آل محمد صلی الله علیه و آله و خواهر قرآن است. در این کتاب دعاهای زیادی است و من بعضی از این دعاها را خوانده ام و آثار و برکات آنها را دیده و تجربه کرده ام. پس از این گنجی که در نزد توسّ غافل مباحث و با آن خدا را بخوان. البته شهرت این کتاب ما را از این که به اسناد آن بپردازیم بی نیاز می کند، ولی با این حال سندهای صحیحی را که به آن حضرت منتهی می شود و به وسیله علمای شیعه امامیه به دست ما رسیده است در اختیار داریم.

همچنین آن بزرگوار گنج دیگری را برای ما به ارث گذاشته است که «رساله حقوق» نامیده می شود که در این کتاب نیز مروراید و جواهر و گوهرهای گرانبهائی از معارف وجود دارد. از مطالعه این کتاب و استخراج جواهرات آن نیز غافل مشو.

و امام بعد از او فرزندش امام محمد باقر علیه السلام شکافنده دانش اولین و آخرین است. (در اوّل ماه رجب یا سوم ماه صفر سال 57 هجری به دنیا آمد و در هفتم ذی الحجه سال 114 هجری قمری بر اثر مسمومیت به شهادت رسید). این امام بزرگوار و فرزندش برای ما علم فقه و اصول و قوانین استنباط احکام شرعی را بنا نهادند و همه ما از شاگردان آن حضرت به شمار می آییم و بر سر سفره علوم و دانش های آن امام نشستیم. و هرکس به اندازه توانایی و ظرفیت خود از علم و دانش آن بزرگوار استفاده می کند و در واقع همه ما جزء خانواده علمی و معنوی او و فرزندش محسوب می شویم.

بلکه اهل سنت نیز بسیاری از مسائل حج و غیر آن از مسائل فقهی را از وی گرفته اند و از او روایت می کنند.

## الإمام جعفر بن محمد الصادق عليه السلام

و الإمام من بعده ولده الإمام جعفر بن محمد الصادق عليه السلام (المولود 17 ربيع الأول عام 83 - و المستشهد مسموماً في 25 شوال المكرم عام 148). رئيس مذهب الإمامية الحقة، و هو شيخ الأئمة عليهم السلام و قد وصل المذهب إلينا بواسطته و واسطة أبيه الإمام الباقر عليه السلام، و لهما في حفظ المذهب و تبليغه و ترويجه و تربية التلاميذ و حفظ الحديث عن طريق الرواة حقّ على الشيعة لا ينكره أحدٌ حتى انتسب المذهب إليه، فعرف أتباعه بالجعفرية نسبة إلى الإمام جعفر بن محمد عليه السلام.

## الإمام موسى بن جعفر الكاظم عليه السلام

و الإمام من بعده هو ولده موسى بن جعفر الكاظم عليه السلام (المولود في 7 صفر 128 و المستشهد مسموماً مسجوناً في 25 رجب 183). و هو حجة الله و باب الحوائج إليه تعالى. فأسأل حوائجك من طريقه عليه السلام، فإنّ له صُبراً معروفاً في حياته يملأها بالدرهم و الدينار و ينفقها على الفقراء و المساكين. و قد بقي كرمه بعد استشهاده بوجوه مختلفة.

## الإمام علي بن موسى الرضا عليه السلام

و الإمام من بعده ولده علي بن موسى الرضا عليه آلاف التحية و الثناء (المولود في 11 ذي القعدة الحرام عام 148 و المستشهد مسموماً في آخر صفر عام 203) - الذي أكتب هذه الأسطر في مكتبته العامرة بمدينة المشهد المقدس في جوار مضجعه الشريف - و هو الإمام الرؤوف، ضامن الجنة، و عالم آل محمد عليهم السلام الذي منه انتشر كثير من علومهم، و رواياته و احتجاجاته على المخالفين و أرباب المذاهب معروفة مذكورة في الكتب. و كذا رسالته الذهبية و ما كتبه للمؤمنين من شرايع الدين من ذخائر تراثنا الخالد.

و امام بعد از او فرزندش امام جعفر بن محمد صادق علیه السلام می باشد (که در 17 ربیع الاول سال 83 به دنیا آمد و در 25 شوال سال 148 به وسیله زهر مسموم و به شهادت رسید). امام صادق علیه السلام رئیس مذهب حقه امامیه است و آن حضرت بیشترین عمر را در بین امامان داشت. مذهب شیعه نیز به وسیله آن حضرت و پدرش امام باقر علیه السلام به دست ما رسیده است و این دو بزرگوار در حفظ مذهب شیعه و تبلیغ و ترویج آن و تربیت شاگردان شایسته و نگهداری احادیث به وسیله راویان، حق بزرگی به گردن شیعیان دارند که قابل انکار نیست و آنچنان است که مذهب شیعه به آن حضرت نسبت داده می شود و پیروان آن حضرت به عنوان جعفری شناخته می شوند.

و امام بعد از او فرزندش امام موسی کاظم علیه السلام می باشد (که در هفتم ماه صفر سال 128 متولد شد و در 25 رجب سال 183 در زندان با مسمومیت به شهادت رسید). آن حضرت حجت خدا و باب الحوائج به درگاه خدای متعال است. از این رو نیازها و خواسته های خود را از طریق آن امام از خدا بخواه که آن حضرت در زمان حیاتش مشهور به داشتن کیسه هایی از درهم و دینار بود که به نیازمندان از آن کیسه ها می بخشید و این رویه پسندیده آن حضرت بعد از شهادت هم به صورتهای گوناگون و از راههای مختلف ادامه داشته و دارد.

و امام بعد از او فرزندش حضرت علی بن موسی الرضا است - که بر او هزاران تحیت و ثنا باد- (آن امام در 11 ذی القعدة الحرام سال 148 به دنیا آمد و در آخر ماه صفر سال 203 با حال مسمومیت به شهادت رسید). امام بزرگواری که این سطرهای رساله را در کتابخانه بزرگش در شهر مقدس مشهد و در کنار مرقد شریف آن حضرت واقع شده است می نویسم. آن حضرت امام مهربان، ضمانت کننده بهشت و دانشمند خاندان حضرت محمد صلی الله علیه و آله است که بسیاری از علوم آن بزرگواران از ناحیه وی منتشر شد و روایات و احتجاجات آن حضرت با مخالفین و صاحبان مذاهب، معروف و در کتابها ذکر شده است. و همین طور از آثار وجودی آن حضرت رساله ذهبیه و مطالبی است که درباره قوانین و دستورات دین خطاب به مأمون نوشته از میراث ماندگار ما شیعیان است.

و اشتهر أمره في الآفاق بحيث يعرفون أبنائه الأئمة من بعده بأنهم «أبناء الرضا»، و هذا الاسم يطلق عند الناس في ذاك العصر حتّى بالنسبة للإمام الحادى عشر الإمام الحسن العسكرى عليه السلام .

و ليس هذا إلا اشتهار أمره و أنّه كالشمس -بل هو الشمس- في رائعة النهار، بل أعلى منها هو شمس الشموس في أرض طوس.

و اعلم يا بنى، لا يذهب عليك من عمرك عاماً و لا ينقضى عنك حولاً إلا و أنت تزور سيدى و مولاي الإمام الرضا عليه السلام على الأقلّ في السنة مرة واحدة - كما هو دأبى و ديدنى - لأنّ في زيارته فوائد كثيرة في الدنيا و الآخرة. و إنّ الأدعية لمستجابة في جوار مضجعه الشريف.

و لا سيما إذا تحلفه عليه السلام بولده جواد الأئمة عليه السلام أو بأمة فاطمة الزهراء عليها السلام أو كليهما عليهما السلام، لا يردّ الدعاء قطعاً؛ و جرّبت هذا مرارا و تكرارا و أخذتُ ببركته و شفاعته الدنيا و الآخرة بحمدالله تعالى و منه.

### الإمام محمد بن على الجواد عليه السلام

و الإمام من بعده هو ولده محمّد بن على الجواد عليه السلام (المولود 15 أو 17 شهر رمضان أو 10 رجب عام 195 و المستشهد مسموماً في آخر ذيالقعدة الحرام عام 220) باب الحوائج إلى الله تعالى، و هو أصغر الأئمة عليهم السلام عمرا في هذه الدنيا الدنيّة، و حين استشهاده ليس له من العمر إلا خمسة و عشرون عاماً. و الإمام بلغ مرتبة الإمامة بعد والده و عمره أقلّ من عشر سنين، و هو كوالده إمام رؤوف، يتوسل به الناس في حوائجهم الدنيوية خصوصا، و لكنك تستطيع أن تأخذ منه عليه السلام الدنيا و

آن حضرت چنان مشهور شد که امامان از نسل او را به عنوان ابن الرضا می شناختند و این تعبیر در نزد مردم درباره اولاد آن حضرت حتی نسبت به امام یازدهم علیه السلام نیز رواج داشت.

و این نیست مگر اشتها نام وی به گونه ای همانند خورشید بلکه خود خورشید در وسط روز، بلکه بالاتر از آن، او خورشید خورشیدها در سرزمین طوس می باشد.

و بدان فرزندم، مبدا سالی از عمرت بگذرد مگر این که سرور و پیشوای من امام رضا علیه السلام را زیارت کنی و این کار را حداقل در هر سال یک مرتبه انجام ده، همانگونه که این برنامه جزء رویه و سیره من نیز می باشد؛ چون در زیارت آن حضرت فایده های زیادی در دنیا و آخرت می باشد و همانا دعا در جوار مرقد شریف آن حضرت مستجاب است.

به ویژه اگر تو آن حضرت را به فرزندش جواد الأئمه علیه السلام یا به مادرش فاطمه زهرا (سلام الله علیها) یا هر دو سوگند بدهی دعایت رد نمی شود، و من این حقیقت را بارها تجربه کرده ام و دنیا و آخرت را به برکت آن حضرت و شفاعت آن بزرگوار گرفته ام، و خدا را بر این نعمت بزرگ سپاس و ستایش می کنم.

و امام بعد از او فرزندش امام محمد جواد علیه السلام می باشد (که در 15 یا 17 ماه رمضان یا 10 رجب سال 195 به دنیا آمد و در آخر ذی القعدة الحرام سال 220 در حال مسمومیت به شهادت رسید.) آن حضرت باب الحوائج به درگاه خداست و در بین امامان معصوم علیهم السلام کمترین عمر را در این دنیا داشت؛ چون در موقع شهادتش 25 سال بیشتر نداشت و در کمتر از 10 سالگی بعد از پدر بزرگوارش به امامت رسید. آن امام مثل پدرش مهربان بود و مردم مخصوصاً در نیازهای دنیایی خود به آن حضرت متوسل می شوند، ولی تو ای فرزندم می توانی به واسطه آن حضرت حوائج دنیوی و

الآخرة بلافراق، لأنه إمام كغيره من الأئمة عليهم السلام .

### الإمام على بن محمد الهادي عليه السلام

و الإمام من بعده ولده على بن محمّد الهادي عليه السلام (المولود في 15 ذيا الحجة أو 2 رجب عام 212 و المستشهد مسموما في 3 رجب عام 254)، الذي أبعد طاغية زمانه المتوكل العباسي من مدينة جدّه النبيّ صلى الله عليه وآله إلى مدينة سامراء ليكون تحت نظره. فقد تواترت الأحاديث و تناقل الرواة بأنّ حفيد الإمام الهادي عليه السلام - وهو الحجة الثاني عشر - يقطع دابر الظالمين و يملأ الأرض قسطا و عدلاً بعد ما تمتلئ ظلماً و جوراً، و لذا جلبته السلطة الظالمة إلى مدينة سامراء التي فيها عسكر الموالين للخليفة الظالم ليكون تحت نظره و يقبض على قائم آل محمّد و الحجة على أهل الدنيا الإمام المهدي بن الحسن العسكري عجل الله فرجه و سهّل مخرجه و جعلنا من أتباعه و شيعته. ولكنهم أرادوا شيئا و الله أراد شيئا آخر، و إذا أراد الله شيئا يكفي أن يقول كن فيكون، و لا يعارض إرادة الله شيئا.

### الإمام الحسن بن علي العسكري عليه السلام

و بعد أن بلغ الإمام الهادي عليه السلام السنة الواحدة أو الإثنتين و الأربعين من عمره، سمّوه فاستشهد و دفن في بيته الشريف.

و الإمام من بعده ولده الإمام الحسن بن علي العسكري عليه السلام (المولود في 8 ربيع الثاني عام 232 و المستشهد مسموما في 8 ربيع الأول عام 260). هو والد إمام زماننا صاحب العصر و الزمان -عجل الله تعالى فرجه الشريف- . و قد تعامل الظالمون معه تعاملهم مع والده الإمام الهادي عليه السلام ، و هم يريدون الممانعة من ولادة الإمام المهدي (عجل الله تعالى فرجه الشريف) ولكن الله أراد ولادته فولد. سلام الله

اخروی خود را بگیری، به دلیل اینکه آن حضرت با امامان دیگر در مقام والای امامت هیچ تفاوتی ندارد.

و امام بعد از او فرزندش امام علیّ هادی علیه السلام است. (که در 15 ذی الحجّه یا دوّم ماه رجب سال 212 هجری به دنیا آمد و در سوّم ماه رجب سال 254 هجری با حال مسمومیت به شهادت رسید). آن حضرت توسّط خلیفه و طاغوت زمانش متوکل عباسی از شهر جدّش پیامبر صلی الله علیه و آله یعنی مدینه به شهر سامراء منتقل شد تا زیر نظر باشد؛ چرا که احادیث و روایاتی به تواتر نقل شده و از روایان شنیده بودند که نوه امام هادی علیه السلام که امام دوازدهم است، ریشه ظالمان را می کند و زمین را بعد از آنکه از ظلم و ستم پر شود پر از عدل و داد می کند. لذا ایشان به صورت ظالمانه و اجبار به شهری که لشکریان حامی خلیفه ظالم در آنجا استقرار داشتند آورده شد تا زیر نظر خلیفه باشد و امکان جستجو و دستیابی و دستگیری قائم آل محمد صلی الله علیه و آله و حجّت خدا بر اهل دنیا امام مهدی فرزند امام حسن عسکری که خداوند در ظهورش تعجیل فرماید و خروج آن حضرت را آسان گرداند و ما را از پیروان و شیعیان او قرار دهد راحت تر باشد. لکن آنان کاری را اراده کرده بودند و خدا اراده دیگر داشت، خداوند اگر اراده کاری را نماید کافی است امر کند، بدون فاصله آن کار انجام می گیرد و با اراده خدا هیچ چیز نمی تواند معارضه کند.

بعد از این که امام هادی علیه السلام عمر شریفش به چهل و یک یا دو سال رسید، آن حضرت را مسموم کردند که بر اثر آن به شهادت رسید و در خانه خود دفن گردید.

و بعد از او فرزندش امام حسن عسکری علیه السلام می باشد (که در 8 ربیع الثانی سال 232 متولّد شد و در 8 ربیع الأوّل سال 260 در حالی که مسموم شده بود به شهادت رسید). آن حضرت پدر امام زمان ما صاحب العصر و الزّمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است. شیوه برخورد ظالمین با آن حضرت همان شیوه برخورد با پدر بزرگوارش امام هادی علیه السلام بود که می خواستند مانع ولادت امام مهدی علیه السلام شوند. ولی خدا ولادتش را اراده کرد و آن حضرت به دنیا آمد (که سلام خدا



عليه وأرواحنا فداء.

ولذا أراد الظلمة قتل الإمام العسكري عليه السلام وهو في سنّ الشباب ولم يمض من عمره إلا ثمانية وعشرين عاماً. فسّمّوه فانتقل إلى رحمة الله شهيداً ودفن في جوار والده في بيته بسامراء.

### الإمام الحجة بن الحسن صاحب الزمان عجل الله تعالى فرجه الشريف

و الإمام من بعده ولده محمّد بن الحسن وهو الحجة الثاني عشر صاحب العصر والزمان -عجل الله تعالى فرجه الشريف- (المولود 15 شعبان المعظم عام 255) الإمام الحَيّ الغائب عن الأنظار الذي يملأ الأرض قسطاً وعدلاً بعد ما ملئت ظلماً وجوراً. (1)

واعلم يا بنّي، إنّنا جالسون على مائدة إفضاله وإنعامه ونعدّ أنفسنا من عياله وخدمته وجنوده، وهو يرى أعمالنا. فكن على حذرٍ بحيث لا يراكَ في معصية الله ولا يتألم قلبه المبارك من العمل الذي لا ينبغي منك.

وهو كآبائه الطاهرين يرعى أحسن رعاية مواليه وأتباعه وشيعته ومحبيه، ولذا إنّنا في رعايته مسرورين مأمولين.

واعلم يا بنّي، هو لا ينسأك أبداً. فاسع كى لاتنساه، واعمل في تحصيل رضاه بتعلّم علوم آبائه عليهم السلام والعمل بها وتعليمها لمحصلي العلوم والناس قاطبة.

### كتابة سطور في مدينة النبي صلى الله عليه وآله

وقد كتبتُ هذه الأسطر لك و كنتُ أنا في مدينته ومدينة أجداده أعنى مدينة

ص: 48

---

1-1. كتبتُ حوله (عجل الله تعالى فرجه الشريف) كتابي المطبوع «الأربعون حديثاً في من يملأ الأرض قسطاً وعدلاً»، وقد ترجم إلى الفارسية مرّتين وطبع مرّات.

بر او و روح ما فدای آن امام باد).

به همین دلیل ستمگران بر آن شدند که امام عسکری را بکشند در حالی که آن حضرت هنوز جوان بود و از عمرش 28 سال بیشتر نگذشته بود، لذا آن حضرت را مسموم کردند، و وی به شهادت رسید و در جوار رحمت حق آرمید و در کنار پدر بزرگوارش در خانه خود در سامراء دفن شد.

و امام بعد از او فرزندش حضرت محمد بن حسن علیه السلام حجّت دوازدهم صاحب العصر و الزّمان (عجل الله تعالی فرجه الشّریف) می باشد (که در 15 شعبان سال 255 متولّد شد.) آن حضرت امام زنده و غایب از نظرهاست که زمین را بعد از آن که از ظلم و جور پر بشود پر از عدل و داد می کند.

و بدان پسر، که ما در واقع بر سر سفره نعمت آن حضرت نشسته ایم و خود را جزء خانواده و خادمان و سربازان آن حضرت به حساب می آوریم و او اعمال ما را می بیند؛ لذا مواظب باش که آن حضرت تو را در حال گناه نبیند و قلب مبارک آن حضرت را به درد نیاور به خاطر ارتکاب عملی که از تو شایسته نیست.

و او همانند پدران پاکش به بهترین گونه مراعات و مراقبت از احوال پیروان و شیعیان و دوستدارانش می کند و ما از اینکه تحت سرپرستی و مراقبت وی قرار داریم شاد و مسروریم.

و بدان پسر، که آن حضرت هرگز تو را فراموش نمی کند پس سعی کن تو هم آن بزرگوار را فراموش ننمایی و در راه به دست آوردن خشنودی آن حضرت به وسیله یادگیری علوم پدرانش علیهم السلام و عمل بر طبق آن علوم و یاد دادن آن علوم به طالبان آن و همه مردم قدم برداری.

و من این چند سطر رساله را برای تو در شهر آن حضرت و شهر پدرانش یعنی

النبي في موسم الحج عام 1427ق، و أدعو لك عند مرقد جده رسول الله صلى الله عليه وآله وأمه فاطمة الزهراء عليها السلام وقبور آباءه أئمة الهدى عليهم السلام المدفونين بالبقيع الغرقد بأن جعلك الله من أنصاره و خدمه و جنوده و شيعته الخاصة و فقهاء مذهبه إن شاء الله تعالى. و المرجو منك إن رزقك الله هذه الزيارات أن لا تنساني من صالح دعواتك و طلب المغفرة و الاستغفار لي؛ فإني محتاج إليه في حياتي و مماتي.

عزيزي، إذا كنت أنت من أهله و جنوده، فهو يردك بأحسن وجه فلا تغتم لأجل دنياك و معاشك و أمورك أبدا. لأنك ضيفه في الدنيا و الآخرة و هو يردك و يقرى ضيوفه بأحسن الضيافة و أكمل الكرامة و أفضل الإنعام.

### أنفق و لا تخف من ذي العرش إقلالا

و على هذا في الدنيا «أنفق و لا تخف من ذي العرش إقلالا» في أعمال الخير و تلبية حوائج أهل العلم و الطلبة و رواتبهم و طبع الكتب الدينية و جميع الخيرات و المبررات فقد ثبت لدى صحة هذا الكلام و قد قرره رسول الله صلى الله عليه وآله في حديث (1) بابتسامه، و قد جربته في حياتي مرارا.

بل ورد في صحيحة البنزطي قال: قرأت في كتاب أبي الحسن الرضا عليه السلام إلى أبي جعفر عليه السلام: يا أبا جعفر، بلغني أن الموالى إذا ركبت أخرجوك من الباب الصغير، فإنما ذلك من بخلٍ منهم لئلا ينال منك أحد خيرا، و أسألك بحقّي عليك لا يكن مدخلك و مخرجك إلا من الباب الكبير. فإذا ركبت فليكن معك ذهب و فضة. ثم لا يسألك أحد شيئا إلا أعطيته، و من سألك من عمومك أن تبرّه فلا تعطه أقل من خمسين

ص: 50

شهر پیامبر صلی الله علیه و آله، مدینه منوره در موسم حج سال 1427 هجری قمری نوشتیم و در کنار مرقد جدش رسول خدا صلی الله علیه و آله و مادرش فاطمه زهرا (سلام الله علیها) و قبور پدران ارجمندش پیشوایان هدایت علیهم السلام که در قبرستان بقیع دفن شده اند دعاگوی تو هستیم که خدا تو را از یاران و خادمان و سربازان و شیعیان خاصش و از فقهای مذهبش قرار بدهد. ان شاء الله تعالی. و امیدوارم که خداوند توفیق این زیارت ها را روزی تو نماید و در این صورت مرا از دعاها ی خیر خود و طلب آمرزش فراموش نکن که من هم در زمان حیات و پس از مرگم نیازمند آنم.

عزیزم، اگر تو از اهل و سپاهیان آن حضرت قرار گرفتی، آن بزرگوار به نیکوترین وجه رعایت حال تو را خواهد نمود، پس نگران دنیا و معاش و کارهای نباش. چرا که تو در دنیا و آخرت مهمان امام زمان علیه السلام هستی و او از مهمانان خود به بهترین صورت پذیرایی می کند و در اکرام و اعطای نعمت به آنها چیزی را دریغ نمی کند.

بنابراین در دنیا نسبت به کارهای خیر و برطرف کردن نیازهای اهل علم و طلاب علوم دین و پرداخت شهریه آنان و چاپ کتاب های دینی و انجام تمام خیرات و مبرات با جدیت قدم بردار و اتفاق کن و از خدایی که صاحب عرش است ترس که تنگدست شوی، که این موضوع برای من ثابت شده و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله این حقیقت را در حدیثی با لبخند خود تأیید فرموده است و من آن را بارها تجربه کرده ام.

بلکه در صحیححه بزنطی وارد شده است که وی می گوید: در نامه امام رضا علیه السلام به فرزندش ابوجعفر امام جواد علیه السلام خواندم که نوشته بود: ای ابوجعفر، به من خبر رسیده است که وقتی تو به قصد خارج شدن از منزل سوار می شوی، غلامان تو را از در کوچک خانه خارج می کنند، و این به خاطر بخلی است که آنها دارند؛ چراکه نمی خواهند از جانب تو به شخصی خیری برسد. و از تو به خاطر آن حقی که به گردن تو دارم می خواهم که ورود و خروج خود را از در بزرگ خانه قرار بدهی و هرگاه سوار شدی که بیرون بروی، به همراه خود طلا و نقره بردار، و هرکس از آنها از تو درخواست کمک کرد به او ببخش، و اگر عموهایت از تو خواستند که به آنها نیکی کنی کمتر از پنجاه

دينارا، والكثير إليك، و من سألك من عمّاتك فلا تعطها أقل من خمسة وعشرين دينارا و الكثير إليك، إني إنّما أريد بذلك أن يرفعك الله، فأنتفق ولا تخش من ذي العرش إقتارا. (1)

واعلم يا بنّي، نحن في الدنيا تحت رعاية محمد صلى الله عليه وآله و آله الأئمة الهدى عليهم السلام، وفي الآخرة - أى البرزخ و القيامة- أيضا كذلك. فبركتهم و شفاعتهم ندخل الجنة آمين إن شاء الله تعالى.

### الشفاعة عامة تجرى في العوالم الثلاثة

و باعتقادي أنّ الشفاعة كما تجرى في القيامة كذلك تجرى في العالم البرزخ - الحدّ الوسط بين الدنيا و القيامة- لأنّ أدلتها عامة و لم يرد المخصّص، و ما ورد من ثبوت الشفاعة في القيامة لا تنفيها عن البرزخ، و ما ورد (2) من خوف الأئمة علينا بالنسبة إلى العالم البرزخ، فهو تحريك إلى الاعتقادات الصحيحة و الأعمال الصالحة. و بالجملة لم يثبت المخصّص عندي.

و كذلك تجرى الشفاعة حتّى بالنسبة إلى هذه الدنيا الحاضرة، و جميع استجابة الدعوات عند مراقدهم عليهم السلام و تلبية التوسلات بهم بنظري القاصر ليست إلّا من الشفاعة المقبولة في الدنيا.

### نحن ببركتهم عليهم السلام في الجنة دائماً

واعلم يا بنّي، نحن ببركتهم و شفاعتهم و ولايتهم نكون في الجنة دائماً، جنة الدنيا و جنة البرزخ و جنة العدن إن شاء الله تعالى. و الله هذا اعتقادي و أرجوه، و

ص: 52

- 
- 1- الكافي 4/43 ح5 و نقلت عنه موسوعة أحاديث أهل البيت عليهم السلام : 9/301 ح8.
  - 2- نحو خبر عمرو بن يزيد المروى في الكافي 3/242 ح3.

سکه طلا به آنها نبخش و اگر بیشتر از آن را خواسته باشی که عطا کنی آن دیگر به عهده توست، و اگر چنین خواسته ای را یکی از عمه هایت از تو داشت کمتر از بیست و پنج سکه طلا به او نده و اگر بیشتر می خواهی ببخشی خودت می دانی. و من با این کار می خواهم خدا به تو مقام بلندی مرحمت کند؛ لذا انفاق کن و از خداوند صاحب عرش از تنگدستی هراس نداشته باشد.

و بدان پسرم، ما در دنیا و در عالم برزخ و روز قیامت مورد لطف پیامبر اکرم حضرت محمد صلی الله علیه و آله و خاندان پاک آن حضرت می باشیم که امامان هدایت گرند و ان شاء الله تعالی، به برکت آنان و شفاعتشان در حالی که از عذاب الهی در امان هستیم وارد بهشت خواهیم شد. و به عقیده من شفاعت همان طوری که در روز قیامت وجود دارد در عالم برزخ (عالم بین دنیا و آخرت) هم جریان دارد؛ چون ادله اثبات شفاعت عام است و دلیل خاصی که شفاعت را به روز قیامت منحصر کند، در روایات نیامده است، و روایاتی که شفاعت در عالم قیامت را بیان می کند شفاعت در عالم برزخ را نفی نمی کند. آن احادیثی هم که از ائمه درباره نگرانی آنان از حال شیعیان در عالم برزخ وارد شده، در واقع برای تشویق مردم به اعتقادات صحیح و اعمال صالح است. به هر حال، تخصیص شفاعت آن هم فقط به عالم قیامت، در نزد من ثابت نیست.

همچنین شفاعت در عالم دنیا هم جریان دارد و دعاهایی که در کنار مراقد آنها (پیامبر اکرم و خاندان پاکش) مستجاب می شود و توسلات به آن بزرگواران که به ثمر می رسد، به نظر قاصر من جز از طریق شفاعت قبول شده آن عزیزان به درگاه خدا نیست.

و بدان پسرم، ما به برکت آنها و شفاعت و ولایتشان به طور دائمی در بهشت خواهیم بود. هم در بهشت دنیا و هم در بهشت عالم برزخ و بهشت جاودان ان شاء الله تعالی. و به خدا قسم این اعتقاد من است و امیدوارم همان طوری که

قد وصلت إلى بعضه وأصل إلى الباقي منه إن شاء الله تعالى.

كما ورد في رواية الصدوق بإسناده عن أبي عبد الله عليه السلام أنه قال لشييعته: «دياركم لكم جنة، وقبوركم لكم جنة، للجنة خلقتُم وإلى الجنة تصيرون»<sup>(1)</sup>.

وكما ورد في خبر موسى بن بكر قال: كنا عند أبي عبد الله عليه السلام فقال رجل في المجلس: أسأل الله الجنة، فقال أبو عبد الله عليه السلام: أنتم في الجنة، فاسألوا الله أن لا يخرجكم منها، فقالوا: جعلنا الله فداك! نحن في الدنيا؟ فقال: أستم تقرّون بإمامتنا؟ قالوا: نعم، فقال: هذا معنى الجنة الذي من أقرّ به كان في الجنة فاسألوا الله أن لا يسلبكم<sup>(2)</sup>.

ولعل إلى ما ذكرنا أشار قوله تعالى في سورة الرحمن «وَلِمَن خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّاتٌ»<sup>(3)</sup>. فالقدر المتيقن منهما جنة البرزخ و جنة الآخرة. و إن يمكن حملهما على جنة الدنيا و جنة الآخرة بدخول الجنة البرزخية في جنة الآخرة.

ويمكن حمل الجنّتين على المرتبتين و الدرجتين في الآخرة جنة السابقين و جنة أصحاب اليمين، و يمكن حملهما على جنة أهلها و جنة أهل النار التي هم يورثونها منهم كما ورد في بعض الروايات<sup>(4)</sup>.

و حمل الآية الأخرى من سورة الرحمن «و من دونهما جنتان»<sup>(5)</sup> على الجنة

ص: 54

1-1. فضائل الشيعة/72، ح34 و نقل عنه في بحار الأنوار 8/360، ح26 (3/615).

2-2. المحاسن 1/262، ح107.

3-3. سورة الرحمن/46.

4-4. نحو موثقة أبي بصير المروية في تفسير القمي 2/64 و مرسله عثمان بن عيسى المروية في عقاب الأعمال/305 و قد رواهما المجلسي في بحار الأنوار 8/125.

5-5. سورة الرحمن/62.

به بعضی از این اعتقادات رسیده ام به مابقی هم برسم ان شاء الله تعالی.

چنانچه در روایت شیخ صدوق (رحمة الله علیه) با سندهایش از امام صادق علیه السلام وارد شده است که آن حضرت به شیعیانش فرمود: خانه های شما برای شما بهشت است و قبرهایتان برای شما بهشت است و شما برای بهشت آفریده شده اید و به سوی بهشت می روید.

و همان طوری که در خبر موسی بن بکر این موضوع وارد شده است که وی می گوید: در نزد امام صادق علیه السلام بودیم که مردی در آن مجلس گفت: از خداوند بهشت را خواستارم. امام صادق علیه السلام فرمود: شما در بهشتید. از خداوند بخواهید شما را از آن خارج نسازد. گفتیم: جان ما به فدای شما! ما که در دنیا هستیم. (چگونه می فرمایید که شما در بهشتید؟) حضرت فرمود: مگر شما اقرار به امامت ما نمی کنید؟ پاسخ گفتند: آری. حضرت فرمود: این معنای بهشتی است که هرکس به آن اقرار نماید او در بهشت است. پس از خدا بخواهید که شما را از آن محروم ننماید.

و شاید آیه مبارکه سوره الرحمن (و برای کسی که از مقام پروردگارش بترسد دو بهشت وجود دارد) اشاره ای باشد بر آنچه ذکر کردیم. قدر متیقن از آیه شریفه این است که مُراد از بهشت، بهشت برزخی و بهشت آخرت است، اگر چه امکان دارد که این دو بهشت حمل شود به دو بهشت دنیا و آخرت، زیرا بهشت برزخی هم در بهشت آخرت داخل است.

و امکان هم دارد که آیه شریفه حمل شود به دو بهشت در دو مرحله و دو درجه در عالم قیامت، به این صورت که آیه حمل شود به بهشت سابقین و بهشت اصحاب یمین. و ممکن است حمل شود به جایگاه بهشتی که از آن بهشتیان است و جایگاه بهشتی که از کف دوزخیان رفته و به بهشتیان ارث رسیده است؛ چنانچه در برخی از روایات وارد شده است.

و می توان حمل نمود آیه دیگر سوره الرحمن را (و پایین از آن دو بهشت دو بهشت دیگر است) به بهشت



الدنيوية و الجنة البرزخية، وإن يمكن حمل الجميع على المراتب و الدرجات فى الآخرة كما يظهر من بعض الروايات.(1) و من نُزِلَ الكتابُ فى بيوتهم هم العارفون بكتاب الله تعالى.

وقد ورد أنه قال بعض الأعراب لابن عباس: مَنْ يحاسبُ الناس يوم القيامة؟ فقال: يحاسبهم الله تعالى، فقال الأعرابى: نجونا إذا وربَّ الكعبة، فقيل: وكيف؟ قال: إنَّ الكريم لا يدقق فى الحساب.(2)

وقيل لأعرابى: إنَّ الله محاسبك غدا، فقال: سررتنى يا هذا. إذن إنَّ الكريم إذا حاسب تفضَّل.(3)

### النجاة غداً فطعى إن شاء الله تعالى

يا بنى و اعلم، بأنَّ الأمر فى الواقع هو ما ذكره هذان الأعرابيان الفهيمان. فإذا كان الأمر كلّه بيد الكريم، فالنجاة ليست من الأمور الظنية، بل تصير من الأمور القطعية إن شاء الله تعالى.

### كتابة سطور فى حال الإحرام قبل الذهاب إلى عرفات

وقد كتبت هذه الأسطر فى هذه الصفحة و أنا كنت محرماً بإحرام حج التمتع فى مساء يوم التروية من عام 1427، حيث أحرمت خلف مقام إبراهيم عليه السلام فى المسجد الحرام، و الآن أذهب إلى عرفات مقدمة للوقوف الواجب، و الغرض من كتابة هذه الصفحة أتى كنتُ ذاكرًا لك فى هذا المقام، فأنت لا تسانى إن وصلت إليه، حيا كنتُ

ص: 56

1-1. لأجلها راجع: البرهان فى تفسير القرآن 5/242.

2-2. الكشكول 3/126 للشيخ بهاء الدين محمد العاملى، من منشورات لسان الصدق عام 2006م، قم المقدسة.

3-3. الكشكول 2/211.

دنیوی و بهشت برزخی، اگرچه می توان هر دو آیه را به درجات و مراتب بهشت آخرت حمل نمود؛ همانگونه که از برخی روایات ظاهر می شود؛ و کسانی که قرآن در خانه های آنان نازل شده است (محمد صلی الله علیه و آله و آل محمد علیهم السلام)، ایشان آگاه به کتاب خدا هستند.

و در روایت وارد شده است که عربی بادیه نشین از ابن عباس سؤال نمود که در روز قیامت حسابرسی مردم بر عهده چه کسی است؟ او در جواب فرمود: خداوند متعال به حساب اعمال مردم رسیدگی می کند. اعرابی گفت: پس در این صورت به خدای کعبه قسم ما نجات پیدا می کنیم. شخصی گفت: چگونه؟ آن اعرابی گفت: چون کریم در حسابرسی دقت عمل به خرج نمی دهد.

در نقل دیگری آمده است به یک عرب بادیه نشین گفته شد فردا خدا به حساب تو می رسد. گفت: مرا خوشحال کردی. چون اگر کریم به حساب رسیدگی کند تفضل و بخشش می کند.

ای فرزندم بدان که، در واقع مطلب همان است که این دو اعرابی فهمیم گفته و بیان کرده اند. چرا که وقتی که تمام امور به دست کریم باشد، در این صورت نجات پیدا کردن نه از امور ظنی که از امور حتمی است. ان شاء الله تعالی.

و من سطرهای این صفحه از رساله را در حالی که مُحرِم بودم به احرام حج تمتع، در عصر روز ترویبه سال 1427 نوشتم، و در پشت مقام ابراهیم علیه السلام در مسجد الحرام مُحرِم شدم و الآن به صحرای عرفات می روم که مقدمه وقوف واجب باشد. و این چند خط را نوشتم که تو بدانی در این جایگاه به یاد تو بوده ام، پس تو نیز اگر به این جایگاه ارزشمند آمدی مرا فراموش نکن؛

أم مَيِّتًا. فاستغفرِ اللهَ لي، غفر الله لي ولك إن شاء الله تعالى.

## آبَاؤُك مِنَ الْعُلَمَاءِ وَالْفُقَهَاءِ

عزيزي، آبَاؤُك وَأَجْدَادُكَ كُلُّهُمْ كَانُوا مِنَ الْعُلَمَاءِ الْعَامِلِينَ وَالْفُقَهَاءِ الْكِبَارِ حَتَّى سَبْعَةِ آبَاءٍ (1)، وَقَلَّمَا وُجِدَ مِثْلَ هَذَا النِّسْبِ فِي الْمَذْهَبِ، وَأَنْتَ إِنْ وَفَّقَكَ اللَّهُ تَعَالَى فَامْتَشِرْ فِي طَرِيقِهِمْ وَأَسْلِكْ مَسْلِكَهُمْ وَأَذْهَبْ مَذْهَبَهُمْ فَهُوَ مَذْهَبُ أَهْلِ بَيْتِ الْعِصْمَةِ وَالطَّهَارَةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ فَاسْعُ فِي تَحْصِيلِ الْعُلُومِ الدِّينِيَّةِ وَالْبَحْثِ الْحُوزَوِيَّةِ وَاسْتِغْلِ فِي الْحُوزَاتِ بِالدَّرْسِ وَالْبَحْثِ، وَعَلِمَ أَنَّه لَا كَنْزَ أَنْفَعُ مِنَ الْعِلْمِ. (2)

ص: 58

1-1. كتبت تراجمهم في كتابي المطبوع «قبيله عالمان دين» باللغة الفارسية. كما أنت تصل من طريق الأمهات أيضا إلى عدّة من أعلام الطائفة منهم: العلامة الشيخ محمد باقر المجلسي والشيخ الأكبر الشيخ جعفر كاشف الغطاء والسيد صدرالدين الصدر الكبير (جدّ آل الصدر) والسيد محمدباقر حجة الإسلام الشفتي والآخوند الشيخ الملا محمدباقر الفشاركي، والآيتان الحجتان الشيخ جمال الدين النجفي الإصفهاني وأخوه الشيخ محمد إسماعيل النجفي الإصفهاني والسيد محمد (محيي آثار القدماء) والفقير السيد محمد هاشم ابني السيد زين العابدين الموسوي الخوانساري (والد صاحب روضات الجنات). وأنت بنفسك تصل من طريق الأم إلى الآخوند الشيخ محمد حسين المظاهري الكروني المدفون في مقبرة البروجردى والمذكور في كتاب «بوستان فضيلت»/204 قدّس الله أسرارهم. وقال النظامي: چون شیر به خود سپه شکن باش \*\*\* فرزند خصال خویشان باش جای که بزرگ بایدت بود \*\*\* فرزند کس ندادت سود [كن مثل الأسد هازم الجيوش/ وكن ابن خصالك إذا تريد أن تكون كبير الشأن/ لا ينفك أن تكون ابن أحد] وقد يقال: إنّ الفتى من يقول: ها أناذا \*\*\* ليس الفتى من يقول: كان أبي!

2-2. كنز الفوائد 1/319 ونقل عنه في بحار الأنوار 1/183، ح88.

چه زنده باشیم و چه از دنیا رفته باشیم. پس برایم طلب آموزش کن از خداوند، امیدوارم خدا من و تو را مورد بخشش خود قرار دهد و بیاورد. ان شاء الله تعالی.

عزیزم، همه پدران و اجداد تو تا هفت پُشت از عالمان با عمل و فقه‌های بزرگ مذهب بوده اند. (1) و به ندرت چنین انتسابی در مذهب پیدا می شود. و تو اگر خداوند متعال توفیقت داد راه آنها را ادامه بده و در سِلک و لباس مقدّس آنان قرار بگیر و مذهب آنها را داشته باش که همان مذهب اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام است. پس سعی کن در تحصیل علوم دینی و بحث های حوزوی، و اشتغال پیدا کن در حوزه های علمیه به درس و بحث و بدان که هیچ گنجی مفیدتر از علم نیست.

ص: 59

---

1-1. شرح حال آنان را در کتاب «قبیله عالمان دین» به زبان پارسی نگاشته ام. همان گونه که تو از طریق مادران نیز به تعدادی از بزرگان علماء می رسی، از آن جمله علامه محمّدباقر مجلسی و شیخ جعفر کاشف الغطاء و سید صدرالدین صدر بزرگ (جد خاندان صدر) و سید محمّدباقر حجة الإسلام شفتی و آخوند ملا محمّدباقر فشارکی و آیتین حجتین حاج شیخ جمال الدین و برادرش حاج شیخ محمّد اسماعیل نجفی اصفهانی و سید محمّد (که از او به زنده کننده آثار پیشینیان یاد شده است) و فقیه بزرگ سید محمّدهاشم که هر دو فرزندان سید زین العابدین موسوی خوانساری (پدر صاحب روضات) هستند، و شخص تو از طریق مادر به آخوند شیخ محمّدحسین مظاهری کرونی مدفون در تکیه بروجردی و یاد شده در کتاب «بوستان فضیلت»/ 204 می رسی، قدّس الله اسرارهم. و چه زیبا به زبان فارسی نظامی سروده است: چون شیر به خود سپه شکن باش فرزند خصال خویشان باش جایی که بزرگ بایدت بود فرزندی کس نداردت سود و همچین سروده اند: به راستی جوانمرد کسی است که بگوید من چنین هستم/ نه آنکه بگوید پدرم چنین بود.

بل إنه أفضل الكنوز وأجملها، خفيف المحمل عظيم الجدوى، فى الملاّ جمالاً وفى الوحدة أنس<sup>١</sup> (1) و علم لا ينفع ككنز لا ينفق منه (2). وفى رواية أخرى: علمٌ لا يُعملُ به ككنز لا ينفق منه (3)، وفى رواية ثالثة: العلم كنزٌ (4).

فابدأ بالمقدمات من الصرف والنحو والمعانى والبيان والبديع والمنطق والكلام والعقائد الحقة الجعفرية، ثم بالسطوح الفقهية والأصولية نحو: شرح اللمعة للشهيدى (متنا وشرحاً) والمعالم وأصول الفقه للمرحوم المظفر و فرائد الأصول (الرسائل) والمكاسب للشيخ الأعظم الأنصارى قدس سره والكفاية للمحقق الآخوند الخراسانى قدس سره .

### كيفية دراسة العلوم الحوزوية

واعلم أنّ هذه الثلاثة الأخيرة ليست لها النهاية. ثم احضر البحوث العالية فى الفقه والأصول - الخارج - عند الفقهاء العظام ومراجع الأمة؛ وفى هذه الفترة اشتغل بتحصيل علم الرجال فإنه و علم الأصول هما رجلاً الفقيه ولا يمكن الاستنباط إلا مع إعمالهما اجتهاداً. فليكن حضورك فى بحوث الخارج لا يقل عن خمسة عشر عاماً وكذلك شارك دورتين كاملتين فى أصول الفقه و اقرأ كتباً فقهية بعضها فى العبادات وبعضها فى المعاملات بالمعنى الأعم أو الأخص (5) وبعضها فى

ص: 60

- 
- 1-1. شرح نهج البلاغة 20/339 لابن أبى الحديد فى الحكم المنسوبة إلى أمير المؤمنين عليه السلام .
  - 2-2. الأثنا عشرية فى المواعظ العددية /17، الطبعة عام 1384 ش، عن النبى صلى الله عليه وآله .
  - 3-3. نبذة من كتاب جواهر الكلام/ 457 ح 129 للآمدى المطبوعة ضمن مجلة تراثنا، العددان 91 و 92.
  - 4-4. كشف الغمة 3/490.
  - 5-5. فى هذا المجال يمكنك الرجوع إلى كتابى الآراء الفقهية، المطبوعة.

بلکه علم برترین گنجها و زیباترین آنهاست. حمل آن آسان و فایده آن بسیار است. در میان مردم باعث آبرو و در تنهایی باعث اُنس است، و علمی که نافع نباشد مثل گنجی است که از آن انفاق نشود و بهره برداری نکنند. و در روایت دیگری آمده است که علمی که به آن عمل نشود مانند گنجی است که از آن استفاده نشود؛ و در روایت سومی وارد شده است: دانش گنج است.

لذا برای موفقیت در تحصیل علوم دین ابتدا از مقدمات شروع کن که عبارت است از: صرف و نحو و پس از آن به علوم معانی و بیان و بدیع و منطق و کلام و عقاید حقه مذهب جعفری علیه السلام اشتغال داشته باش و پس از آن به تحصیل سطوح فقه و اصول مثل کتاب شرح لمعه دو شهید بزرگوار (که متن لمعه از شهید اول و شرح آن از شهید ثانی است) پرداز و کتاب معالم و اصول فقه مرحوم مظفر و فرائد الاصول (رسائل) و مکاسب شیخ اعظم انصاری و کفایه محقق آخوند خراسانی قدس سرهم را بخوان.

و بدان این سه کتاب آخر که ذکر شد از نظر معنا و محتوایی انتها هستند. و در نهایت بحث های عالی خارج فقه و اصول را در محضر فقهای بزرگ و مراجع تقلید یاد بگیر. در این مرحله به تحصیل علم رجال نیز مشغول باش؛ چرا که علم رجال و علم اصول برای فقیه همانند دو پا در استنباط احکام شرعی است و کسی نمی تواند احکام شرعی را استنباط کند مگر این که در این دو علم به درجه اجتهاد رسیده باشد. پس حضور تو در بحث های درس خارج حداقل باید پانزده سال باشد. لذا دو دوره کامل در اصول فقه شرکت کن و کتابهایی را نیز در فقه باید طی کنی که بعضی از آنها در عبادات است و بعضی در معاملات به معنی اعم یا به معنای اخص و برخی هم در موضوع پنج کتاب آخر دوره فقهیه است که اصطلاحاً آن را

وفي هذه الفترة فاسع في أخذ الإجازة الروائية من مراجع الطائفة وفقهائنا العظام لأجل اتصال السند بأئمة الهداة المعصومين عليهم السلام .

## الكنوز التي أنت تملكها

### إشاره

وليكن حضورك في البحث و الدرس حضور تفهّم و تعمّق و تعلّم، و قبل كلّ درسٍ عليك بمطالعتة ثم الحضور في الدرس ثم المطالعة بعد الدرس ثم المباحثة و إن تمكنت فعليك بتدريسه و كتابته.

و إياك و الغياب عن حلقة الدرس؛ لأنّ الدرس كحبات التسبيح و الغياب بمنزلة انقطاع خيطه فتفتلت و تنتثر الحبات و الدرر.

و أنت إذا سعيت كلّ سعيك بعد عشرين سنة أو خمسة و عشرين عاما تصل بإذن الله تعالى و مشيئته إلى مرتبة الاجتهاد. فإذا وصلت إليه فاحذر من مقام الإفتاء و لاتجعل رقبتك تحت أقدام الناس، و اعلم أنّ الخير بيد الله تعالى، و ما هو مقسوم لك في قضائه و قدره يصل إليك إن شاء الله تعالى.

و اترك هذه المرتبة لغيرك مادام هو موجودا. لأنّ حسابه في الآخرة صعبٌ و وقوفك أمام الله يطول، و العزّة في الدنيا و الآخرة بيد الله تعالى و هي لله و لرسوله و للمؤمنين.

ولكن لاتترك في عمرك التدريس و التأليف و التحقيق و الكتابة و الطباعة لأنّها عملنا و شغلنا و فعلنا و عمل آبائنا الكرام الأبرار و شغلهم و فعلهم.

و اعلم الآن أنت مالكٌ لعدّة من الكنوز إن شاء الله تعالى:

سیاسات می نامند.

و در این مرحله از تحصیل علم تلاش کن از مراجع طائفه امامیه و فقهای عظام ما، به خاطر اتصال سند به ائمه معصومین علیهم السلام اجازه روایت بگیری.

و حضور تو در درس و بحث از روی دقت و به قصد یادگیری و تعمق باشد. همچنین قبل از حضور در درس پیش مطالعه کن و بعد از درس هم باز مطالعه و پس از آن مباحثه کن. و اگر توانستی بر توباد به تدریس درس های گذشته و نوشتن آنها.

مبادا در جلسات درس و بحث غیبت داشته باشی؛ چراکه درس مثل دانه های تسییح است و غیبت در درس مثل پاره شدن نخ تسییح است که باعث می شود تمام دانه ها از هم جدا و پراکنده شوند.

و چنان چه در تحصیل علوم دینی نهایت سعی و تلاش خود را بکنی، بعد از بیست سال یا بیست و پنج سال به اذن و خواست خداوند متعال به درجه اجتهاد خواهی رسید. پس اگر به این موقعیت نائل شدی، بپرهیز از فتوا دادن و گردن خود را در زیر پاهای مردم قرار مده (مسئولیت دیگران را به عهده خودت نگیر) و بدان که خیر دست خداوند متعال است و آن چه در قضا و قدر الهی برای تو در نظر گرفته شده است به تو می رسد ان شاء الله تعالی. و این مسئولیت (فتوا دادن) را ترک کن و واگذار به دیگران، تا مادامی که افرادی هستند که این مسئولیت را بر عهده گیرند. چون در عالم آخرت محاسبه آن مشکل است و باعث طولانی شدن ایستادن تو در مقابل خدا به جهت محاسبه آن می شود و عزت در دنیا و آخرت در دست خدا و از آن خدا و رسول خدا و مؤمنین است.

در طول عمرت تدریس، تألیف و تحقیق و نوشتن و چاپ کتب را ترک نکن؛ به خاطر این که شغل و کار ما و پدران بزرگوار و نیکوکار ما همین بوده و هست.

و بدان که اکنون تو به خواست خداوند مالک گنجهایی هستی:



منها: حياتك و عمرک.

و منها: صحتك و سلامتك و عافيتك.

و منها: موهبتك و غيرها من قواک.

### الإيمان بالله تعالى و بنبيه صلى الله عليه و آله و بوصيه عليه السلام و الأئمة من ولده عليهم السلام

و منها: إيمانك و اعتقادك بالله تعالى و بنبيّه محمد رسول الله صلى الله عليه و آله و بوصيّه على ابن أبي طالب عليه السلام و أحد عشر من أولاده المعصومين عليهم السلام الذين مرّ ذكرهم في هذه الرسالة.

### الطاعة لله تعالى

و منها: طاعتك لله تعالى، لأنّه قال الرضا عليه السلام: من كان ممّا لم يطع الله عزوجلّ فليس ممّا، و أنت إذا أطعت الله عزوجلّ فأنت ممّا أهل البيت. (1)

### الصلاة

و منها: صلواتك من الفرائض و النوافل الرواتب و غيرها؛ لأنّه ورد في الحديث: الصلاة كنز من كنوز الجنة (2)، قال في مجمع البحرين: «أى: أجرها مدخّر لفاعلها و المتصف بها كما يدخّر الكنز الذي هو أنفس أموالكم». (3)

### التوكل على الله

و منها: توكلك على الله تعالى؛ فإنّه يعطيك القوة و القدرة للإتيان بالأعمال الصعبة المشكّلة كما قال الإمام الجواد عليه السلام: الثقة بالله ثمن لكلّ غالٍ و سلّم إلى كلّ عالٍ. (4)

ص: 64

1-1. عيون اخبار الرضا عليه السلام 2/232، ح 1.

2-2. مجمع البحرين 318/ من الطبع الحجري - 4/75 من طبع الحروفى.

3-3. المصدر نفسه.

4-4. أعلام الدين 309/ و نقل عنه فى بحار الأنوار 75/364.

از جمله آنها: زندگی و عمر تو.

و سلامتی و عافیت تو.

و استعدادت و دیگر نیروهایی که در اختیار توست

و ایمان و اعتقادی که به خداوند متعال داری و عقیده ای که به پیامبرش حضرت محمد رسول خدا صلی الله علیه و آله و جانشین او حضرت علی ابن ابی طالب علیه السلام و یازده نفر از اولاد معصومش علیهم السلام داری که قبلاً در این رساله از آنها یاد شد.

و از دیگر گنجها: اطاعت تو از خداوند متعال است که امام رضا علیه السلام می فرماید: کسی که ادعا کند از ما اهل بیت است و از خداوند اطاعت نکند، در حقیقت از ما نیست؛ و تو هر زمانی که از خداوند عزوجل اطاعت کردی از ما اهل بیت می باشی.

و از دیگر گنجها: نمازهای شبانه روزی واجب و مستحب و غیر آنهاست؛ زیرا در حدیثی چنین وارد شده است که نماز گنجی از گنجهای بهشت است. در توضیح این حدیث در کتاب مجمع البحرین چنین آمده است: «یعنی پاداش نماز برای انجام دهنده آن و کسی که آن را برپا دارد ذخیره شده است؛ همان گونه که گنج که از گرانبهاترین اموال شماست اندوخته می گردد».

و از دیگر گنجهایی که در اختیار تو می باشد: توکل به خداوند متعال است و این که خدا به تو نیرو و عطا فرموده تا کارهای سخت و مشکل را انجام دهی؛ همان طوری که امام جواد علیه السلام می فرماید: اطمینان به خداوند بهای هر چیز گرانبها و نردبان رسیدن به هر مقام بالایی است.

ص: 65

## أشعار أبي المجد فى التوكل

وقد قال جدنا العلامة أبى المجد قدس سره أبياتا فى هذا المجال أحب أن أذكرها لك:

بنى اسمع إلى قولى \*\*\* تكن منى على خُبرِ

حلبتُ الدهر شطريه \*\*\* فَمِنْ عُسْرٍ و مِنْ يُسْرِ

و ذُقْتُ الدهر طعميه \*\*\* فَمِنْ حُلُو و مِنْ مُرِّ

و عُمِّرْتُ و ذَرَفْتُ \*\*\* على الخمسين من عُمرى

فكم نائبة نابت \*\*\* فما ضاقَ بها صدرى

و حاشا أن يَضيقَ الصد \*\*\* زُمْنى و معى صبرى

إذا مشكلَةٌ عَنَّتْ \*\*\* و أعىى حَمْلُها فكرى

توكلتُ على اللّ \*\*\* ه و فَوَضْتُ له أمرى

كَبُرَ فى يد التّاج- \*\*\* ر بين الطّيّ و النّشْرِ

لِعَلِمى أن من أب \*\*\* دَعَ خَلقى كاشفُ ضرى

فَكَمَ مِنْ فَرَجٍ عنها \*\*\* أتى مِنْ حَيْثُ لا أُذرى (1)

## حبك لأمير المؤمنين عليه السلام

و منها: حبك لأمير المؤمنين عليه السلام يكون كنز الله لك؛ لأنه روى القاضى نعمان المصرى مرفوعة عن جابر بن عبد الله أبى إسحاق عن بصيرة بن مريم قال: قال رسول الله صلى الله عليه و آله لعلى عليه السلام: يا على أنت أخى و وصيى و خليفتى من بعدى و أبو و لدى تُقاتل على سنتى و تقضى دينى و يُنجز عِداتى. من أحببك فى حياتك فهو كنز الله له، و من أحببك بعد موتك ختم الله (2) له بالأمن و الأمان و من مات و هو يحبك فقد

ص: 66

1-1. ديوان أبى المجد /85.

2-2. ختم الله له، أى: صانه و منحه الأمن و الأمان.

و جدّ علامه ما مرحوم اَبی المجدد در این باره اشعاری دارد که دوست دارم برای تو آنها را ذکر کنم. ترجمه اشعار این است:

پسرم، به گفتار من گوش فراده که در این صورت ترا از روی آگاهی باخبر می‌کنم.

من هر دو روی سگه روزگار را دیده‌ام: هم سختی هایش را و هم آسانی هایش را دیده‌ام.

و طعم شیرینی‌ها و تلخی هایش را چشیده‌ام و در طول پنجاه سال که از عمرم گذشته است.

چه بسا سختی‌ها و مصائبی که بر من وارد شد ولی به خاطر آنها دلتنگ نشدم.

و تا زمانی که نعمت صبر را دارم هرگز سینه‌ام از سختی‌ها تنگ نمی‌شود.

و چه بسیار مشکلاتی که بر من وارد می‌شد و در حلّ آن فکر من مشکل‌گشا نبود.

و به خدا توکل می‌نمودم و کارم را به او واگذار می‌کردم.

مثل تاجری که طاقه‌ای از پارچه در دست اوست و به راحتی آن را باز می‌کند و می‌پیچد (کارم را به خدا واگذار می‌کردم).

چرا که می‌دانستم آن خدایی که مرا در ابتدا آفرید مشکلات و سختی‌های مرا برطرف می‌کند.

چه بسیار اتفاق افتاد که گشایش کارهای مهمّ من از راه‌هایی انجام می‌گرفت که من هیچ اطلاعی از آن نداشتم.

و از دیگر گنجها: این است که دوستدار حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام باشی که در این صورت این دوستی گنج خداوند برای توست؛ به خاطر این که قاضی نُعمان مصری در حدیث مرفوعه‌ای از جابر بن عبدالله ابو اسحاق از بصیرة بن مریم چنین روایت کرده که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به حضرت علی علیه السلام فرمود: ای علی، تو برادر من و وصی من و جانشین من بعد از من و پدر فرزندان من هستی و به خاطر دفاع از سنت من جنگ می‌کنی و قرض مرا ادا می‌نمایی و به وعده‌های من وفا می‌کنی. کسی که دوستدار تو در زمان حیاتت باشد، این دوستی گنج خدا برای اوست؛ و هر کس بعد از مرگ تو دوستدار تو باشد، خداوند سرنوشت او را قرین سلامت و امنیت قرار می‌دهد؛ و کسی که با دوستی تو از دنیا برود،

نَحْبُه بَرِينَا مِنَ الْآثَامِ. وَ مِنْ مَاتَ وَ هُوَ يَبْغِضُكَ مَاتَ مَيْتَةً جَاهِلِيَّةً وَ حَوْسِبَ بِمَا عَمِلَ فِي الْإِسْلَامِ. (1)

## التوسل

و منها: توسلک بالأئمة المعصومين عليهم السلام؛ فإنه من أعظم طرق النجاة في دنياک و آخرتک.

## الدعاء

و منها: دعاؤک لربک الجليل في جميع الأحوال و الأحيان و لكافة الحوائج و الخلات؛ وليكن الأئمة المعصومون عليهم السلام وسائلک إلى ربک و وسائلک بينک و بين ربک و شفعاک بينه و بينک.

## التهجد

و منها: تهجدک في آناء الليل و الناس نيام و مناجاتک لربک في الأسحار و اعلم أنّ «القصدي إلى الله تعالى بالقلوب أبلغ من إعتاب الجوارح بالأعمال» كما عن الإمام أبي جعفر عليه السلام. (2)

## التوبة

و منها: توبتک إلى الله تعالى و استغفارک إياه في الليل و النهار و جميع الآثام من الذنوب و الخطايا و الآثام.

روى الكفعمي مرفوعاً عن الصادق عليه السلام قال: من قال كل يوم أربعمئة مرة مدة شهرين متتابعين، رُزِقَ كنزاً من علمٍ أو كنزاً من مالٍ: أستغفر الله الذي لا إله إلا هو الرحمن الرحيم الحي القيوم، بديع السموات و الأرض من جميع ظلمي و جرمي و

ص: 68

---

1-1. شرح الاخبار في فضائل الأئمة الأطهار 1/113 ح 35.

2-2. الدرر الباهرة 55/ و نقل عنه في بحار الأنوار 75/364، كشف الغمة 3/525، و أورده الحلواني في نزهة الناظر 134/ ح 2.

براستی به عهد خود وفا کرده و در حالی که از گناهان خود پاک شده از دنیا رفته است. و کسی که با بغض تو بمیرد به مرگ جاهلیت مرده است و طبق آنچه باید در اسلام به آن عمل می کرد به اعمال او رسیدگی می شود و مورد حسابرسی قرار می گیرد.

و از گنجهایی که در اختیار توست: توفیق توّسل به امامان معصوم علیهم السلام می باشد که از بزرگ ترین راه های نجات در دنیا و آخرت توست.

و از جمله گنجهایی که در دست توست: توفیق دعا به درگاه پروردگار جلیل و بزرگ در تمام حالات و زمان ها و برای همه حاجتها و کمبودهایت. و باید امامان معصوم علیهم السلام وسیله و واسطه بین تو و خدا و شفیع تو در نزد خدا باشند.

و از دیگر گنجها: توفیق تهجد و راز و نیاز با خدا در دل شب است، آن هم در حالی که مردم در خوابند و نیز مناجات سحرگهان و بدان که «توجه به درگاه خدای متعال با دل، رساتر و مهم تر از به رنج انداختن اعضا و جوارح در اعمال سخت است»؛ چنان که این مطلب از امام باقر علیه السلام نقل شده است.

و از گنجهای دیگر: توفیق توبه به درگاه خداوند و طلب آمرزش از خدای متعال در شب و روز و در تمام لحظات زندگی از گناهان و خطاها و لغزش هاست.

شیخ کفعمی در حدیثی مرفوع از امام صادق علیه السلام نقل کرده که آن حضرت فرمودند: هرکس به مدّت دو ماه هر روز پی در پی چهارصد مرتبه این ذکر استغفار را بگوید، گنجی از علم و یا گنجی از مال روزی او می شود: «از خداوندی که معبودی جز او نیست و بخشنده و مهربان و زنده و پایدار است و پدید آورنده آسمان ها و زمین است آمرزش می خواهم برای تمام ستم ها و گناهان و

## قراءة القرآن

و منها: قراءة تك للقرآن الكريم؛ لأن رسول الله صلى الله عليه وآله قال: لا يعذب الله قلبا وعى القرآن.(2)

## الصدقة

و منها: تصدقك على الفقراء وأرباب الحاجة؛ كما قال رسول الله صلى الله عليه وآله : نَعَمْ الكَنْزُ الصَّدَقَةُ.(3)

## الإففاق

و منها: إففاقك إلى مستحقيها؛ لأن الله تعالى مثلها بـ «حبة أنبت سبع سنابل فيكل سنبله مائة حبة» والله يضاعف لمن يشاء والله واسع عليم(4)، ونقل أبو الفتوح الرازى رواية مفصلة فى ذيلها و ورد فيها: أخرج جبرئيل لك [أى لأمير المؤمنين عليه السلام بجهة إففاقه ديناراً على المقداد بن الأسود] كنزاً من كنوز الأرض، الحديث.(5)

و ورد فى صحيحة صفوان بن يحيى عن أبى الحسن الرضا عليه السلام قال: دخل عليه مولى له فقال له: هل أنفقت اليوم شيئاً؟ قال: لا والله، فقال أبو الحسن عليه السلام: فمن أين يخلف الله علينا، أنفق ولو درهما واحداً.(6)

## الوادة

و منها: والدتك و أنا أوصيك بها ثم أوصيك بها. فليس لها بعد الله تعالى غيرك. فكن لها ولداً باراً و لاتنس ما نقل الله تعالى عن عيسى عليه السلام و أمره به حيث قال:

ص: 70

1-1. المصباح/63 و نقل عنه فى وسائل الشيعة 7/225 ح 21، الباب 48 من أبواب الذكر.

2-2. أمالى الشيخ الطوسى، المجلس الاول ح 8/7 الرقم 8.

3-3. نبذة من كتاب جواهر الكلام/465 ح 239 للآمدى المطبوعة ضمن مجلة تراثنا، العدد 91 و 92.

4-4. سورة البقرة/261.

5-5. راجع تفصيل الرواية فى تفسيره روض الجنان 4/(43-48).

6-6. الكافى 4/44 و نقلت عنه فى موسوعة احاديث أهل البيت عليهم السلام 1/470 ح 14.

زیاده روی در گناه که به ضرر خود انجام داده ام و به درگاه او توبه می کنم».

و از دیگر گنجها: قرائت قرآن کریم است؛ به خاطر این که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: خدا قلبی را که جایگاه قرآن باشد عذاب نخواهد کرد.

و از دیگر گنجها: صدقه دادن تو به فقیران و نیازمندان است چنان که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: صدقه گنجی نیکوست.

و از دیگر گنجها: این است که به مستحقان انفاق کنی؛ زیرا خداوند متعال انفاق را به دانه ای مثال زده است که وقتی در زمین کاشته شود هفت خوشه از آن یک دانه به عمل می آید که در هر خوشه ای صد دانه می باشد. و ابوالفتح رازی روایتی طولانی را در ذیل این آیه آورده و در ضمن آن روایت این عبارت آمده است که پیامبر صلی الله علیه و آله به حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: جبرئیل برای توبه به جهت اینکه یک دینار به مقداد بن اسود بخشیدی گنجی از گنجهای زمین را بیرون آورد.

و در صحیح صنفوان بن یحیی از امام رضا علیه السلام وارد شده است که صفوان می گوید: غلام آن حضرت نزد امام آمد. حضرت فرمود: آیا امروز چیزی را انفاق کرده ای؟ عرض کرد: نه به خدا. امام فرمود: پس از کجا خداوند برای ما جایگزین برساند؟! انفاق کن اگرچه به اندازه یک درهم باشد.

و از دیگر گنجهایی که در اختیار توست مادرت می باشد. و من تو را توصیه می کنم نسبت به او و مجدداً تو را درباره او وصیت و سفارش می کنم؛ چرا که او بعد از خدای متعال کسی غیر از تو را ندارد. پس برای او فرزند نیکوکاری باش و فراموش نکن آن چه را خداوند متعال از حضرت عیسی علیه السلام نقل نموده است: (که در گهواره و هنگام طفولیت این جملات را بر زبان جاری کرد):



«و أوصانى بالصلاة و الزكاة مادمتُ حيًّا\* و برًّا بوالدتي و لم يجعلني جبارا شقيًّا». (1)

و اعلم بأن رضائي في رضاها و قال رسول الله صلى الله عليه و آله : رضا الله مع رضا الوالدين و سخط الله مع سخط الوالدين. (2)

و روى: أن امرأة أتت إلى النبي صلى الله عليه و آله فقالت: إن أمي بلغت عندي من الكبر حتى وليتُ منها مثل الذي وليتُ مني، و كنتُ أنظفها ممًا ينظف منه الصبي، فهل بلغت يا رسول الله أداء ما كان لها؟ قال: لا، لأنك وليتِ منها مثل الذي ذكرتِ و أنتِ تحبين الراحة منها، و ولتِ ذلك منكِ و هي تحبُّ بقاءكِ. (3)

## الإعتبار و ماء الوجه

و منها: اعتبارك و ماء وجهك.

## الرزق على الله تعالى

و منها: تكفل خالقك بإعطاء رزقك؛ لأنه تعالى يقول: «ما من دابة في الأرض إلا على الله رزقها» (4). «و كأتين من دابة لا تحمل رزقها الله يرزقها و إياكم و هو السميع العليم» (5).

## القناعة

و منها: قناعتك في كلِّ شيءٍ؛ فإن القناعة كنزٌ لا يفنى. (6)

و عن أمير المؤمنين عليه السلام أنه قال: ... و لا كنز أغنى من القناعة (7)، و عنه عليه السلام قال:

ص: 72

1-1. سورة مريم /32 و 31.

2-2. موسوعة أحاديث أهل البيت عليهم السلام 2/41، ح 10.

3-3. التعريف بوجوب حق الوالدين /33 لأبي الفتوح الكراجكي.

4-4. سورة هود /6.

5-5. سورة العنكبوت/60.

6-6. روضة الواعظين /456 و نقل عنه في مستدرک الوسائل 15/226، ح 12.

7-7. نهج البلاغة، الحكمة 371.

(... و خدا مرا سفارش به نماز و زکات نمود تا زمانی که زنده ام و توصیه کرد که نسبت به مادرم نیکوکار باشم و مرا سرکش و بدبخت قرار نداد).

و بدان که رضایت و خشنودی من از تو در گرو رضایت و خشنودی اوست. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: رضایت خدا در رضایت پدر و مادر است و خشم خدا نیز با خشم پدر و مادر است.

روایت شده است که زنی به محضر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شرفیاب شد و عرض کرد: مادر من در اثر کهولت سنّ به جایی رسیده است که من او را سرپرستی و نگهداری می کنم مثل سرپرستی و نگهداری او از من در کودکیم و حتی من او را تمیز می کنم مثل مادری که بچه اش را تمیز می کند. آیا حقّ مادرم را با این زحمات ادا کرده ام یا نه؟ پیامبر فرمود: خیر، چون تو تمام این کارها را در حالی در حقّ او انجام می دهی که دوست داری از دست او راحت شوی (هرچه زودتر او از دنیا برود)؛ و مادر تو در کودکی تو این کارها را در حالی در حقّ تو انجام می داد که دوست داشت تو زنده بمانی.

و از دیگر گنجها که در نزد توست اعتبارت و در بین مردم و آبروی توست.

و از دیگر گنجها: این است که خدا روزی تو را به عهده گرفته است و به تو می رساند؛ چراکه فرموده است: (هیچ جنبه ای در روی زمین نیست مگر این که روزی او بر عهده خداست.) و در آیه دیگر می فرماید: (و بسا جنبنده ای که روزی خود را حمل نمی کند خداوند روزی او و شما را می دهد و اوست شنوای دانا).

و از دیگر گنجها: قناعت تو در همه چیز است؛ زیرا طبق فرمایش حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله: قناعت گنجی است که هرگز از بین نمی رود.

و از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده است که آن حضرت فرمودند: ... و هیچ گنجی به اندازه قناعت انسان را بی نیاز نمی کند. و در روایت دیگری می فرمایند:

كفى بالقناعة مُلكاً. (1)

وَسُئِلَ الإمام الرضا عليه السلام عن القناعة، فقال: القناعة تَجْمَعُ إلى صيانة النفس وِعزَّ القَدْرِ، طَرَحَ مُؤْنِ الاستكثار والتَّعَبُّدَ لأهل الدنيا. و لا يسلك طريقَ القناعةِ إلا رجلاً: إمَّا مُتَقَلِّلٌ يريدُ أجرَ الآخرة، أو كريمٌ مُتَنَزِّعٌ عن لِنَامِ الناسِ. (2)

### الخلق الحسن

ومنها: خُلِقَ الحسن وأدبك حيال خلق الله تعالى. وقد ورد عن مولانا أمير المؤمنين عليه السلام: في سعة الأخلاق كنوز الأرزاق. (3)

### الصبر

ومنها: صبرك في دهرك؛ لأنَّ الصبر كنز من كنوز الجنة كما قاله نبيك محمد المصطفى صلى الله عليه وآله. (4)

### الأيام

ومنها: الأيام تهتك لك الأمر عن الأسرار الكامنة كما عن أبي جعفر الجواد عليه السلام. (5)

### لا تظهر الشيء قبل أن يستحكم

ومنها: إظهار الشيء قبل أن يستحكم مفسدة له؛ كما عن أبي جعفر الجواد عليه السلام. (6)

### لا تتق قبل الاختبار

ومنها: من انقاد إلى الطمأنينة قبل الخبرة، فقد عرض نفسه للهلكة والعاقبة

ص: 74

1-1. نهج البلاغة، الحكمة 229.

2-2. نثر الدر 1/361 لمنصور بن الحسين الآبي المتوفى 421ق، تحقيق محمد علي قرنة، طبع مصر.

3-3. بحار الأنوار 78/53.

4-4. مسكن الفواد 47/ ونقل عنه في مستدرک الوسائل 2/425، ح 23.

5-5. أعلام الدين 310/ ونقل عنه في بحار الأنوار 75/365.

6-6. تحف العقول 457/؛ المحاسن 2/603.

قناعت برای پادشاهی کافی است (همانند سلطنت و پادشاهی انسان را بی نیاز می کند).

از امام رضا علیه السلام درباره قناعت سؤال شد، حضرت فرمودند: قناعت برای انسان چهار فایده را جمع می کند: اول، پاک نگه داشتن نفس؛ دوم، بالا بردن قدر و منزلت انسان؛ و سوم، کنار گذاشتن زحمات و هزینه های زیادی؛ و چهارم، دوری جستن از اطاعت مردم دنیا. و دو نفر در واقع راه قناعت را پیش می گیرند: کسی که به مال کم دنیا بسنده می کند به خاطر این که به اجر اخروی نائل شود و انسان کریمی که از انسان های پست خود را دور نگه می دارد.

و از دیگر گنجها: اخلاق نیک و ادب تو نسبت به خلق خداست و از مولای ما حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام روایتی وارد شده است که فرموده اند: گنجهای روزی ها در گشاده رویی و خوش اخلاقی است.

و از دیگر گنجها: صبر تو در روزگارت می باشد؛ چرا که طبق گفتار پیامبر تو محمد مصطفی صلی الله علیه و آله صبر گنجی از گنجهای بهشت است.

و از دیگر گنجها: روزگار است که برای تو بعضی از اسرار و حقایق پنهان را آشکار می کند؛ و این سخن را امام جواد علیه السلام فرموده اند.

و از دیگر گنجها: این سخن است که: «اظهار کردن هر امری قبل از آن که قطعی گردد، از بین بردن آن کار است»؛ که از امام جواد علیه السلام نقل شده است.

و از دیگر گنجها: این حدیث است که: «کسی که به دیگران قبل از آزمودن آنها اعتماد کند، خود را در معرض هلاکت قرار داده و گرفتار عاقبت

المتعبة؛ كما عن أبي جعفر الجواد عليه السلام (1).

## الصمت

ومنها: صمتك في محالها؛ لأن الصمت كنز وافر وزَيْن الحليم وستر الجاهل؛ كما قاله الإمام الصادق عليه السلام (2).

## الانتظار للصلاة

ومنها: انتظارك للصلاة؛ بعد الصلاة؛ فإنه كنز من كنوز الجنة؛ كما قاله نبيك خاتم الأنبياء والمرسلين صلى الله عليه وآله (3).

## سورة الحمد

ومنها: قراءة سورة الحمد؛ فإنها من كنز الجنة؛ كما عن رسول الله صلى الله عليه وآله (4).

## آية الكرسي

ومنها: قراءة آية الكرسي؛ فإنها من كنز تحت العرش كما قال أبو عبدالرحمن القاسم بن عبدالرحمن أخبره عن صُدِّي أبي أمامة الباهلي: أنه سمع علي بن أبي طالب عليه السلام يقول: ما أرى رجلاً أدرك عقله الإسلام وولد في الإسلام يبيت ليلة سوادها -قلت (5): و ما سوادها يا أبا أمامة؟ قال: جميعها- حتى يقرأ هذه الآية: «اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ» فقرأ الآية إلى قوله: «الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ» (6)؛ ثم قال: فلو تعلمون ما هي - أو قال: ما فيها- لما تركتموها على حال، إن رسول الله صلى الله عليه وآله أخبرني قال: أُعْطِيَتْ آيَةُ الْكُرْسِيِّ مِنْ كَنْزٍ تَحْتَ الْعَرْشِ وَلَمْ يُؤْتَهَا نَبِيٌّ كَانَ قَبْلِي. قال علي عليه السلام: فما بت ليلة قط منذ سمعتها من رسول الله صلى الله عليه وآله حتى أقرأها.

ص: 76

1-1. الدرّة الباهرة/56 ونقل عنه في بحار الأنوار 75/364.

2-2. الفقيه 4/396، ح 5843.

3-3. التهذيب 2/237.

4-4. بحار الأنوار 83/21 من طبع بيروت.

5-5. القائل هو أبو عبدالرحمن القاسم بن عبدالرحمن، يسأل من أبي أمامة.

6-6. سورة البقرة 2/255.

پُر از رنج و سختی می شود».

و از دیگر گنجها: این است که ساکت باشی در جای خود؛ زیرا سکوت گنجی بزرگ و زینت انسان بردبار و باعث پوشش شخص نادان است؛ چنان که از امام صادق علیه السلام نقل شده است.

و از دیگر گنجها: این است که بعد از انجام هر نماز در انتظار نماز باشی، زیرا این حالت گنجی از گنجهای بهشت است؛ همان گونه که پیامبر تو که آخرین پیامبران است چنین مطلبی را فرموده اند.

و از دیگر گنجها: این است که سوره مبارکه حمد را بخوانی که این سوره از گنجهای بهشت است؛ که این حقیقت را نیز پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده است.

و از دیگر گنجها: قرائت آیه الکرسی می باشد که این آیه از گنج زیر عرش الهی است؛ چنان که قاسم بن عبدالرحمن از صدی ابی امامه باهلی روایت نموده که از حضرت علی ابن ابی طالب علیه السلام شنیده حضرت فرمود: برای مردی که عقل او اسلام را درک کرده است و در اسلام متولد شده است شایسته نمی بینم که سیاهی شب را بخوابد (قاسم گوید به ابی امامه گفتیم؟ منظور از سیاهی شب چیست؟ گفت: همه شب) مگر اینکه این آیه را «اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ» تا «الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ» بخواند. سپس فرمود: اگر بدانید که در این کار چه ارزشی است یا فرمود: چه اجر و پاداشی در این قرائت است هرگز آن را در هیچ حالی ترک نمی کردید. همانا پیامبر صلی الله علیه و آله به من خبر داد که آیه الکرسی گنجی از زیر عرش است که به من عطا شده است و به پیامبری قبل از من داده نشده است. پس حضرت علی علیه السلام فرمود: من از زمانی که این مطلب را از پیامبر شنیدم حتی یک شب هم نخوابیدم مگر این که این آیه را خواندم.

ص: 77

ثم قال: يا أبا أمامة، إنني أقرأها ثلاثاً مرّات في ثلاثة أحيان (1) من كل ليلةٍ فقلت: وكيف تصنع في قرائتك لها يابن عمّ محمّد صلى الله عليه وآله؟ قال: أقرأها قبل الركعتين بعد صلاة عشاء الآخرة. فوالله ما تركتها مذ سمعتُ هذا الخبر عن نبيكم صلى الله عليه وآله حتى أخبرتك به. (2)

## آيتان من آخر سورة البقرة

ومنها آيتان من خاتمة سورة البقرة لأنّ الصدوق روى بإسناده عن جابر بن عبد الله قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله في حديث نقلاً من الله تعالى: واعطيتك لك ولأمتك كنزاً من كنوز عرشي فاتحة الكتاب وخاتمة سورة البقرة، الحديث (3).

وروى عن النبي صلى الله عليه وآله أنه قال: أوتيتُ خواتيم سورة البقرة من كنز تحت العرش لم يُؤتَهَنَّ نبي قبلي (4).

وعن علقمة بن قيس عن عقبة بن عمرو قال: سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: أنزل الله عزّ وجلّ آيتين من كنوز العرش كتبهما الرحمن عزّ وجلّ [بيده] (5) قبل أن يخلق الخلق بألفي سنة من قرأهما بعد العشاء الآخرة مرّتين أجزأتا عنه قيام الليل: آمن الرسول. إلى آخر السورة (6).

ص: 78

- 1-1. جمع حين.
- 2-2. أمالي الشيخ الطوسي، المجلس الثامن عشر ح 508/19 الرقم 1112.
- 3-3. علل الشرايع 128/ ح 3
- 4-4. جوامع الجامع 157/1؛ الكشاف 333/1.
- 5-5. الزيادة من تفسير منهج الصادقين 169/2.
- 6-6. الكشاف والبيان المعروف بتفسير الثعلبي 303/2؛ منهج الصادقين 169/2.

بعد از آن فرمود: همانا من این آیه را سه مرتبه در سه زمان در هر شب می خوانم. من عرض کردم که ای پسرعموی پیامبر، درباره قرائت این آیه چگونه عمل می کنید؟ فرمودند: من آن را قبل از دو رکعت نافله عشا، بعد از نماز عشا (قبل از نافله عشا و بعد از نماز فریضه عشا) می خوانم. به خدا قسم از زمانی که این خبر را از پیامبر شما شنیدم هرگز آن را ترک نکردم تا به تو خبر دادم.

و از دیگر گنجها دو آیه آخر سوره بقره است چون شیخ صدوق به سند متصلش از جابر بن عبدالله از پیامبر صلی الله علیه و آله در حدیثی نقل میکنند که خدای عزوجل به پیامبر صلی الله علیه و آله چنین فرمود: و به تو و به امت تو گنجی از گنجهای عرش خودم را عطا کردم و آن سوره حمد و دو آیه پایانی سوره بقره است.

و از رسول خدا صلی الله علیه و آله چنین نقل شده است که فرمود: دو آیه آخر سوره بقره از گنج زیر عرش الهی به من داده شده و به هیچ پیامبری قبل از من چنین چیزی داده نشده است.

علقمة بن قیس از عقبه بن عمرو نقل میکنند که از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم، فرمود: «حق سبحانه این دو آیه را انزال فرمود از گنجهای بهشت و آن را به ید قدرت خود نوشته خداوند بخشنده پیش از آنکه خلق آسمان و زمین، کند به دو هزار سال هر که بعد از نماز خفتن قرائت کند کفایت کند قیام شب او را، یعنی همچنان باشد که همه شب را احیا کرده باشد ب\_ه

عبادت و طاعت». (1)

ص: 79



و عن علي عليه السلام خواتيم سورة البقرة من كنز تحت العرش. (1)

## سورة القدر

و منها: قرائتك سورة القدر؛ لأنها كنز القرآن؛ كما عن الإمام الصادق عليه السلام. (2)

## سورة المؤمنين

و منها: روى عن النبي صلى الله عليه وآله أنه قال: أولها [أى أول سورة المؤمنين] و آخرها من كنوز الجنة. مَنْ عَمِلَ بثلاث آيات من أولها واتَّعَظَ بأربعٍ مِنْ آخرها، فقد نجا وأفلح. (3)

## الصلاة على محمد وآله

و منها: صلاتك على محمد صلى الله عليه وآله و آل محمد عليهم السلام؛ كما ورد في صحيحة محمد بن مسلم عن أحدهما عليهما السلام قال: ما فى الميزان شىءٌ أثقلَ من الصلاة على محمد و آل محمد، وإنَّ الرجلَ لتوضعَ أعمالُه فى الميزان، فتميل به فيخرج الصلاة عليه فيضعها فيميزانه فيرجح [به]. (4)

و روى معاوية بن عمارة عن جعفر بن محمد عليه السلام قال: من صَلَّى على محمد و آلِه مائة مرة، قضى الله له مائة حاجة. (5)

راجع فى هذا المجال موسوعتى الحديثية 6/128 و جامع أحاديث الشيعة 19/536.

## كلمة التوحيد

و منها: كلمة التوحيد؛ كما ورد فى معتبرة بل صحيحة مالك بن أعين عن أبى عبد الله عليه السلام قال: من قال مائة مرة: «لا إله إلا الله الملك الحق المبين»، أعاده الله

ص: 80

1- الكشاف 334/1

2- 3. المصباح للكفعمى 588/ و نقل عنه فى مستدرک الوسائل 4/363، ح 145.

3- 4. منهج الصادقين 6/203، أنوار التنزيل المعروف بتفسير البيضاوى 290/ من الطبع الحجرى، التفسير الكبير للفخر الرازى 23/128 و فيه: «من كنوز العرش»، خواص الآيات 91/ من الطبع الحجرى لعننا آية الله الشيخ محمدتقى آقاالنجفى الاصفهانى قدس سره .

4- 5. الكافى 2/494 ح 15.

5- 1. كشف الغمة 3/165.

و از علی علیه السلام روایت است که فرمود: دو ایه آخر سوره بقره از گنج زیر عرش الهی است.

و از دیگر گنجها: تلاوت سوره مبارکه قدر است؛ چون این سوره به فرموده امام صادق علیه السلام گنج قرآن است.

و از دیگر گنجها: روایتی است از پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله نقل شده که فرموده است: اول سوره مؤمنون و آخر آن از گنجهای بهشت است. هر که به سه آیه اول آن عمل کند و از چهار آیه آخر آن پند گیرد، نجات یابد و رستگار گردد.

و از دیگر گنجها: صلوات تو بر حضرت محمد و خاندانش است؛ چنان که در صحیحہ محمد بن مسلم به نقل از یکی از آن دو بزرگوار (امام باقر و امام صادق علیهما السلام) آمده است که حضرت فرمود: در میزان هیچ چیزی از صلوات بر حضرت محمد و آل محمد سنگین تر نیست. و همانا اعمال مردی را در میزان قرار می دهند و نزدیک است که طرف کفّه اعمال صالحه سبک شود که ثواب صلوات، اعمال صالحه را سنگین می کند و برتری می بخشد.

و معاویه بن عمّار از امام جعفر صادق علیه السلام روایت نموده که حضرت فرمود: کسی که صد مرتبه بر حضرت محمد صلی الله علیه و آله و آل محمد علیهم السلام

صلوات بفرستد، خداوند صد حاجت او را برآورده می کند.

در این باره (آثار و برکات صلوات) به کتاب دائرة المعارف حدیثی من ج 6، ص 128 و جامع احادیث شیعه ج 19، ص 536 مراجعه کن.

و از دیگر گنجها: کلمه توحید است؛ همان طوری که در حدیث معتبره بلکه صحیحہ مالک بن اعین از امام صادق علیه السلام وارد شده است که حضرت فرمود: هر کس صد مرتبه بگوید: لا إله إلا الله، الملك الحقّ المبین، خداوند

العزیز الجبّار من الفقر، وأنس وحشة قبره، واستجلب الغنى، واستقرع باب الجنة. (1)

وروی الإبلی نحوها فی كشف الغمة 3/169 ولأجل ثواب كلمة التوحيد راجع أول كتاب ثواب الأعمال لشيخنا الصدوق قدس سره .

## المعروف

ومنها: معروفك إلى الغير؛ فإنه كنز من أفضل الكنوز فلا يزهّدنك في المعروف كنز من كفره ولا جُحود من جحده كما عن أميرالمؤمنين عليه السلام. (2) وكذا روى الآمدى عنه عليه السلام قال: المعروف كنز. (3) وعنه عليه السلام: المعروف كنز من أفضل الكنوز، وزرع من أنمى الزروع، وحصن من أحصن الحصون. (4)

## محبة القلوب إليك

ومنها: محبة القلوب إليك فإنها أنفع الكنوز؛ كما عن أميرالمؤمنين عليه السلام. (5)

## إياك و معادة الرجال

ومنها: إياك و معادة الرجال؛ لأن سيدي و مولاي على بن الحسين عليه السلام قال لابنه: يا بني، إياك و معادة الرجال؛ فإنه لن يعدمك مكرٌ حليم و مفاجأةً لئيم. (6)

## العمل

ومنها: عملك كما عن النبي صلى الله عليه وآله في حديث: العمل كنز. (7)

وعن على عليه السلام أنه قال في حديث: وليكن أحبّ الكنوز إليك و أوثقها عندك

ص: 82

1-2. ثواب الأعمال /22.

2-3. الجعفریات /235 و نقل عنه في مستدرک الوسائل 4/363، ح 145.

3-4. الغرر و الدرر للآمدى، ح 219.

4-5. تمام نهج البلاغة، 5/244، تأليف السيد صادق الموسوى الشيرازى.

5-6. غررالحكم، ح 335.

6-7. نثرالدر 1/338؛ كشف الغمة 3/61.

7-1. بحار الأنوار 74/183، ح 28.

عزیز جبار او را از فقر در پناه خود قرار می دهد و با او در وحشتِ قبر اُنس می گیرد و وی را بی نیازش می کند و با این کار در بهشت را کوبیده است.

و اربلی شبیه همین حدیث را در کشف الغمّة ج 3، ص 169 روایت نموده است؛ و برای ثواب کلمه توحید به اوّل کتاب ثواب الأعمال شیخ صدوق قدس سره مراجعه کن.

و از دیگر گنجها: رساندن خیر و نیکی به دیگران است که از بهترین گنجها به شمار می آید و از انجام خیر و نیکی در حقّ دیگران دریغ نکن. پس مبادا خیر رساندن به دیگران را به جهت ناسپاسی کسی که به او خیر رسانده ای کم کنی، یا به خاطر آنکه آن فرد ناسپاس خیر و خوبی رساندن تو را انکار کرده است؛ و این سخن از امیرالمؤمنین علیه السلام است. و همین طور آمدی از ایشان علیه السلام روایت نموده است که فرمودند: «انجام کارهای نیک گنج است». و از او علیه السلام روایت شده است که فرمود: «انجام کار شایسته و خیر رساندن به دیگران از بهترین گنجهاست و از زراعتهایی است که بیشترین نتیجه را در پی دارد و دژ محکمی است که از محکمترین دژها شمرده می شود».

و از دیگر گنجها: محبت تو در دل مردم است؛ و در کلام امیر المؤمنین علیه السلام این گنج از سودمندترین گنجها شمرده شده است.

و از دیگر گنجها: پرهیز از دشمنی کردن با مردم است؛ زیرا آقا و مولا و پیشوای من علی بن الحسین علیه السلام به فرزندشان فرمودند: ای فرزندم، پرهیز از دشمنی با مردم چون برای تو جز حيله دراز مدت انسان بردبار و برخورد سریع انسان پست چیزی را به دنبال ندارد.

و از دیگر گنجها: کردار توست؛ همان طوری که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در حدیثی فرمودند: عمل انسان گنج است.

و از علی علیه السلام نقل شده است که آن حضرت فرمودند: دوست داشتنی ترین گنجها در نزد تو

نفعاً وعائدةً الاستكثارُ من صالح الأعمال و اعتقاد صالح الآثار. (1)

وقال عليه السلام: من كنوز البرِّ إخفاء العمل والصبر على الرِّزايا و كتمان المصائب. (2)

## التقوى

ومنها: تقواك كما عن أمير المؤمنين عليه السلام أنه قال: فإنَّ التقوى أفضلُ كنزٍ و أحرزُ حرزٍ و أعزُّ عزٍّ. (3)

## الصلاة في أول يوم من رجب

ومنها: صلاتك في أول يوم من رجب عَشْرَ ركعاتٍ تقرأ في كلِّ ركعة فاتحة الكتاب مرَّةً و قل هو الله أحد ثلاث مرَّات؛ فإنَّها من غرائب الكنز كما روى عن رسول الله صلى الله عليه وآله. (4)

## دعاء لأبي عبدالله عليه السلام

ومنها: دعاؤك بما ورد عن أبي عبدالله عليه السلام؛ فإنَّه كنزٌ هو خيرٌ من الدنيا و ما فيها و هو سرٌّ من سرِّ رسول الله صلى الله عليه وآله . فاحتفظ به و لاتعلمه إلا لمن تثق به. وإنَّه دعاءٌ لا يسأل الله عزوجل شيئاً إلا أعطاه قائله. (5)

## الجوشن الكبير

ومنها: دعاؤك الله تعالى بدعاء الجوشن الكبير المعروف؛ فإنَّه كنز من كنوز الله تعالى كما عن الإمام الحسين الشهيد عليه السلام. (6)

## كلمات من كنوز العرش

ومنها: إن تُردَّ كلماتٍ من كنوز العرش، فاقراء الدعاء الذي نزل به جبرئيل عليه السلام من السماء ضاحكا مستبشرا، و هديَّةً من الله تعالى إلى رسوله صلى الله عليه وآله. (7)

ص: 84

1-2. دعائم الإسلام 1/345 و نقل عنه في مستدرک الوسائل 13/145.

2-3. عيون أخبار الرضا عليه السلام 2/38، ح 105، صحيفة الإمام الرضا عليه السلام 66/، ح 119.

3-4. بحار الأنوار 74/374، ح 36.

4-5. إقبال الأعمال 637/.

5-6. راجع بحار الأنوار 92/204، ح 38.

6-7. بحار الأنوار 91/402.

7-1. بحار الأنوار 92/198، ح 32.

و با اعتمادترین آنها از نظر نفع و سودمندی این است که هرچه بیشتر کارهای شایسته را انجام دهی و به آثار و برکات باارزش چنین اعمالی اعتقاد داشته باشی.

و در حدیث دیگری فرمودند: از گنجهای نیکی پنهان انجام دادن کارهای خیر و بردباری در سختی ها و پنهان نمودن مصیبت ها می باشد.

و از دیگر گنجها: این است که تقوای الهی را پیشه خودسازی؛ همان طوری که از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده است: تقوی برترین گنج و بهترین حرز و عزیزترین عزت است.

و از دیگر گنجها: نمازی است که در اولین روز ماه رجب آن را انجام می دهی و آن ده رکعت می باشد: در هر رکعت یک بار سوره حمد و سه بار سوره توحید را می خوانی که از عجیب ترین گنجهاست؛ همان طور که پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است.

و از دیگر گنجها: دعایی است که از امام صادق علیه السلام نقل شده؛ و به راستی آن گنجی است بهتر از دنیا و آن چه در دنیاست. و رازی از رازهای رسول الله صلی الله علیه و آله است. پس این دعا را نگهداری کن و جز به کسی که به او اعتماد داری یاد نده. و این دعایی است که به وسیله آن خواننده دعا از خداوند عزوجل هرچه بخواهد به او عطا می کند.

و از دیگر گنجها: این است که با دعای جوشن کبیر به درگاه خداوند متعال مناجات کنی؛ و این دعا همان گونه که امام حسین علیه السلام فرموده اند از گنجهای خداوند متعال است.

و از دیگر گنجها: اگر خواستی به کلماتی از گنجهای عرش دست یابی، دعایی را بخوان که جبرئیل خندان و با بشارت برای پیامبر صلی الله علیه و آله آورد و آن کلمات و دعا را به عنوان هدیه از جانب خداوند متعال به پیامبرش صلی الله علیه و آله رساند. \*\*

ومنها: ما ذكره ابن طاوس قال: بإسنادنا إلى أبي جعفر بن بابويه رحمه الله عن ابراهيم بن محمد بن الحارث النوفلي قال: حدثني أبي و كان خادما لمحمد بن علي بن موسى الجواد عليه السلام لَمَّا زَوَّجَ المأمون أبا جعفر محمّد بن علي بن موسى الرضا عليه السلام ابنته كتب إليه إن لكل زوجة صداقا من مال زوجها وقد جعل الله أموالنا في الآخرة مؤجلة مذخورة هناك كما جعل أموالكم معجلة في الدنيا وكنزها ههنا وقد أمهرت ابنتك الوسائل إلى المسائل وهي مناجات دفعها إلى أبي قال: دفعها إلى أبي جعفر عليه السلام قال: دفعها إلى محمد أبي قال دفعها إلى علي بن الحسين عليه السلام أبي قال: دفعها إلى الحسين أبي قال: دفعها إلى الحسن عليه السلام أخي قال: دفعها إلى أمير المؤمنين علي بن أبي طالب عليه السلام قال: دفعها إلى رسول الله قال: دفعها إلى جبرئيل عليه السلام قال: يا محمد رب العزة يقرئك السلام ويقول لك: هذه مفاتيح كنوز الدنيا والآخرة فاجعلها وسائلك إلى مسانلك تصل إلى بغيتك فتتجح في طلبتك فلا تؤثرها في حوائج الدنيا فتبخس بها الحظ من آخرتك وهي عشر وسائل إلى عشرة مسائل تطرق بها أبواب الرغبات فتفتح وتطلب بها الحاجات فتتجح وهذه نسختها ثم ذكر الأدعية... (1)

وأنت تجد نصوص الأدعية في كتاب الباقيات الصالحات للمحدث الجليل الشيخ عباس القمي رحمه الله المطبوعة بهامش مفاتيح الجنان فراجعها.

ص: 86

و از دیگر گنجها: سید بن طاووس رحمه الله گوید: با سندهای ما به ابوجعفر بن بابویه از ابراهیم بن محمد بن حارث نوفلی نقل شده است که گفت: پدرم از خدمتگزاران امام محمد جواد بود مرا حدیث کرد وقتی مأمون دخترش را به ازدواج ایشان درآورد حضرت برای او چنین نوشت: برای هر زنی مهری از شوهرش می باشد و حق تعالی اموال ما را در آخرت ذخیره نموده است همچنان که اموال شما را در دنیا به شما داده و من مهریه دختر ترا دعاهایی قرار می دهم که وسائل برای رسیدن به خواسته ها و حاجتها است و آن ادعیه و مناجاتی است که پدرم به من داده و به او از پدرش موسی بن جعفر علیه السلام و به آن حضرت هم از طریق پدرش امام جعفر صادق علیه السلام و به او هم از پدرش امام محمد باقر علیه السلام و به او هم از پدرش امام علی بن حسین علیه السلام رسیده و او هم از پدرش امام حسین علیه السلام و او نیز از برادرش امام حسن علیه السلام و آن بزرگوار هم از پدرش امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام و او هم از رسول خدا صلی الله علیه و آله و رسول خدا هم از جبرئیل دریافت نموده است و جبرئیل به پیامبر گفت: یا محمد! پروردگار عزیز ترا سلام می رساند و می فرماید این کلیدهای گنجهای دنیا و آخرت است آنرا وسیله خود برای درخواستهایت قرار بده تا به مراد خود برسی و این دعاها را برای رسیدن به نیازهای دنیوی قرار نده که از بهره آخرت تو کم می شود، و آن دعاها ده وسیله است که بواسطه آنها درهای امور شگفت آور باز می شود و به سبب آنها تو به حاجات خود می رسی و این است نسخه آن دعاها: ... .

و متن این دعاها را در کتاب باقیات الصالحات محدث بزرگوار مرحوم آقای حاج شیخ عباس قمی رحمه الله ، چاپ شده در حاشیه مفاتیح الجنان می یابی، پس به آن کتاب شریف مراجعه کن.



و اعلم يا بنى، إنَّ الكنز قد يطلق فى الروايات على أشياء و أمور:

### كان تحته كنز لهما

منها: ما ورد فى خبر على بن أسباط قال: سمعت أبا الحسن الرضا عليه السلام يقول: كان فى الكنز الذى قال الله عز وجل: «و كان تحته كنزٌ لهما» (1) كان فيه: «بسم الله الرحمن الرحيم». عجبْتُ لمن أيقن بالموت كيف يفرح و عجبْتُ لمن أيقن بالقدر كيف يحزن و عجبْتُ لمن رأى الدنيا و تقلبها بأهلها كيف يركن إليها؟! و ينبغى لمن عقّل عن الله أن لا يتهم الله فى قضائه و لا يستبطئه فى رزقه. فقلتُ: جعلت فداك! أريد أن أكتبه. قال: فضرب و الله يده إلى الدواة ليضعها بين يدي فتناولت يده فقبلتها و أخذتُ الدواة فكتبته. (2)

و روى نحوها الشيخ بسنده المعتبر فى التهذيب 9/276 و نقل عنه فى وسائل الشيعة 26/99، ح 9.

### لا حول و لا قوة إلا بالله

و منها: ما ورد عن أبى عبد الله عليه السلام عن أبيه عليه السلام عن آبائه عليهم السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه و آله : من تظاهرت عليه النعم فليقل: «الحمد لله رب العالمين»، و من ألح عليه الفقر فليكثر من قول: «لا حول و لا قوة إلا بالله العلي العظيم». فإنه كنز من كنوز الجنة و فيه شفاء من اثنين و سبعين داءً أدناهم الهمم. (3)

و منها: ما رواها البرقى بإسناده عن الحسن البصرى قال: كنت مع أبى جعفر عليه السلام بمنى و قدمات رجل من قریش. فقال: يا أباسعيد، فم بنا إلى جنازته. فلما

ص: 88

1-1. سورة الكهف /82.

2-2. الكافي 2/59، ح 9.

3-3. وسائل الشيعة 7/175، ح 7.

و بدان پسر، که گنج در روایات به اموری اطلاق شده است:

از جمله آنها: طبق آن چه در خیر علی بن اسباط آمده آن است که وی می گوید از امام رضا علیه السلام شنیدم که فرمود: در داخل گنجی که خداوند عزوجل می فرماید: «و در زیر آن دیوار گنجی برای آن دو کودک یتیم بود»، چنین نوشته شده بود: به نام خداوند بخشنده مهربان. در شگفتم از کسی که یقین به مرگ دارد چگونه شادمان است، و تعجب می کنم از کسی که قضا و قدر الهی را باور کرده است چرا غمناک می شود، و در تعجبم از کسی که دنیا و دگرگونی آن را نسبت به اهلش می بیند چگونه به آن اعتماد می کند؟! و سزاوار است کسی که تقوای الهی دارد خدا را در تقدیر و روزی رسانیش متهم نکند. علی بن اسباط گوید به امام عرض کردم: جانم فدای شما! می خواهم این مطلب را بنویسم. به خدا قسم حضرت با دست خود مرگب را برداشت تا آن را در مقابل من بگذارد، که من دست آن حضرت را گرفتم و بوسیدم و مرگب را از دست حضرت گرفتم و این حدیث را نوشتم.

شبه همین خبر را شیخ طوسی رحمه الله با سند معتبر خود در کتاب تهذیب، ج 9، ص 276 روایت کرده و در کتاب وسائل الشیعة، ج 26، ص 99، حدیث 9 هم به نقل از تهذیب آمده است.

و از جمله: آن که امام صادق علیه السلام از پدرش و از پدران بزرگوارش علیهم السلام و آنها از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل کرده اند که آن حضرت فرمودند: کسی که نعمت های الهی به او روی می آورد بگوید «الحمد لله رب العالمین»؛ و چنان چه کسی از فقر به ستوه آید، بسیار بگوید: «لا حَوْلَ وَ لا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ». که همانا این ذکر گنجی از گنجهای بهشت است و در آن شفای هفتاد و دو درد است که کم ترین آنها غم و اندوه می باشد.

و از جمله: روایتی است که برقی با سند خود از حسن بصری نقل نموده است که وی گوید: با امام باقر علیه السلام در سرزمین منی بودم که مردی از قریش فوت کرد. حضرت فرمود: ای ابوسعید [کنیه حسن بصری است]، برخیز با هم به تشییع جنازه او برویم. وقتی

دخلنا المقابر، قال: ألا أخبركم بخمس خصال هي من البرِّ، والبرّ يدعو إلى الجنة؟ قلت: بلى، قال: إخفاء المصيبة و كتمانها، و الصدقة تعطيتها بيمينك لاتعلم بها شمالك، و برّ الوالدين فإنّ برهما لله رضى، و الإكثار من قول: «لا حول و لا قوة إلا بالله العليّ العظيم» فإنّه من كنوز الجنة، و الحبّ لمحمد و آل محمد (صلّى الله عليه و عليهم أجمعين). (1)

و منها: مارواها البرقى عن يونس عن عمرو بن جميع رفعه قال: قال سلمان الفارسى رضوان الله عليه: أوصانى خليلى بسبعة خصال لا أدعهنّ على كلّ حال: أوصانى أن أنظر إلى من هو دونى و لا أنظر إلى من هو فوقى، و أن أحبّ الفقراء و أدنو منهم، و أن أقول الحقّ و إن كان مرًا، و أن أصل رجمى و إن كانت مذبذبة، و لا أسأل الناس شيئًا، و أوصانى أن أكثّر من قول «لا حول و لا قوة إلا بالله العليّ العظيم»، فإنّها كنز من كنوز الجنة. (2)

و منها: قال الإربلى: قال مالك بن أنس: قال جعفر عليه السلام يوما لسفيان الثورى: يا سفيان، إذا أنعم الله عليك بنعمة فأحيت بقاءها، فأكثّر من الحمد و الشكر عليها؛ فإنّ الله عزوجل قال فى كتابه العزيز: «لئن شكرتم لأزيدنكم» (3). و إذا استبطأت الرزق فأكثّر من الاستغفار؛ فإنّ الله عزوجل قال فى كتابه: «استغفروا ربكم إنّه كان غفّارا يرسل السماء عليكم مدرارا و يمددكم بأموال و بنين...» - يعنى فى الدنيا-

ص: 90

1-1. المحاسن 1/71، ح 27.

2-2. المحاسن 1/74، ح 34.

3-3. سورة ابراهيم /7.

داخل قبرستان شدیم حضرت فرمود: آیا به شما خبر ندهم از پنج فضیلت که در زمره نیکی هاست و نیکی انسان را به بهشت می رساند؟ گفتم: بفرمائید. حضرت فرمود: پنهان کردن مصیبت و کتمان آن، صدقه در حالی که آن را وقتی با دست راست خود عطا کردی دست چپ تو نفهمد، نیکی به پدر و مادر که نیکی به آنها باعث رضایت خداست، زیاد گفتن ذکر «لا حَوْلَ وَ لا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ» که این ذکر از گنجهای بهشت است و دوستی پیامبر و خاندان آن حضرت که خداوند به آن حضرت و همه خاندان وی درود و رحمت فرستد.

و از جمله: روایتی است که برقی از عمرو بن جمیع مرفوعاً نقل کرده است که وی گوید: سلمان فارسی (رضوان الله علیه) می گفت: دوست من (یعنی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله) هفت خصلت را به من سفارش نمود که آن ها را در هیچ حالی ترک نمی کنم: پیامبر مرا توصیه کرد به شخصی که از نظر مالی از من پایین تر است نگاه کنم و به کسی که از نظر مالی از من بالاتر است نگاه نکنم، فقرا را دوست داشته باشم و به آنها نزدیک شوم، حق را بگویم اگر چه تلخ باشد، با خویشانم صله رحم کنم اگر چه آنها به من پشت کنند، از مردم چیزی نخواهم، و توصیه نمودند که بسیار بگویم ذکر «لا حَوْلَ وَ لا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ» را که گنجی از گنجهای بهشت است.

و از جمله: حدیثی است که اربلی از مالک بن انس نقل کرده می گوید: امام جعفر صادق علیه السلام روزی به سفیان ثوری فرمود: ای سفیان، زمانی که خداوند به تو نعمتی داد و دوست داری که آن نعمت برایت باقی بماند، خدا را به خاطر آن نعمت، سپاس و شکر فراوان کن که خداوند عزوجل در کتاب عزیزش می فرماید: «اگر سپاسگزاری کردید برای شما نعمت خود را زیاد می کنم»؛ و اگر

روزی برای تو تنگ شد، بسیار آمرزش بخواه؛ چراکه خداوند عزوجل در کتابش می فرماید: «از پروردگارتان طلب آمرزش کنید. که او بسیار آمرزنده است: برای شما از آسمان باران فراوان سرازیر می کند و به وسیله اموال و پسران شما را یاری می کند.» که منظور یاری در دنیا است

«و يجعل لكم جناتٍ» (1) في الآخرة. يا سفيان، إذا حَزَنَكَ أمرٌ من سلطان أو غيره فأكثِرْ من قول «لا حول و لا قوَّة إلا باللَّه العلي العظيم»، فإنَّها مفتاح الفرج و كنز من كنوز الجنة». (2)

### العجب لمن فرغ من أربع كيف لا يفزع إلى أربع

و منها: ما رواها الصدوق بإسناده عن أبي عبد الله عليه السلام قال: عَجِبْتُ لِمَنْ فَرَعَ مِنْ أَرْبَعٍ كَيْفَ لَا يَفْزَعُ إِلَى أَرْبَعٍ: عَجِبْتُ لِمَنْ خَافَ الْعَدُوَّ كَيْفَ لَا يَفْزَعُ إِلَى قَوْلِهِ تَعَالَى: «حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ» (3)؟! فَإِنِّي سَمِعْتُ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يَقُولُ بِعَقِبِهَا: «فَانْقَلَبُوا بِنِعْمَةٍ مِنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَ فَضْلٌ لَمْ يَمَسُّهُمْ سُوءٌ» (4)، وَ عَجِبْتُ لِمَنْ اغْتَمَّ كَيْفَ لَا يَفْزَعُ إِلَى قَوْلِهِ تَعَالَى: «لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ» (5)؟! فَإِنِّي سَمِعْتُ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ بِعَقِبِهَا: «فَاسْتَجِبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْغَمِّ وَكَذَلِكَ نُنَجِّي الْمُؤْمِنِينَ» (6)، وَ عَجِبْتُ لِمَنْ مُكْرَبٌ كَيْفَ لَا يَفْزَعُ إِلَى قَوْلِهِ تَعَالَى: «وَ أَوْفُواْ بِأَمْرِ رَبِّكَ إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ» (7)؟! فَإِنِّي سَمِعْتُ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يَقُولُ بِعَقِبِهَا: «فَوَقَاهُ اللَّهُ سَيِّئَاتٍ مَا مَكْرُوا» (8)، وَ عَجِبْتُ لِمَنْ أَرَادَ الدُّنْيَا وَزَيْنَتَهَا كَيْفَ لَا يَفْزَعُ إِلَى قَوْلِهِ تَعَالَى: «مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» (9): فَإِنِّي سَمِعْتُ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ

ص: 92

- 
- 1-1. سورة نوح /12-10.
  - 2-2. كشف الغمّة 3/154، مطالب السؤل 2/56، أورده ابن حمدون في التذكرة الحمدونية 1/113، الراغب في المحاضرات 2/467، الذهبى فى السير 6/261.
  - 3-3. سورة آل عمران /173.
  - 4-4. سورة آل عمران /174.
  - 5-5. سورة الأنبياء /87.
  - 6-6. سورة الأنبياء /88.
  - 7-7. سورة غافر /44.
  - 8-8. سورة غافر /45.
  - 9-1. سورة الكهف /39.

«و برای شما باغ‌هایی را قرار می‌دهد» در آخرت. بعد امام صادق علیه السلام فرمود: ای سفیان، اگر امری از سلطان یا غیر آن تورا غمناک کرد، بسیار بگو: «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ»؛ چرا که این ذکر کلید گشایش مشکلات و گنجی از گنجهای بهشت است.

و از جمله: روایتی است که شیخ صدوق رحمه الله با سند خود از امام صادق علیه السلام نقل نموده است که آن حضرت فرمود: در شگفتم از کسی که از چهار چیز در هراس است، چرا به چهار چیز (برای نجات خود از آن چهار چیز که می‌ترسد) پناه نمی‌برد؟ در شگفتم از کسی که از دشمن می‌ترسد چرا پناه نمی‌برد به گفتار خداوند متعال: «حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ» (و خدا ما را کافی است و او کارگزار خوبی است)، که من از خداوند شنیدم که در ادامه آن در کتابش فرمود: «فَانْقَلَبُوا بِنِعْمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَفَضْلٍ لَمْ يَمَسَّ لَهُمْ سُوءٌ» (پس بازگشتند به نعمتی از خدا و فضلی که به آنها بدی و آسیبی نرسید). و در شگفتم از کسی که غمگین است چرا پناه نمی‌برد به گفتار خداوند متعال: «لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ» (معبودی جز تو نیست تو پاک و منزهی. همانا من از ستمگران بودم)، که من شنیدم از خداوند که در ادامه آن فرمود: «فَأَسَدٌ تَجَبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْعَمِّ وَكَذَلِكَ تُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ» (پس ما او را اجابت نمودیم و از اندوه و غم نجاتش دادیم و همین طور مؤمنان را نیز نجات می‌دهیم)؛ و در شگفتم از کسی که درباره او مکر و حيله ای شده است، چرا پناه نمی‌برد به گفتار خداوند متعال «وَأَفْوُضْ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ» (و من واگذار کردم کارم را به خدا همانا خداوند نسبت به بندگان خود بیناست)، که شنیدم خداوند عزوجل در ادامه این آیه فرمود: «فَوَقَاهُ اللَّهُ سَيِّئَاتٍ مَا مَكَرُوا» (پس خداوند حفظ کرد او را از نقشه‌های بدی که درباره او ریخته بودند)؛ و در شگفتم از کسی که دنیا و زینت آن را می‌خواهد، چرا پناه نمی‌برد به گفتار خداوند متعال که می‌فرماید: «مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» (آن چه خدا بخواهد واقع می‌شود و نیرویی نیست جز این که از جانب خداست)، که شنیدم خداوند عزوجل

يقول بعقبها: «إِنْ تَرَنْ أَنَا أَقَلَّ مِنْكَ مَالاً وَوَلَدًا فَعَسَى رَبِّي أَنْ يُؤْتِيَنِي خَيْرًا مِنْ جَنَّتِكَ» (1) وعسى موجبةً (2).

### أربعة من كنوز البر

ومنها: مما رواها المفيد في أماليه بسنده عن الصادق عليه السلام عن أبيه عليه السلام عن جده عليه السلام قال: رسول الله صلى الله عليه وآله: أربعة من كنوز البر: كتمان الحاجة و كتمان الصدقة و كتمان المرض و كتمان المصيبة. (3)

### أربعة من كنوز الجنة

ومنها: مارواها الراوندى رفعه عن النبي صلى الله عليه وآله أنه قال: أربع من كنوز الجنة: كتمان الفاقة و كتمان الصدقة و كتمان المصيبة و كتمان الوجع. (4)

وقال صلى الله عليه وآله: من كنوز البر: كتمان المصائب و الأمراض و الصدقة. (5)

### الكوفة كنز الإيمان

ومنها: ورد في خبر أبي سعيد الخدرى قال: سمعت رسول الله صلى الله عليه وآله يقول: الكوفة جمجمة العرب و رمح الله تبارك و تعالى و كنز الإيمان فخذ عنهم، الحديث. (6)

و الكوفة اليوم تنطبق على الغرّ الشريف و هو بلدى و بلدك و بلد آباؤنا و إليه انتسابنا.

### كنوز الله فى الطالقان

ومنها: مارواها الحسن بن سليمان الحلّى بإسناده عن المفصّل بن عمر عن الصادق عليه السلام فى حديث طويل: ثم يخرج الفتى الحسنى الصبيح من نحو الديلم، فيصيح بصوت له فصيح: يا آل محمد، أجبوا الملهوف! و المنادى من حول الضريح، فتجيبه

ص: 94

1-2. سورة الكهف/39 و 40.

2-3. أمالى الصدوق، المجلس الثانى، ح 2/54 الرقم 9، الخصال/218 ح 43.

3-4. أمالى المفيد، المجلس الأوّل 4/8.

4-5. الدعوات/164 ح 252.

5-6. الدعوات/167 ح 462، و نحوها فى الاثنى عشرية فى المواعظ العددية/18.

6-7. الكافى، 6/243 ح 1.

در ادامه این آیه فرمود: «إِنْ تَرَنْ أَنَا أَقَلَّ مِنْكَ مَالًا وَوَلَدًا فَعَسَىٰ رَبِّي أَن يُؤْتِيَنِي خَيْرًا مِنْ جَنَّتِكَ» (اگر مرا ببینی که من در مال و فرزند کمتر از تو هستم، امیدوارم پروردگار من بهتر از باغِ تو به من بدهد)؛ و کلمه «عسی» در اینجا معنی امید می دهد.

از دیگر مواردی که در روایات به آن گنج اطلاق شده است: روایتی است که شیخ مفید (رضوان الله تعالی علیه) در کتاب امالی خود با سندش از امام صادق علیه السلام نقل می کند و آن حضرت هم از پدرش علیه السلام از جدش علیه السلام از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله روایت نموده اند که آن حضرت فرمودند: چهار چیز از گنجهای نیکی است: پنهان کردن نیاز و حاجت، پنهان کردن صدقه، پنهان کردن بیماری و پنهان کردن مصیبت.

و از جمله: حدیث مرفوعه ای است که قُطْبِ راوندی قدس سره از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل می کند که آن حضرت فرمود: چهار چیز از گنجهای بهشت است: پنهان کردن فقر، پنهان کردن صدقه، پنهان کردن مصیبت و پنهان کردن رنج و درد.

و از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است که فرمودند: از گنجهای نیکی پنهان کردن بیماری ها و مصیبت ها و صدقه است.

و از جمله: حدیثی است که در خبر ابوسعید خدری وارد شده است که وی می گوید: از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم می فرمود: شهر کوفه جمجمه عرب است (مرکز قدرت جهان عرب) و نیزه خداوند تبارک و تعالی است (به دلیل داشتن انسانهای شجاع) و گنجینه ایمان است (به خاطر وجود عالمان راستین در آن شهر) پس دانش خود را از آنان بگیر... .

و کوفه امروز منطبق بر نجف اشرف است. همانجا که سرزمین من و تو و پدران ماست و ما به آن شهر منسوب هستیم.

و از جمله: حدیثی طولانی است که حسن بن سلیمان حلّی با اسنادش از مفضل بن عمر و او از امام صادق علیه السلام نقل می کند که حضرت فرمودند: ... سپس از طرف دیلم جوان حسنی که چهره زیبایی دارد خارج می شود

و با صدای بلند و فصیحی می گوید: ای خاندان محمد صلی الله علیه و آله، اجابت کنید کسی را که فریاد خواهد و به او اندوه رسیده باشد. پس از آن منادی در کنار ضریح است و سپس



كنوزُ الله بالطالقان، كنوزٌ وأى كنوز، لا من ذهب ولا من فضة، بل هي رجال كزُبر الحديد، لكأنى أنظر إليهم على البرازين الشَّهْبِ بأيديهم الحِرابِ، يتعاوون شوقاً إلى الحرب كما تتعاوى الذنابُ. أميرهم رجلٌ من تميم يقال له شعيب بن صالح. فيقبل الحسنى فيهم... الحديث. (1)

وروى ابنُ أعثم الكوفى فى كتاب الفتوح عن أمير المؤمنين عليه السلام أنه قال: ويحا للطالقان! فإنَّ لله عزَّوجلَّ بها كنوزاً ليست من ذهب ولا فضة، ولكن بها رجال مؤمنون عرفوا الله حقَّ معرفته، وهم أيضاً أنصار المهدي فى آخر الزمان. (2)

### الكنز لا بد أن يودع عند الأمين

واعلم يا بنى، إنَّ الكنز لا بدَّ من أن يودعَ عند الأمين، وإلا يخاف عليه من النَّهْبِ والسَّرِقَةِ؛ ولذا قال عيسى على نبينا وآله وعليه السَّلام: لا تتخذوا الدنيا ربّاً فتتخذكم عبداً، إكنزوا كنزكم عند من لا يُضيِّعُه؛ فإنَّ صاحب كنز الدنيا يُخاف عليه الآفةُ وصاحب كنز الله لا يخاف عليه الآفة. (3)

### إن هدى الله بك أحداً فهو كنزك

فأودع الكنوز التى ذكرتها لك عند الله تعالى وامل بها. واعلم إن هدى الله بك أحداً فهو كنزك؛ كما يظهر من قضية عيسى عليه السلام مع اليتيم المذكورة فى بحار الأنوار (4). فاسع فى هداية الخلق وترويح مذهب الإمامية الحقة.

ص: 96

1-1. مختصر البصائر/451 طبعة جماعة المدرسين؛ بحار الأنوار 53/15 (21/550).

2-2. الفتوح 2/78، البيان/101، عقدا الدرر/122، كنز العمال 14/591، كشف الغمة 4/206.

3-3. بحار الأنوار، 14/327 ح 48.

4-4. بحار الأنوار 14/(282-280).

گنجهای خدا در طالقان دعوت او را اجابت می کنند. آنان گنجهایند و چه گنجهایی!! این گنجها نه از جنس طلا هستند و نه از جنس نقره، بلکه مردانی هستند که در شجاعت و مقاومت مثل پاره های آهن می باشند. گویا من آنها را می بینم که با در دست داشتن ادوات جنگی بر مرکب های سیاه و سفید سوارند و با اشتیاق تمام مثل صدای گرگها صدای جنگ بر لب دارند. فرمانده آنان مردی از قبیله تمیم است که به او شعیب بن صالح گفته می شود. پس سید حسنی فرماندهی کل آنها را به عهده می گیرد....

ابن اعثم کوفی در کتاب الفتوح از حضرت امیرالمؤمنین صلی الله علیه و آله روایت می کند که آن حضرت فرمود: خوشا بر طالقان که خداوند در آنجا گنجهایی دارد که نه از طلایند و نه از نقره، بلکه آن گنجها مردان مؤمنی هستند که خدای را به حقیقت شناخته اند و آنان یاران حضرت مهدی علیه السلام در آخرالزمان می باشند.

و بدان ای فرزندم، این که گنج را باید نزد شخص امانتداری گذاشت، در غیر این صورت ترس آن می رود که مورد دستبرد قرار می گیرد و یا غارت شود؛ به همین خاطر حضرت عیسی (علی نبینا و آله و علیه الصلوة و السلام) فرمود: دنیا را معبود خود قرار ندهید که او شما را بنده خود نماید گنج خود را در نزد کسی بگذارید که آن را ضایع نکند و از بین نبرد همانا کسی که گنج دنیایی دارد بیم آفت برای آن گنج می رود، ولی صاحب گنج خدایی هرگز بیم آفت برای آن نمی رود.

پس گنجهایی را که برای ذکر کردم نزد خداوند متعال به امانت بگذار و به آنها عمل کن؛ و بدان که اگر خداوند به وسیله تو کسی را هدایت کرد، همین برای تو گنجی است؛ چنان که این مطلب از داستان حضرت عیسی علیه السلام و آن یتیم که در بحار الانوار ذکر شده است ظاهر می شود. پس در هدایت مردم و ترویج مذهب بر حق امامیه تلاش کن.\*\*\*

قد جعلت خاتمة هذه الرسالة أمورا:

**منها: دعاء الإمام الصادق عليه السلام في مجلس المنصور للنجاة منه**

قال الإربلى: «حدّث عبد الله بن الفضل بن الربيع عن أبيه قال: حجّ المنصور سنة سبعمائة وأربعين و مائة، فقدم المدينة وقال للربيع بن يونس: ابعث إلى جعفر بن محمد من يأتينا به مُتَعَبًا. قتلني الله إن لم أقتله. فتغافل الربيع عنه لئيساه، ثم أعاد ذكره للربيع وقال: ابعث من يأتي به مُتَعَبًا. فتغافل عنه، ثم أرسل إلى الربيع قبيحةً أغلظ عليه فيها، وأمره أن يبعث من يُحضِر جعفرا، ففعل.

فلما أتاه قال له الربيع: يا أبا عبد الله، اذكر الله، فإنه قد أرسل إليك بما لا دافع له غير الله. فقال جعفر: «لا حول ولا قوة إلا بالله».

ثم إن الربيع أعلم المنصور بحضوره، فلما دخل جعفر عليه أوعده وأغلظ له وقال: أي عدوّ الله، إتخذك أهل العراق إماما يُجبون إليك زكاة أموالهم، وتُلجِد في سلطاني و تبغيه الغوائل. قتلني الله إن لم أقتلك.

این رساله را در اموری چند قرار دادم:

امر اول: دعای امام صادق علیه السلام در مجلس منصور دوانیقی به خاطر نجات از او

علامه اربلی (رحمة الله علیه) می گوید: عبدالله بن فضل بن ربیع از پدرش حدیث کرد که منصور دوانیقی در سال 147 هجری قمری به سفر حج خانه خدا رفته بود. وقتی وارد مدینه شد به ربیع فرزند یونس گفت: شخصی را بفرست به سوی جعفر بن محمد تا او را با حال رنج و سختی به نزد من بیاورد. خدا مرا بکشد اگر او را نکشم. ربیع در انجام این کار سهل انگاری کرد شاید منصور این امر را فراموش کند، ولی باز منصور گفته اش را تکرار کرد لکن ربیع خود را به بی خبری زد، ولی در مرحله سوم منصور نامه تندی به ربیع نوشت و در آن نوشته به شدت دستور احضار امام را داد آن هم با حالت زحمت و رنج. در این مرتبه ربیع مجبور به انجام این دستور شد.

وقتی امام را حاضر کردند، ربیع به امام عرض کرد: ای ابا عبدالله، به یاد خدا باش. منصور تو را به این جا آورده به خاطر آنچه جز خدا نمی تواند آن را از تو برطرف نماید. امام فرمود: قدرت و نیرویی نیست جز این که از آن خداوند است.

سپس ربیع به منصور خبر داد که امام صادق علیه السلام را حاضر نموده است. وقتی که امام وارد بر منصور شد، او با امام برخورد تندی نمود و تهدیدهای شدید کرد و به امام می گفت: ای دشمن خدا، مردم عراق تو را به عنوان پیشوای خود قرار داده اند و زکات مالشان را به سوی

فقال له: يا أمير المؤمنين عليه السلام، إنَّ سليمانَ أعطى فشكر، وإنَّ أيوبَ أُبتلى فصبر، وإنَّ يوسفَ ظَلِمَ فَعَفَّر، و أنت من ذلك السنخ.

فلما سمع المنصورُ ذلك منه قال له: إلىَّ وعندي يا أبا عبد الله، أنت البرىء الساحة، السليم الناحية، القليل الغائلة، جزاك الله من ذى رَحِمٍ أفضلَ ما جزى ذوى الأرحامِ عن أرحامهم.

ثم تناول يده وأجلسه على فُرْشه. ثم قال: عَلِيٌّ بالطيب. فَأُتِيَ بالغالية، فجعل يُغَلِّبُ لحيَةَ جعفر بيده حتَّى تركها تَقَطُّرُ، ثم قال: قُمْ في حفظ الله وكلاءته. ثم قال: يا ربيعُ، ألحِقْ أبا عبد الله جائزته وكسوته. انصرف أبا عبد الله في حفظ الله وكفه فانصرف.

قال الربيع: ولحقته فقلت له: إنِّي قد رأيتُ قبلك مالم تره، ورأيتُ بعدك مالا رأيتهُ، فما قلتُ يا أبا عبد الله حين دخلت؟

قال: قلت: «اللهم احرسنى بعينك التى لا تنام و اكفنى بركنك الذى لا يُرام و اغفر لى بقدرتك علىّ. و لا أهلك و أنت رجائى. اللهم أنت أكبر و أجلُّ ممَّا أخافُ و أحذرُ. اللهم بك أدفعُ فى نحره و أستعيد بك من شرّه». ففعل الله بى ما رأيتَ. (1)

قد روى لقاء الإمام الصادق عليه السلام بالمنصور بكلمات مختلفة، لعله متعدد. فراجع إن شئت الكافي 2/562 ح 22 و أمالى الصدوق، المجلس التاسع و الثمانين ح 10/709 الرقم 978.

ص: 100

1-1. كشف الغمة 3/159، مطالب السؤول 2/58.

تو می فرستند. تو سلطنت مرا از بین برده ای و باعث آشوب شده ای. خدا مرا بکشد اگر تو را نکشم.

امام صادق علیه السلام فرمود: ای امیرالمؤمنین، همانا حضرت سلیمان علیه السلام مشمول عطای ویژه خداوند قرار گرفت پس شکرگزاری کرد؛ و حضرت ایوب گرفتار بلا شد پس صبر نمود؛ و حضرت یوسف علیه السلام مورد ظلم قرار گرفت پس (برادرانش را) بخشید. تو هم از این گروه هستی.

چون منصور سخنان امام را شنید به او گفت: بیا به سوی من ای ابا عبدالله، این اتهامات از تو مبری است. خداوند به تراز طرف خویشان بهترین جزایی که شخص از جانب خویشان خود می گیرد عنایت فرماید.

سپس دستش را دراز کرد و امام را روی فرش و جایگاه خاص خود نشانند. پس دستور داد عطر بیاورند. عطر گرانبهایی را آماده کرده و آوردند و با آن عطر محاسن امام را با دستش معطر نمود به حدی که قطرات عطر از محاسن امام به زمین می چکید. سپس گفت: برخیز که در حفظ و حراست خداوند قرار داری. بعد به ربیع دستور داد که لباس و جایزه ابا عبدالله را به او بده و او را رها کن در حفظ و حمایت ویژه خدا. امام هم به این صورت از منصور جدا شد.

ربیع می گوید: من به نزد امام صادق علیه السلام رفتم و به آن حضرت گفتم: من قبل از شما دیدم چیزی را که شما ندیدی، و بعد از آمدن شما دیدم چیزی را که تاکنون ندیده ام. وقتی وارد به مجلس منصور شدم چه ذکر می گفتی؟

امام فرمود: گفتم: «خدایا با آن دیده و چشم خود که هرگز نمی خوابد مرا نگهدار، و مرا در سایه رکن استوار و خلیل ناپذیرت قرار بده، و مرا ببخش با آن قدرتی که داری، و من از بین نمی روم تا تو امید من هستی. خداوندا، تو بزرگ تر و با اهمیت تر از آن هستی که من از آن می ترسم و وحشت دارم. خدایا، من به واسطه تو دفع می کنم قتلی که او در حق من می خواهد انجام دهد؛ و از شر او به تو پناه می برم». پس خدا هم انجام داد در حق من آن چه را دیدی.

جریان ملاقات امام صادق علیه السلام با منصور با کلمات گوناگون و تعبیر متعدّد روایت شده است. اگر خواستی می توانی به کتاب کافی، ج 2، ص 562، حدیث 22 و به کتاب امالی شیخ صدوق، مجلس هشتم و نهم، ح 10، ص 709، رقم 978 مراجعه کنی.

## و منها: وصية الإمام الصادق عليه السلام لولده الإمام الكاظم عليه السلام

قال الإربلي: «و عن بعض أصحاب جعفر عليه السلام قال: دخلت عليه و موسى عليه السلام بين يديه و هو يُوصيه بهذه الوصية. فكان ممّا حفظتُ منها أن قال:

يا بنيّ، أقبل وصيتي و احفظ مقالتي؛ فإنّك إن حفظتها تعيش سعيدا و تَمُتُ حميدا.

يا بنيّ، من قنع بما قُسم له استغنى، و من مَدَّ عينه إلى ما في يد غيره مات فقيرا، و من لم يرضَ بما قسم الله له اتَّهم الله في قضائه، و من استصغر زلّة غيره استعظم زلّة نفسه، و من استصغر زلّة نفسه استعظم زلّة غيره.

يا بنيّ، من كشف حجاب غيره انكشفت عورات بيته، و من سلَّ سيفَ البغي قُتل به، و من احتفر لأخيه بئرا سقط فيها، و من داخل السفهاء حُقّر، و من خالط العلماء وُقّر، و من دخل مداخل السوء أُتَّهم.

يا بنيّ، إيّاك أن تُزريَ بالرجال فيزري بك، و إيّاك و الدخولَ فيما لا يعينك فتدُلّ لذلك.

يا بنيّ، قل الحقّ لك و عليك تُستشار من بين أقرانك.

يا بنيّ، كن لكتاب الله تاليا و للإسلام فاشيا و بالمعروف آمرا و عن المنكر ناهيا و لمن قطعك واصلًا و لمن سكت عنك مبتدئا و لمن سألك معطيا.

و إيّاك و النميمة، فإنّها تزرع الشُّحْنَاء في قلوب الرجال، و إيّاك و التّعريضَ لعيوب الناس. فمنزلة المتعريض لعيوب الناس كمنزلة الهدف.

امر دوم: وصیتِ امام صادق علیه السلام به فرزندش امام کاظم علیه السلام

عالم جلیل القدر علی بن عیسیٰ اربلی (رحمة الله علیه) از یکی از اصحاب امام صادق علیه السلام نقل می کند که وی می گوید: بر امام صادق علیه السلام در حالی وارد شدم که فرزندش امام موسی بن جعفر علیه السلام در نزد آن حضرت بود و امام به وی وصیت می نمود آن چه من از وصیت های امام صادق در نظرم مانده این است که فرمود:

ای فرزندم، وصیت مرا بپذیر و گفتارم را در نظرت بسپار که اگر آن چه را می گویم حفظ کنی و عمل نمایی، سعادت مند زندگی خواهی کرد و مورد ستایش خواهی مُرد.

ای فرزندم، کسی که قانع باشد به آن چه برای او تقسیم شده است بی نیاز خواهد شد؛ و کسی با چشمانش به آن چه در دست دیگران است نگاه طمعکارانه داشته باشد، نیازمند خواهد مُرد، و کسی که راضی به آن چه خدا برای او تقسیم نموده است نباشد، به خداوند در قضایش تهمت زده است؛ و کسی که لغزش دیگران را کوچک بشمارد، در واقع لغزش های خودش را بزرگ شمرده است؛ و کسی که لغزش دیگران را بزرگ بشمارد، لغزش خودش را کوچک شمرده است.

ای فرزندم، کسی که راز دیگران را فاش کند خداوند اسرار و عیب های خانوادگیش را فاش می سازد؛ و کسی که شمشیر ستم علیه کسی بکشد با همان شمشیر کشته خواهد شد؛ و کسی که چاهی را برای برادرش بکند خودش در آن چاه می افتد؛ و کسی که با نادانان همنشینی داشته باشد حقیر و کوچک شمرده می شود؛ و کسی که با دانشمندان رفت و آمد داشته باشد مورد احترام قرار می گیرد؛ و کسی که به جایگاه و مجالس بد وارد شود مورد اُتْهام قرار می گیرد.

ای فرزندم، بپرهیز از اینکه بزرگان را سرزنش کنی که در این صورت خودت مورد سرزنش و ملامت واقع خواهی شد؛ و بپرهیز از دخالت در اموری که فایده ای به حال تو ندارد که به خاطر آن خوار و ذلیل خواهی شد.

ای فرزندم، حق را بگو چه به سود تو باشد و چه به زیان تو؛ و بر تو باد که با آنان که همانند تو هستند مشورت کنی.

ای فرزندم، کتاب خدا را تلاوت کن و دین اسلام را آشکارنما و مردم را به کارهای نیک



يا بنى، إذا طلبت الجود فعليك بمعدينه، فإن للجود معادنٌ وللمعادن أصولاً وللأصول فروعا وللفروع ثمرًا ولا يطيب ثمر إلا بفرع ولا فرع إلا بأصل ولا أصل ثابت إلا بمعدين طيب.

يا بنى، إذا زرت فزُر الأخيَّار ولا تزُر الفجَّار، فإنهم صخرة لا يتفجر ماؤها وشجرة لا يخضر ورقها، وأرض لا يظهر عُشبها.

قال على بن موسى عليه السلام: فما ترك أبى هذه الوصية إلى أن تُوفى. (1)

### وصية رسول الله صلى الله عليه وآله إلى أمير المؤمنين عليه السلام

ومنها: أوصيك بما وصّى به رسول الله صلى الله عليه وآله وأمه أمير المؤمنين على بن أبي طالب عليه السلام المروي في الفقيه. (2)

### وصية أمير المؤمنين لولده الإمام الحسن عليه السلام

ومنها: أوصيك بما وصّى بها أمير المؤمنين عليه السلام ولده الإمام الحسن عليه السلام المنقول في الكتاب الواحد والثلاثين من نهج البلاغة، فراجعها.

### وصية أمير المؤمنين عليه السلام لولده محمد بن الحنفية

ومنها: أوصيك بما وصّى به أمير المؤمنين عليه السلام ولده محمد بن الحنفية المروي في الفقيه أيضا. (3)

### وصية أخرى لرسول الله صلى الله عليه وآله إلى أمير المؤمنين عليه السلام

ومنها: وصية رسول الله صلى الله عليه وآله وأمه لأمر المؤمنين عليه السلام المروي في صحيحة معاوية بن عمار قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: كان في وصية النبي صلى الله عليه وآله لعلي أن قال: يا علي، أوصيك في نفسك بخصال فاحفظها عني. ثم قال: اللهم أعنه.

ص: 104

1-1. كشف الغمة 3/204، حلية الأولياء 3/195، وروى أيضا في كشف الغمة 3/157، مطالب السؤول 2/57 مختصرا.

2-2. الفقيه 4/ (375-352) الرقم 5762.

3-3. الفقيه 4/ (392-384) الرقم 5834.

دستورده و از کارهای بد نهی کن. با آن کس که از تو بُریده است پیوند داشته باش و با آن کس که با تو حرف نمی زند تو شروع کن به حرف زدن، و به آن کسی که از تو کمک می خواهد عطا کن. و مبادا سخن چینی کنی که این کار در دل های مردم کینه ایجاد می کند و پرهیز از این که به عیب جویی مردم پردازی؛ چرا که شخصی که عیب جویی مردم را می کند همانند هدفی است که همه تیرها به طرف آن پرتاب می شود.

ای فرزندم، اگر طالب جود و بخشش هستی بر تو باد به معدن های آن. همانا برای جود معادنی وجود دارد و برای معدن ها ریشه هایی وجود دارد و برای ریشه ها شاخه هایی وجود دارد و برای شاخه ها میوه هایی هست، هیچ میوه ای گوارا نمی شود مگر به وسیله شاخه اش و هیچ شاخه ای وجود ندارد بدون ریشه و هیچ ریشه ثابتی هم وجود ندارد مگر در جایگاه و معدن پاکیزه ای.

ای فرزندم، اگر خواستی کسی را زیارت کنی انسان های نیکوکار را زیارت کن و از زیارت بدکاران پرهیز، چراکه بدکاران مثل صخره هایی هستند که آبی از آنها نمی جوشد و مثل درختی هستند که برگی از آن درخت سبز نمی شود و مانند زمینی می باشند که از آن سبزه ای نمی روید.

امام رضا علیه السلام می فرماید: پدرم عمل به این وصیت را ترک نکرد تا وقتی از دنیا رفت [همواره در حیاتش به این وصیت عمل نمود].

امر سوم از خاتمه رساله: این که تو را توصیه می کنم به آن چه پیامبر خدا به امیرالمؤمنین علی به ابیطالب علیه السلام سفارش نمود که وصایای آن حضرت در کتاب من لایحضره الفقیه نقل شده است.

امر چهارم از خاتمه رساله: این که تو را توصیه می کنم به آنچه حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام به فرزندش امام حسن علیه السلام وصیت نمود و در نامه سی و یکم نهج البلاغه نقل شده است. پس به آن مراجعه کن.

امر پنجم از خاتمه رساله: این که تو را توصیه می کنم به آن چه حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام به فرزندش محمد حنفیه سفارش فرمود که در کتاب «من لایحضره الفقیه» روایت شده است.

أما الأولى: فالصدق ولا تخرجن من فيك كذبة أبدا.

والثانية: الورع ولا تجترى على خيانة أبدا.

والثالثة: الخوف من الله -عزَّ ذكره- كأنك تراه.

والرابعة: كثرة البكاء من خشية الله يبنى لك بكل دمعة ألف بيت في الجنة.

والخامسة: بذلك مالك ودمك دون دينك.

والسادسة: الأخذ بسنتي في صلاتي وصومي وصدقتي. أما الصلاة فالخمسون ركعة، وأما الصيام فثلاثة أيام في الشهر: الخميس في أوله و الأربعاء في وسطه والخميس في آخره، وأما الصدقة فجهدك حتى تقول: قد أسرفت ولم تُسرف، و عليك بصلاة الليل و عليك بصلاة الزوال و عليك بصلاة الزوال و عليك بصلاة الزوال (1)، و عليك بتلاوة القرآن على كل حال، و عليك برفع يديك في صلاتك و تقليبيهما، و عليك بالسواك عند كل وضوء، و عليك بمحاسن الأخلاق فاركنها و مساوى الأخلاق فاجتنبها. فإن لم تفعل فلا تلومن إلا نفسك. (2)

### وصايا لقمان لابنه

و منها: أوصيك بما أوصى به لقمان الحكيم ابنه، و وصاياها مذكورة في كتب الأخبار و منها بحار الأنوار (3) لشيخنا العلامة المجلسي قدس سره .

### وصايا العلامة الحلبي لولده قدس سرهما

و منها: أوصيك في الختام بما وصى به العلامة ولده فخر المحققين في خاتمة

ص: 106

1-1. و في نقل الفقيه ثلاث مرّات «عليك بصلاة الليل» و مرّة «عليك بصلاة الزوال».

2-2. الكافي 8/79، ح 33، الفقيه 4/188، ح 5432 و رواها فيه بسند معتبر عندنا.

3-3. بحار الأنوار 13/ (408-434) [6/ (127-145)].

امر ششم از خاتمه رساله: وصیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام است که در صحیحہ معاویة بن عمّار روایت شده وی می گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: از وصایای حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام این است که فرمود: ای علی! تو را درباره خودت به خصلت هایی توصیه می کنم. پس به آنها توجه کن و از من به یادگار نگهدار. سپس آن حضرت دعا کرد که خدایا علی را کمک کن (در انجام این سفارش ها). و اما آن وصایا این است که:

اول: راستگویی، و هرگز دروغی از دهان تو صادر نشود.

دوم: ورع و پرهیزکاری، و مبادا جرأت بر خیانتی پیدا بکنی.

سوم: ترس از خداوند به طوری که گویا خدا را می بینی.

چهارم: گریه زیاد از خشیت خداوند و در این صورت برای توبه از ای هر قطره ای هزار خانه در بهشت ساخته می شود.

پنجم: این که مال و خونت را در راه دینت بیخشی.

ششم: در نماز و روزه و صدقه به سنت و روش من عمل کنی. اما روش من در نماز پنجاه رکعت است. روش من در روزه سه روز در هر ماه، پنج شنبه اول هر ماه و چهارشنبه وسط هر ماه و پنج شنبه آخر هر ماه. روش من در صدقه این است که در این کار طوری تلاش کنی به اتفاق کردن که خودت بگویی من در صدقه دادن زیاده روی کردم در حالی که زیاده روی نکرده ای. و بر توباد به نماز شب و بر توباد به نماز ظهر. بر توباد به نماز ظهر و بر توباد به نماز ظهر، و بر توباد به تلاوت قرآن در هر حال، و بر توباد به بلند کردن دو دست هنگام نماز و برگرداندن آنها (در تکبیرة الاحرام)، و بر توباد به مسواک زدن هنگام هر وضو، و بر توباد به اخلاق نیکو که خود را واجد آنها کنی و از اخلاق بد بپرهیزی. پس اگر چنین نکردی، غیر از خودت را ملامت و سرزنش نکن.

امر هفتم از خاتمه رساله: تو را توصیه می کنم به آن چه لقمان حکیم به پسرش سفارش کرد که وصایای او در کتاب های روایت ذکر شده است، از جمله عالم بزرگ ما علامه مجلسی قدس سره در کتاب بحار الأنوار آن را یاد کرده است.

امر هشتم از خاتمه رساله: تو را وصیت می کنم. به آن چه علامه حلی (رضوان الله

قواعده(1)، وهذه هي وصية أبي رحمه الله إليّ كما كتبه في إجازته(2) لي.

### لا تنساني من صالح دعواتك و طلب المغفرة

ومنها: لا تنساني من صالح دعواتك و طلب المغفرة لي في الحياة و بعد الممات و عند قبوري:

مرا زنده پندار چون خويشتن بيايم بجان گر بيائي به تن(3)

[اعتبرني حيًا كما أنت حيٌّ/ فأتني بروحي لو أتني بالجسد.]

### سر تفوق الوحيد البهبهاني قدس سره

ومنها: ما ذكره الوحيد البهبهاني قدس سره - وهو أستاذ الكل - في جواب سؤال عن سبب ترقّيه و تفوّقه على المحققين الأعلام قائلاً قدس سره: «إنّ العبد لا يشاهد في نفسه شيئاً يوجب ذلك إلّا أنّي راعيتُ مدّة عمري ثلاثة أشياء و لم أتركها بقدر الاستطاعة:

أحدها: إنّني لم أأكل في شيء من أمورى على أحدٍ سوى الله تعالى؛

وثانيها: إنّني لم أقصّر في أمر أحد من العلماء الماضين و الأساتيد اللاحقين، بل عظمتهم و جلتهم و أعليتُ أمرهم بقدر الوسع و الطّاقة؛

وثالثها: إنّني قهرتُ نفسي و اشتغلتُ بتحصيل العلوم و التّصنيف و التّأليف و التّدرّيس أكثر عمري، و لم أرافق البطلين و المعطلين و المهملين من طلبة العلوم. فإن أعطاني الله شيئاً فإنّما هو من بركة هذه الأمور». (4)

ص: 108

- 
- 1-1. قواعد الأحكام 717/3-714.
  - 2-2. فيض الباري إلى قرّة عيني الهادي /4 المطبوعة ضمن «قبيله عالمان دين» /219.
  - 3-3. البيت للنظامي الكنجوي.
  - 4-4. نقل الفقيه الميرزا محمّد هاشم الجهارسوقي عن الوحيد في إجازته للعلامة الميرزا محمّد بن عبد الوهاب الهمداني، المطبوعة ضمن المجلد الرابع من «ميراث حوزة اصفهان» /504.

تعالی علیه) به فرزندش فخرالمحققین در آخر کتاب قواعدش توصیه نموده است که این توصیه در واقع سفارش پدرم که رحمت خدا بر او باد به من نیز می باشد؛ چنان که در اجازه اش به من نوشت.

امر نهم از خاتمه رساله: اینکه مرا از دعاهای خیر خود فراموش نکن و برای من آموزش بخواه؛ چه در زمان حیاتم و چه بعد از مرگ و در قبرم.

مرا زنده پندار چون خویشتن بیایم به جان گر بیایی به تن

امر دهم از خاتمه رساله: آن چیزی است که وحید بهبهانی قدس سره (استاد همه علمای عصر خود) در جواب سؤالی که از رمز موفقیت و برتری خود نسبت به محققین بزرگ از او نموده بودند فرمود: من چیزی را که موجب این موفقیت باشد در خود نمی بینم، مگر اینکه در طول عمرم همواره سه امر مهم را رعایت می کردم و در حدّ توانم آنها را ترک نمی نمودم.

اول: من در تمام کارهایم به جز خداوند به هیچ کس تکیه و اعتماد نکردم؛

دوم: درباره ادای حق هیچ یک از علمای گذشته و اساتید کوتاهی نکردم، بلکه به اندازه تواناییم به تجلیل و تعظیم آنها پرداختم؛

سوم: من بر نفس خود چیره شدم و بیشتر عمرم را صرف یادگیری علوم و نوشتن و گردآوری آنها و تدریس نمودم و با افرادی که عمر خود را به بطالت و بیهودگی صرف می نمودند همراه نشدم. پس اگر خداوند به من چیزی بخشید فقط به برکت این سه امر بوده است.

ص: 109

و منها: إن ترد عملاً لأجل معاشك فكن زارعا ولأته؛ ورد في خبر يزيد بن هارون المروى في الكافي قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: الزارعون كنوز الأنام. يزرعون طيباً أخرجهم الله عز وجل وهم يوم القيامة أحسن الناس مقاما وأقربهم منزلةً، يدعون المباركين. (1)

وهكذا روى الشيخ الطوسي في التهذيب بإسناده عن يزيد بن هارون الواسطي قال: سألت جعفر بن محمد عليهما السلام عن الفلاحين فقال: هم الزارعون. كنوز الله في أرضه و ما في الأعمال شيء أحب إلى الله من الزراعة، و ما بعث الله نبياً إلا زارعا إلا أدريس عليه السلام ، فإنه كان خياطاً. (2)

## الزراعة

وروى أن أبا عبد الله عليه السلام قال: الكيمياء الأكبر الزراعة. (3)

## الروايات كلها كنوز

و منها: و اعلم أن الروايات الواردة عن أئمتنا المعصومين عليهم السلام كلها كنوز. فعليك بمطالعتها و مراجعتها و العمل بها و قراءتها للناس (4). فأجزت لك هنا - كما أجزت سابقا و شفهيًا عند ضريح باب مدينة علم النبي صلى الله عليه و آله و وصيّه أمير المؤمنين على بن أبي طالب عليه السلام في صبيحة يوم الخميس السابع و العشرين من شهر شعبان المعظم عام 1427 في مدينة النجف الأشرف - نقل رواياتهم عليهم السلام من الكتب الأربعة و غيرها من الكتب المعروفة عند الأصحاب رضوان الله تعالى عليهم أجمعين، و الطريق

ص: 110

1-1. الكافي 5/261، ح 7 و نقلت عنه في موسوعة أحاديث أهل البيت عليهم السلام 4/337 ح 6.

2-2. التهذيب 6/384، ح 259.

3-3. الكافي 5/261.

4-4. في هذا المجال يمكنك الرجوع إلى كتابي المطبوع: «موسوعة أحاديث أهل البيت عليهم السلام».

امر یازدهم از خاتمه رساله: این است که اگر خواستی برای هزینه زندگی خود دست به کاری بزنی، کشاورزی را اختیار کن؛ به خاطر اینکه در خبر یزید بن هارون که در اصول کافی روایت شده است چنین آمده است که وی می گوید، از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: کشاورزان گنجهای مردم می باشند. دانه های خوراکی پاکی را می کارند که خداوند عزوجل آنها را از زمین بیرون می آورد؛ و آنها در روز قیامت از نظر مقام بهترین مردم و نزدیک ترین آنها از جهت منزلت می باشند که در آن روز به عنوان انسانهای بابرکت خوانده می شوند.

و نیز شیخ طوسی در کتاب التّهذیب به اسناد خود از یزید بن هارون واسطی چنین روایت می کند که او می گوید: از امام جعفر بن محمد صادق علیهما السلام درباره کشاورزان سؤال نمودم. حضرت فرمود: آنها گنجهای خداوند در زمینش هستند در بین کارها دوست داشتنی ترین آنها زراعت است و خداوند هیچ پیامبری را مبعوث نفرمود مگر اینکه کشاورز بود به جز حضرت ادريس علیه السلام که او خياط بود.

و روایت شده است که امام صادق علیه السلام فرموده: بزرگ ترین کیمیا زراعت است.

امر دوازدهم از خاتمه رساله: اینکه بدان ای فرزندانم، روایاتی که از جانب امامان معصوم علیهم السلام ما وارد شده است، همه آنها گنج است. پس بر تو باد به مطالعه آنها و مراجعه و عمل نمودن به آنها و خواندن آن روایات برای مردم که من اجازه نقل آنها را اینجا به تو می دهم؛ همان طور که قبلاً نیز به طور شفاهی در کنار ضریح در ب شهر علم پیامبر صلی الله علیه و آله و وصی آن حضرت یعنی حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام در صبح روز پنج شنبه بیست و هفتم ماه شعبان سال 1427 در شهر نجف اشرف به تو دادم. که از کتاب های چهارگانه و دیگر کتاب های معروف علمای مذهب امامیه (رضوان الله تعالی علیهم) روایت نقل کنی. من سلسله سند خود را تا برسد به صاحبان کتابها و از آنها تا ائمه معصومین علیهم السلام را



مأخوذ من رسالتي «طريق الوصول إلى أخبار آل الرسول عليهم السلام».

### إن تريد المال و الثروة

ومنها: وإن ترد المال و الثروة في الدنيا التي تعدّ في أعين الناس كنزاً - و ليس بكنز حقيقةً - فافراً في كلّ يوم من شهر رجب المرجب اثنتي عشرة مرّة هذه الآية الشريفة و هي قوله تعالى: «اللّه لطيفٌ بعباده يرزق من يشاء و هو القوي العزيز»(1)(2).

إلى هنا تمت هذه الرسالة الشريفة المسماة بـ «الكنز الجلي لولدي علي» على يد مؤلفها العبد الفاني هادي النجفي، كان اللّه له و جعل مستقبل أمره خيراً من ماضيه و حشره اللّه مع مواليه أمير المؤمنين و أولاده المعصومين عليهم السلام في يوم الثلاثاء الثالث و العشرين من صفر المظفر عام 1428 ببلدة إصبهان -صانها اللّه تعالى عن الحدثان- و الحمد لله أولاً و آخراً و صلى اللّه على سيدنا محمّد و آله الطيبين الطاهرين المعصومين.

ص: 112

1-1. سورة الشورى /19.

2-2. مفتاح السعادة لعمّنا الأكرم آية اللّه الشيخ محمّد تقى آقا النجفي الإصفهاني المتوفى عام 1332 ق.

در کتاب دیگرم بنام «طریق الوصول إلى اخبار آل الرسول عليهم السلام» یاد کرده ام و می توانی تمام سند را از آنجا بگیری.

امر سیزدهم از خاتمه رساله: این است که اگر مال و ثروت دنیا که در نظر مردم گنج است می خواهی (در حالی که گنج واقعی مال دنیا نیست)، برای این هدف در هر روز از ماه رجب المرجّب دوازده مرتبه این آیه شریفه را قرائت کن: «اللَّهُ لَطِيفٌ بِعِبَادِهِ يَرْزُقُ مَا يَشَاءُ وَهُوَ الْقَوِيُّ الْعَزِيزُ»

تمام شد این رساله شریفه به نام (گنج آشکار برای فرزندان علی) به دست نویسنده اش بنده فانی هادی نجفی که خدا با او باشد و آیندهاش را بهتر از گذشته گرداند و او را با پیشوایانش حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام و فرزندان معصومش علیهم السلام محشور گرداند.

تاریخ اتمام این رساله در روز سه شنبه 23 ماه صفرالمظفر سال 1428 در شهر اصفهان بود که خداوند متعال این شهر را از حوادث تلخ نگهدارد. سپاس مخصوص خداست در اول و آخر و خداوند بر پیامبر ما حضرت محمد صلی الله علیه و آله و خاندان پاک و معصومش درود و رحمت فرستد.

ترجمه رساله «گنجنامه» توسط بنده حقیر علی اصغر حبیبی در تاریخ هشتم ذی القعدة 1428 هجری قمری مطابق با 28 آبان سال 1386 هجری شمسی به پایان رسید.



\*. به طور خلاصه داستان ایاز از این قرار است: سلطان محمود غزنوی غلامی داشت به نام ایاز که او را بسیار دوست می داشت به طوری که وی مورد حسادت وزیران و دیگر غلامان پادشاه قرار گرفت و گاهی از او پیش سلطان سعایت و بدگویی می کردند و پادشاه از این موضوع باخبر بود که آنها درباره وی حسادت می ورزند، لذا برنامه ای را تدارک دید که علت علاقه اش به ایاز برای همه روشن شود، به این صورت که در مراسمی که وزرای وی حضور داشتند سلطان یک دانه قیمتی از جواهرات الماس و یا از جنس دیگر به یکی از وزرا داد و دستور داد که آن را بشکند ولی او قبول نکرد و گفت این جواهر گرانبهایی است و با شکستن آن به خزانه حکومتی ضرر و زیان مهمتی می رسد و دیگر وزرا هم وقتی سلطان چنین دستوری را به آنها داد همان جواب را دادند و یا این که ترسیدند بعدها سلطان آنها را تنبیه کند آن را نشکستند، ولی ایاز که در آن جلسه حضور داشت وقتی که سلطان آن جواهر را به او داد و دستور داد که بشکند بلافاصله آن را به زمین زد و شکست و وزرا همه زبان به انتقاد گشودند که با این کار او زیان به خزانه مملکتی رسید. سلطان محمود گفت: درست است که از نظر مالی به خزانه سلطنتی من ضرر رسید ولی ایاز با این کارش حرف من را زمین نزد و به دستور من عمل کرد و این کارش مهم تر از آن ضرری است که شما می پندارید.

ص: 115

**\*\*** يَا مَنْ أَظْهَرَ الْجَمِيلَ وَ سَتَرَ الْقَبِيحَ، يَا مَنْ لَمْ يُؤَاخِذْ بِالْجَرِيرَةِ وَلَمْ يَهْتِكِ السُّتْرَ، يَا عَظِيمَ الْعَفْوِ، يَا حَسَنَ التَّجَاوُزِ، يَا وَاسِعَ الْمَغْفِرَةِ، يَا بَاسِطَ الْيَدَيْنِ بِالرَّحْمَةِ، يَا صَاحِبَ كُلِّ نَجْوَى وَ مُنْتَهَى كُلِّ شَكْوَى، يَا كَرِيمَ الصَّفْحِ، يَا عَظِيمَ الْمَنِّ، يَا مُبْتَدِئاً بِالنَّعْمِ قَبْلَ اسْتِحْقَاقِهَا. يَا رَبَّنَا وَ يَا سَيِّدَنَا وَ يَا مَوْلَانَا وَ يَا غَايَةَ رَغْبَتِنَا، أَسْأَلُكَ يَا اللَّهُ أَنْ لَا تُشَوِّهَ خَلْقِي بِالنَّارِ. بحار الأنوار، ج 92، ص 198.

**\*\*\*** آن جریان از این قرار است: علامه مجلسی (رضوان الله تعالی علیه) می گوید: در بعضی از کتاب ها داستانی را یافتم به این شرح که: حضرت عیسی علیه السلام با بعضی از حواریین در سفر سیاحتی که به شهری داشتند در نزدیکی آن شهر در مسیر راه گنجی را یافتند. همراهان حضرت به او گفتند: ای روح الله به ما اجازه بده در همین جا اقامت داشته باشیم و از این گنج بهره مند شویم تا ضایع نشود. حضرت فرمود: شما همین جا اقامت کنید ولی من داخل این شهر می روم چرا که گنجی در آن جا دارم که جویای آن هستم. لذا چون آن حضرت داخل شهر شد و مقداری گشت خانه خرابی را دید پس داخل آن خانه شد که پیره زنی در آن جا بود حضرت به او فرمود: من امشب مهمان تو هستم آیا غیر از تو در این خانه کسی هست؟ گفت: بله پسری دارم که پدرش فوت کرده است و او در کنار من یتیم مانده است. کارش این است که هر روز به صحرا می رود و خار می کند و جمع می کند و به شهر می آورد و می فروشد و با پول آن ما گذران زندگی می کنیم. پس اتاقی را برای پذیرایی از حضرت عیسی آماده ساخت تا این که پسرش آمد. پیره زن به او گفت: خدا امشب مهمان شایسته ای را برای ما فرستاده است که از پیشانی او نور زهد و صلاح می بارد. پس فرصت را غنیمت بشمار و در خدمت او باش و با او همراهی کن. پس آن پسر وارد بر حضرت عیسی شد و در خدمت آن حضرت قرار گرفت و او را گرمی داشت. چون پاسی از شب گذشت حضرت عیسی علیه السلام از حال و زندگی او جویا شد. پس حضرت در آن جوان آثار خردمندی و هوشیاری و زمینه ترقی و رشد برای رسیدن به درجات کمال را احساس نمود. ولی حضرت عیسی متوجه شد که این جوان در درون خود اندوه بزرگی دارد. لذا به او فرمود: ای غلام من می بینم که قلب تو مشغول به غمی است که برطرف نمی شود. پس به من راجع به آن خبر ده شاید در نزد من برای این درد دوايي وجود داشته باشد. پس چون حضرت در این باره اصرار و مبالغه کرد آن جوان گفت: بله من در قلبم

ناراحتی دارم که کسی غیر از خداوند نمی تواند آن را مداوا کند. پس غلام عرض کرد: من روزی خارها را که حمل می کردم به طرف شهر، عبورم به کاخ دختر پادشاه افتاد و نگاه به کاخ می کردم در این بین چشمم به دختر پادشاه افتاد. پس محبت او به شدت در دلم قرار گرفت و هر روز این علاقه زیاد شد و برای این درد دارویی غیر از مرگ نمی بینم.

حضرت عیسی فرمود: من راهی جلو تو می گذارم که تو بتوانی با او ازدواج کنی. پس جوان رفت و مادرش را در جریان فرمایش حضرت عیسی علیه السلام گذاشت. مادرش به او گفت: پسر من گمان نمی کنم که این مرد وعده ای بدهد که امکان نداشته باشد به آن وفا کند. پس به او گوش کن و در هرچه می گوید او را اطاعت کن.

چون شب را به صبح رساندند حضرت عیسی به غلام فرمود: برو به در خانه پادشاه، زمانی که افراد مخصوص دربار او و وزیران وی خواستند بر او وارد شوند به آنها بگو که به پادشاه از زبان تو بگویند که من آمده ام به خواستگاری دخترش. پس هر اتفاقی که بعد از این افتاد بین تو و پادشاه بیا و به من بگو. جوان خود را به در خانه پادشاه رساند و وقتی که خواسته خود را به افراد مخصوص پادشاه گفت: آنها به او خندیدند و از گفتارش شگفت زده شدند و رفتند به نزد پادشاه در حالی که وی را به مسخره گرفته بودند مطلب او را به پادشاه گفتند. پادشاه دستور داد او را در نزدش حاضر کنند. پس چون داخل شد و به حضور پادشاه رسید و از دختر پادشاه خواستگاری نمود پادشاه با حال تمسخر به او گفت: من دختر خود را به تو نمی دهم مگر این که تو به من مرواریدها و یاقوت ها و گوهرهای آن چنانی بدهی و خلاصه جواهراتی را از وی درخواست نمود که جز در خزانه پادشاه در جای دیگر پیدا نمی شد. پس جوان به پادشاه گفت: من می روم و جواب تو را می آورم. لذا به نزد حضرت عیسی آمد و جریان را گفت: پس حضرت عیسی به خرابه ای که در آن سنگ ها و کلوخ های بزرگی بود رفت و از خدا درخواستی کرد و دعا نمود. پس آن سنگ ها و کلوخ ها تبدیل به جواهراتی شد که پادشاه خواسته بود بلکه بهتر از آنها. بعد از آن فرمود: ای غلام هر چقدر از این ها را که می خواهی بردار و ببر به نزد پادشاه. پس غلام آن جواهرات را پیش پادشاه برد ولی او و افرادی که در مجلس او بودند درباره این جوان و کار وی تعجب کردند. در عین حال گفتند که این مقدار ما را کافی نیست. جوان دوباره آمد به نزد حضرت عیسی و آن چه اتفاق

افتاده بود گزارش داد. حضرت عیسی فرمود: برو داخل خرابه شو و هرچه می خواهی از آن جواهرات بردار و ببر به نزد آنان در این مرتبه آن جوان دو برابر آن چه را برده بود برداشت از آن جواهرات و برد به نزد پادشاه که باعث شگفتی بیشتر وی و همراهانش شد. پادشاه گفت: کار این غلام عجیب است. پس با غلام خلوت کرد و از رازِ مطلب وی جو یا شد. پس او هم آن چه که بین خود و حضرت عیسی اتفاق افتاده بود و علاقه شدیدی که به دختر پادشاه پیدا کرده بود را به پادشاه اطلاع داد. پادشاه پی برد که آن مهمان حضرت عیسی علیه السلام می باشد. لذا به جوان گفت: به مهمانت بگو به نزد من بیاید و دختر من را به ازدواج تو در آورده. پس حضرت عیسی حاضر شد و دختر پادشاه را به ازدواج آن جوان در آورد. پادشاه نیز لباس فاخری را دستور داد برای جوان آوردند و او پوشید و خلاصه شبی را آن جوان و دختر پادشاه با هم به صبح رساندند، وقتی صبح شد. پادشاه غلام را خواست و با او صحبت کرد. دید او شخص عاقل و پاکی است و برای پادشاه هم فرزندی غیر از همان دخترش وجود نداشت. لذا آن غلام را ولیعهد خود نمود و وارث پادشاهی قرار داد و به خواص و اعیان حکومتش دستور داد که با او بیعت کنند و دستوراتش را اطاعت کنند. چون شب دوّم شد پادشاه به طور ناگهانی فوت کرد و آن غلام را بزرگان حکومت به تخت پادشاهی نشانند و مطیع او شدند و خزانه های مملکت را به او سپردند. در روز سوّم حضرت عیسی آمد که با آن جوان که پادشاه شده بود خداحافظی کند. غلام گفت: ای حکیم تو به گردن من حقوقی داری که من سپاس یکی از آنها را نمی توانم به جای آوردم حتی اگر همیشه زنده باشم و به تو خدمت کنم. ولی دیشب در دل من امری عارض شد که اگر در این باره جواب مرا ندهی از آن چه که من به دست آورده ام نفع و سودی نمی برم. حضرت عیسی فرمود: آن مطلب چیست؟ غلام گفت: تو که توانستی مرا در عرض دو روز از آن جایگاه پست به این درجه بالا برسانی چرا درباره خودت این کار را انجام نمی دهی و تو را در این لباس های ساده می بینم و در این شرایط خاص؟

حضرت عیسی علیه السلام به او فرمود: کسی که نسبت به خدا و خانه کرامت او [آخرت] و ثوابش علم دارد و به فانی بودن دنیا و پستیش آگاهی دارد رغبت به این پادشاهی و اموری که از بین می رود پیدا نمی کند و ما در مقام نزدیکی به خداوند متعال و دوستیش لذّت های روحانی داریم که این لذّت های از بین رفتنی دنیا در مقابل آنها چیزی نیست. پس چون

حضرت عیسیٰ او را به آفات و عیب های دنیا و نعمت های آخرت و درجات آن خبر داد غلام به آن حضرت گفت: برای من بر تو سؤال دیگری است و آن این که تو چرا برای خود لذت های بهتر و بالاتر را برگزیدی و مرا در این بلائی بزرگ قرار دادی؟ حضرت عیسیٰ علیه السلام فرمود: من به این جهت تو را در این امر قرار دادم که هوش و عقل تو را بیازمایم تا به خاطر ترک این امور آسان برای تو پاداش بیشتر و کامل تر به دست آید و این پشت پا زدن تو به دنیا و پادشاهی آن برای دیگران حجتی باشد. پس غلام پادشاهی را رها کرد و لباس های قبلی خود را پوشید و از همراهان حضرت عیسیٰ شد. چون حضرت عیسیٰ سوی حواریین برگشت فرمود: این همان گنجی بود که من گمان می کردم در این شهر است و خدا را سپاس که آن را پیدا کردم.

بحار الانوار، ج 14، ص 281.

ص: 119



1. الآراء الفقهية، للشيخ هادى النجفى، اصفهان، 1429.
2. الإثنا عشرية فى المواعظ العددية، لمحمد بن الحسن العاملى، قم المقدسة، 1384ش - 1427ق.
3. إحقاق الحق، للشهيد القاضى نورالله التستري، مكتبة آية الله المرعشى.
4. الأربعون حديثاً فى من يملأ الأرض قسطاً و عدلاً، للشيخ هادى النجفى، قم المقدسة، 1411ق.
5. از چشمه خورشيد (چهل حديث از امير مؤمنان على عليه السلام)، للشيخ هادى النجفى، ترجمة جويها نخبش، اصفهان، 1429.
6. الأدب المفرد، للبخارى، الطبعة القديمة.
7. أعلام الدين، للديلمى، مؤسسة آل البيت عليهم السلام، قم المقدسة.
8. إقبال الأعمال، لإبن طاووس الحسينى، الطبع الحجرى.
9. ألف حديث فى المؤمن، للشيخ هادى النجفى، مؤسسة النشر الإسلامى، قم المقدسة، 1416ق.
10. أمالى الصدوق، تحقيق مؤسسة البعثة، قم المقدسة.
11. أمالى الشيخ طوسى، تحقيق مؤسسة البعثة، قم المقدسة.
12. اندوخته خداوند، للشيخ هادى النجفى، ترجمة جويها نخبش، حروفه، تهران، 1424.
13. أمالى المفيد، تحقيق علياً كبير الغفارى، مؤسسة النشر الإسلامى قم المقدسة.
14. أنوار التنزيل، المسمى بتفسير البيضاوى، الطبع الحجرى.
15. بحار الأنوار، للشيخ محمدباقر المجلسى، بيروت فى 110 مجلدات، و بيروت عام 1421ق فى 44 مجلداً.
16. البرهان فى تفسير القرآن، للسيد هاشم البحرانى، مؤسسة البعثة، قم المقدسة.
17. البلد الأمين، للكفعمى، صورة عن الطبع الحجرى، قم المقدسة.

18. بوستان فضيلت، لحميد خليليان، إصفهان، 1385ش.

19. البيان في أخبار صاحب الزمان، لمحمد بن يوسف الكنجي الشافعي، مؤسسة النشر الإسلامي قم المقدسة.

20. التاج الجامع للأصول في أحاديث الرسول، للشيخ منصور على ناصف، بيروت 1406ق.

21. تحف العقول، لابن شعبة الحراني، تحقيق علياً كبير الغفاري، مؤسسة النشر الإسلامي قم المقدسة.

22. التذكرة الحمدونية، لمحمد بن الحسن بن محمد بن علي ابن حمدون، بيروت 1996م.

23. التعريف بوجوب حق الوالدين، لأبي الفتح الكراجكي، قم المقدسة.

24. تفسير القمي، لعلي بن إبراهيم القمي، مجلدان، قم المقدسة.

25. التفسير الكبير، للفخر الرازي، بيروت.

26. تمام نهج البلاغة، للسيد صادق ابن السيد محمداقرا ابن السيد عبدالله الموسوي الشيرازي، مؤسسة الاعلمي، بيروت، لبنان 1426ق.

27. التهذيب، للشيخ الطوسي، تحقيق السيد حسن الخرسان، طهران.

28. ثواب الأعمال، للشيخ الصدوق، تحقيق علياً كبير الغفاري، طهران.

29. جامع الأصول في أحاديث الرسول، لابن الأثير الجزري، بيروت، دارالفكر، 1403ق.

30. جامع الشتات، لمحمد إسماعيل الخواجوي الأصفهاني، تحقيق السيد مهدي الرجائي، قم المقدسة.

31. الجعفریات، لمحمد بن محمد بن الأشعث، طهران، 1370.

32. جواهر الكلام، [نبذة من كتاب]، للآمدي، المطبوعة ضمن مجلة تراثنا، العددین 91 و 92، قم المقدسة.

33. حكايت أخگر الماس ريزه ها، لجويا جهانبخش، دليل ما، 1384ش.

34. حلية الأولياء، للحافظ أبي نعيم الأصفهاني، بيروت.

35. الخصائص الحسينية، للشيخ جعفر التستري، المطبعة الحيدرية، النجف الأشرف، 1375ق.

36. الخصال، للشيخ الصدوق، تحقيق علياً كبير الغفاري، مؤسسة النشر الإسلامي قم المقدسة.

37. خواص الآيات، للشيخ محمد تقي آقا النجفي الإصفهاني، الطبع الحجري.
38. رسائل المحقق الكركي، تحقيق الشيخ محمد الحسون، قم، مكتبة آية الله المرعشي، 1409ق.
39. رَوْضِ الْجَنَانِ، لأبي الفتوح الرازي، الآستانة الرضوية المقدسة.
40. روضة الواعظين، لمحمد بن فتال النيسابوري، النجف الأشرف.
41. الدرّة الباهرة، للشهيد الأول، الآستانة الرضوية المقدسة، 1365ش - 1408ق.
42. دعائم الإسلام، للقاضي نعمان المصري، طبعته مصمورا، مؤسسة آل البيت عليهم السلام.
43. الدعوات، للقبط الراوندي، قم المقدسة.
44. ديوان أبيالمجد، للشيخ محمد الرضا النجفي الأصفهاني، تحقيق السيد احمد الحسيني، قم المقدسة، 1408ق.
45. ذخائر العقبي في مناقب ذوى القربى، لمحب الدين أحمد بن عبدالله الطبري، بيروت.
46. سفينة البحار و مدينة الحكم و الآثار، للشيخ عباس القمي، الآستانة الرضوية المقدسة.
47. سنن البيهقي، للبيهقي، بيروت 10 مجلدا.
48. سنن الترمذي، للترمذي.
49. سير أعلام النبلاء، للذهبي، بيروت 1406ق.
50. شرح الأخبار في فضائل الأئمة الأطهار، للقاضي نعمان المصري، مؤسسة النشر الإسلامي قم المقدسة.
51. شرح أصول الكافي، للمولى صالح المازندراني، بيروت.
52. شرح نهج البلاغة، لابن أبي الحديد المعتزلي، مصر.
53. صحيفة الإمام الرضا عليه السلام، تحقيق الشيخ محمد مهدي نجف، الآستانة الرضوية المقدسة.
54. عدة الداعي، لابن فهد الحلبي، طبعة مؤسسة المعارف الإسلامية، 1420ق.
55. عقاب الأعمال، للشيخ الصدوق، تحقيق علي أكبر الغفاري، طهران.
56. عقد الدرر في أخبار المنتظر، ليوسف بن يحيى بن علي بن عبدالعزيز المقدسي الشافعي، مصر 1399ق.
57. عيون أخبار الرضا عليه السلام، للشيخ الصدوق، تحقيق السيد مهدي اللاجوردى، قم المقدسة.



58. غررالحكم، للآمدى، طبع المرحوم الشيخ محمد على الانصارى.
59. فاطمة الزهراء آية عظمة الله، لجماعة من المحققين.
60. الفتوح لابن أعثم الكوفى، بيروت، دارالندوة الجديدة.
61. الفضائل، لشاذان بن جبرئيل القمى، قم المقدسة.
62. فضائل الخمسة من الصحاح الستة، للسيد مرتضى الفيروزآبادى، قم المقدسة.
63. فضائل الشيعة، للشيخ الصدوق، قم المقدسة.
64. فيض البارى إلى قرّة عينى الهادى، للشيخ مهدى غياث الدين مجدالإسلام النجفى، المطبوع ضمن قبيله عالمان دين، قم المقدسة 1381.
65. قبيله عالمان دين، للشيخ هادى النجفى، قم المقدسة 1381ش.
66. قواعد الأحكام، للعلامة الحلى، مؤسسة النشر الإسلامى، قم المقدسة.
67. كتاب ابليس اللعين، للشيخ هادى النجفى، دارالنشر دليل ما، قم المقدسة، 1429.
68. الكافى، لمحمد بن يعقوب الكلينى، تحقيق عليأكبر الغفارى، طهران.
69. كتاب من لا يحضره الفقيه، للشيخ الصدوق، تحقيق عليأكبر الغفارى، مؤسسة النشر الإسلامى، قم المقدسة.
70. كشف الغمّة، لمحمد بن عيسى الإرلبلى، تحقيق عليأكبر الغفارى، طهران.
71. الكشكول، للشيخ محمد بهاءالدين العاملى، منشورات لسان الصدق، قم المقدسة، 2006م.
72. كنزالععمال، للمتقى الهندى، بيروت.
73. كنزالفوائد، للكراچكى، تحقيق الشيخ عبدالله النعمة، بيروت.
74. مجمع البحرين، للطريحي، الطبع الحجرى، و الطبع الحروفى بيروت.
75. المحاسن، للبرقى، تحقيق السيد مهدى الرجائى، قم المقدسة.
76. محاضرات الأدياء و محاورات الشعراء و البلغاء، للراغب الأصفهانى، بيروت.
77. مختصر البصائر، للحسن بن سليمان الحلى، مؤسسة النشر الإسلامى، قم المقدسة.

78. مستدرک سفینه البحار، للشیخ علی النمازی الشاهرودی، مؤسسة النشر الإسلامی قم المقدسة، 1427ق.

ص: 123

79. المستدرک علی الصحیحین، للنیسابوری، الطبعة القديمة.
80. مستدرک وسائل الشیعة، للشیخ حسین النوری، طبع مؤسسة آل البيت علیهم السلام .
81. مسکن الفؤاد، للشهید الثانی، آل البيت علیهم السلام، قم المقدسة.
82. مشارق أنوار الیقین، للحافظ رجب البرسی، قم المقدسة.
83. المصباح، للكفعمی، مصورا عن الطبع الحجری، قم المقدسة.
84. مصباح الشریعة، للصدر دشتی، الأعلمی، بیروت.
85. مطالب السؤل، لمحمد بن طلحة الشافعی، النجف الأشرف.
86. معانی الأخبار، للشیخ الصدوق، تحقیق علیا کبر الغفاری، مؤسسة النشر الإسلامی، قم المقدسة.
87. مفاتیح الجنان، للشیخ عباس القمی.
88. مفتاح السعادة، للشیخ محمد تقی آقا النجفی الأصفهانی، الطبع الحجری.
89. المناقب، لابن شهر آشوب، قم المقدسة.
90. منهج الصادقین، للشیخ فتح الله الکاشانی، طهران.
91. موسوعة أحادیث أهل البيت علیهم السلام، للشیخ هادی النجفی، دار إحياء التراث العربی، بیروت 1423ق.
92. میراث حوزة اصفهان، لجماعة من المحققین، أصفهان.
93. النبراس، للحاج المولی هادی السبزواری، مصورا عن الطبع الحجری.
94. نثر الدر، لمنصور بن الحسین الآبی، تحقیق محمد علی قرنة، مصر.
95. نهج البلاغة، للسید الرضی، طبع صبحی صالح.
96. نزهة الناظر و تنبیه الخاطر، للحسین بن محمد بن حسن بن نصر الحلوانی، قم المقدسة 1408ق.
97. نوادر المعجزات، للطبری الإمامی، الطبعة الحديثة، قم المقدسة.
98. وسائل الشیعة، للشیخ الحر العاملی، مؤسسة آل البيت، قم المقدسة.
99. ولایت و امامت، للشیخ هادی النجفی، قم 1370ش - 1413ق.

100. يوم الطّف، للشيخ هادي النجفي، قم 1413ق.

ص: 124



الفهرس

٥	فهرس ترجمة الكتاب
١٠	مقدمة المترجم
١٢	المقدمة
١٦	كنزي الوحيد: هو الله تعالى
٢٤	الكنز الثاني: محمد رسول الله ﷺ
٢٦	الكنز الثالث: أمير المؤمنين علي بن أبي طالب ؑ
٣٠	فاطمة الزهراء (سلام الله عليها)
٣٤	الإمام الحسن المجتبي ؑ
٣٦	الإمام الحسين الشهيد ؑ
٤٠	الإمام علي بن الحسين السجاد ؑ
٤٠	الإمام محمد بن علي باقر العلوم ؑ
٤٢	الإمام جعفر بن محمد الصادق ؑ
٤٢	الإمام موسى بن جعفر الكاظم ؑ
٤٢	الإمام علي بن موسى الرضا ؑ
٤٤	الإمام محمد بن علي الجواد ؑ
٤٦	الإمام علي بن محمد الهادي ؑ
٤٦	الإمام الحسن بن علي العسكري ؑ
٤٨	الإمام الحجة بن الحسن صاحب الزمان (عجل الله فرجه الشريف)
٤٨	كتابة سطور في مدينة النبي ﷺ
٥٠	أنفق و لاتخف من ذي العرش إقللاً
٥٢	الشفاعة عامة تجري في العوالم الثلاثة
٥٢	نحن ببركتهم ﷺ في الجنة دائماً
٥٦	النجاة غداً قطعي إن شاء الله تعالى
٥٦	كتابة سطور في حال الإحرام قبل الذهاب إلى عرفات
٥٨	آباؤك من العلماء و الفقهاء

٦٠	..... العلم كنز
٦٠	..... كيفية دراسة العلوم الحوزوية
٦٢	..... الكنوز التي أنت تملكها
٦٤	..... الحياة و العمر
٦٤	..... الصحة و السلامة
٦٤	..... موهبتك و القوى
٦٤	..... الإيمان بالله تعالى و بنبيه ﷺ و بوصيه ﷺ و الأئمة من ولده ﷺ
٦٤	..... الطاعة لله تعالى
٦٤	..... الصلاة
٦٤	..... التوكل على الله
٦٦	..... أشعار أبي المجدد في التوكل
٦٦	..... حبك لأمر المؤمنين ﷺ
٦٨	..... التوسل
٦٨	..... الدعاء
٦٨	..... التهجد
٦٨	..... التوبة
٧٠	..... قراءة القرآن
٧٠	..... الصدقة
٧٠	..... الإنفاق
٧٠	..... الوالدة
٧٢	..... الإعتبار و ماء الوجه
٧٢	..... الرزق على الله تعالى
٧٢	..... القناعة
٧٤	..... الخلق الحسن
٧٤	..... الصبر
٧٤	..... الأيام

٧٤	لا تظهر الشيء قبل أن يستحكم
٧٤	لا تنق قبل الاختبار
٧٦	الصمت
٧٦	الانتظار للصلاة
٧٦	سورة الحمد
٧٦	آية الكرسي
٧٨	آيتان من آخر سورة البقرة
٨٠	سورة القدر
٨٠	سورة المؤمنين
٨٠	الصلاة على محمد وآله
٨٠	كلمة التوحيد
٨٢	المعروف
٨٢	محبة القلوب إليك
٨٢	إيّاك و معادة الرجال
٨٢	العمل
٨٤	التقوى
٨٤	الصلاة في أول يوم من رجب
٨٤	دعاء لأبي عبد الله <small>عليه السلام</small>
٨٤	الجوشن الكبير
٨٤	كلمات من كنوز العرش
٨٦	الوسائل إلى المسائل
٨٨	الكنز في الروايات يطلق على أشياء و أمور
٨٨	﴿ كان تحته كنز لهما ﴾
٨٨	لا حول و لا قوة إلا بالله
٩٢	العجب لمن فرع من أربع كيف لا يفرع إلى أربع
٩٤	أربعة من كنوز البرّ

٩٤	أربع من كنوز الجنة .....
٩٤	الكوفة كنز الإيمان .....
٩٤	كنوز الله في الطالقان .....
٩٦	الكنز لا بد أن يودع عند الأمين .....
٩٦	إن هدى الله بك أحداً فهو كنزك .....
٩٨	خاتمة .....
٩٨	دعاء الإمام الصادق <small>عليه السلام</small> في مجلس المنصور للنجاة منه .....
١٠٢	وصية الإمام الصادق <small>عليه السلام</small> لولده الإمام الكاظم <small>عليه السلام</small> .....
١٠٤	وصية رسول الله <small>صلى الله عليه وآله</small> إلى أمير المؤمنين <small>عليه السلام</small> .....
١٠٤	وصية أمير المؤمنين <small>عليه السلام</small> إلى ولده الإمام الحسن <small>عليه السلام</small> .....
١٠٤	وصية أمير المؤمنين <small>عليه السلام</small> لولده محمد ابن الحنفية .....
١٠٤	وصية أخرى لرسول الله <small>صلى الله عليه وآله</small> إلى أمير المؤمنين <small>عليه السلام</small> .....
١٠٦	وصايا لقمان لابنه .....
١٠٦	وصايا العلامة الحلبي لولده <small>عليه السلام</small> .....
١٠٨	لا تنساني من صالح دعواتك و طلب المغفرة .....
١٠٨	سرّ تفوق الوحيد البهبهاني <small>عليه السلام</small> .....
١١٠	الزراعة .....
١١٠	الروايات كلّها كنوز .....
١١٠	الإجازة للولد .....
١١٢	إن تريد المال و الثروة .....
١١٥	ضمائم .....
١٢٠	مصادر الكتاب .....
١٢٥	الفهرس .....

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتابخانه های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارک امام علیه السلام پشتیبانی می شود.

برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوئیم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : ( موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه )

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109





مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

